

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران  
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۳، بخش اول (فروردین تا شهریور) /  
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.  
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.  
۸۴۳ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
یادداشت: نمایه.  
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات  
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ م۵ش/۲۵۱۲ KMH  
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵

## مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۳

### بخش اول ( فروردین تا شهریور )

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

عمار امیری آرانی، حسین امینی پزوه، محمدحسن باقری، علی تقی نژاد، محمدبرزگر خسروی، عباس حسنخانی، سید احمد  
حسینی پور اردکانی، حمیدرضا صادقیان، حسین فاتحی زاده کلخوران، کاظم کوهی اصفهانی، محمد مهاجری، محمد میثم نداف پور  
پیاده سازی و تنظیم: محسن بیات، سید حامد چاوشی، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: بهار ۱۳۹۷ - تیراژ: ۵۰۰ جلد - قیمت: ۹۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۲۲-۸

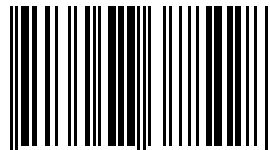
تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir



9 786008 378228

## مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۳/۶/۱۹

مشمول بر موضوعات زیر:

- ۱) طرح اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی
- ۲) لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)
- ۳) طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال (اعاده شده از شورای نگهبان)
- ۴) طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور (اعاده شده از شورای نگهبان)
- ۵) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی (اعاده شده از شورای نگهبان)

ماده ۵- سازمان تأمین اجتماعی مکلف است هفت درصد (۷٪) حق بیمه را از کارگران ساختمانی دارای پروانه مهارت و اشتغال مشمول ماده (۱) این قانون<sup>۳</sup> و بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما را که معادل دوازده درصد (۱۲٪) مجموع عوارض و درآمد ناشی از صدور پروانه ساختمان به شهرداری می‌باشد، از مالک دریافت و کارگران مذکور را بیمه نماید.»

آقای علیزاده - ماده (۵) سابق [مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۱۴] ظاهراً این بوده است: «ماده ۵- در مواردی که انجام کارهای ساختمانی مستلزم اخذ پروانه می‌باشد، مراجع ذی‌ربط مکلفند صدور پروانه را منوط به ارائه رسید پرداخت حق بیمه برای هر متر مربع نمایند. حق بیمه متعلقه برای هر متر مربع زیربنا بر اساس حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار و بر مبنای ارزش معاملاتی املاک و مترژ و طبقات موضوع ماده (۶۴) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن<sup>۴</sup>، سطح زیربنا و

تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید

### طرح اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی

منشی جلسه - «طرح اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی<sup>۱</sup>  
ماده واحده- ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۱۴<sup>۲</sup> و تبصره‌های آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱. طرح اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۲۷/۳۸۳۶۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۵ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مفاد این مصوبه با قانون اساسی و وجود ابهام در برخی دیگر از مفاد آن را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۲ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ و ۹۳/۱۰۲/۲۳۴۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۹/۱۶ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۰۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶/۸/۹ مجلس

→  
شورای اسلامی است که ماده (۵) این قانون به موجب قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶، در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ اصلاح شده است و در مصوبه‌ی کنونی این ماده‌ی اخیر، مورد اصلاح واقع شده است.

۳. ماده (۱) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶/۸/۹ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- کارگران شاغل در کارهای ساختمانی اعم از ایجاد یا توسعه ساختمان، تجدید بنا، تعمیرات اساسی و یا تخریب مربوط به ساختمان و به ترتیب مندرج در این قانون با نام‌نویسی و اخذ کد ملی نزد سازمان تأمین اجتماعی بیمه می‌شوند.»

۴. ماده (۶۴) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ مجلس شورای اسلامی (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷): «ماده ۶۴- تعیین ارزش معاملاتی املاک به عهده کمیسیون تقویم املاک، متشکل از هفت عضو می‌باشد که در تهران از نمایندگان سازمان امور مالیاتی کشور و وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی، جهاد کشاورزی و نماینده سازمان ثبت اسناد و املاک و سه نفر معتمد محل بصیر و مطلع در امور تقویم املاک به معرفی شورای شهر و در شهرستان‌ها از مدیران کل یا رؤسای ادارات امور مالیاتی، مسکن و شهرسازی، جهاد کشاورزی و ثبت اسناد و املاک به ترتیب در مراکز استان‌ها یا شهرستان‌ها حسب مورد و یا نمایندگان آنها و سه نفر معتمد محل بصیر و مطلع در امور تقویم املاک به معرفی شورای شهر تشکیل و هر سال یک بار نسبت به تعیین ارزش معاملاتی املاک اقدام خواهد نمود. در موارد تقویم املاک واقع در هر بخش و روستاهای تابعه (بر اساس تقسیمات کشوری) سه نفر معتمد محل بصیر و مطلع در امور تقویم املاک توسط شورای بخش مربوط معرفی خواهند شد. در صورت نبودن شورای شهر یا بخش سه نفر با شرایط مذکور که کارمند دولت نباشند، به معرفی فرماندار یا بخشدار مربوط در کمیسیون شرکت خواهند نمود. کمیسیون تقویم املاک در تهران به دعوت سازمان امور مالیاتی کشور و در شهرستان‌ها به دعوت مدیر کل یا رئیس اداره امور مالیاتی در محل سازمان مزبور یا ادارات تابعه آن تشکیل خواهد شد.

←

می‌رسد. در هر صورت نرخ حق بیمه با توجه به شاخص‌های مورد اشاره در آیین‌نامه موصوف نباید بیش از چهار درصد (۴٪) حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار باشد.» به نظر من، این ماده (۵) هم ایراد دارد.

**آقای ره‌پیک -** بسم الله الرحمن الرحيم. در مورد بیمه کارگران ساختمانی سوابق زیادی وجود دارد. قاعده‌ی کلی بیمه این است که حق بیمه سرجمع سی درصد (۳۰٪) حداقل دستمزد محاسبه می‌شود. برای پرداخت حق بیمه‌ی این بخش کارگری و غیر کارمندی، هفت درصد (۷٪) از حق بیمه را کارگر می‌دهد و بیست درصد (۲۰٪) از آن را کارفرما می‌دهد و سه درصد (۳٪) را هم دولت می‌دهد. قاعده‌ی عمومی‌اش این است. اما در مورد کارگران ساختمانی همیشه مشکلاتی وجود داشته است؛ مثل اینکه این کارگرها فصلی هستند و تعدادشان معلوم نیست و از آن طرف، کسانی که می‌خواهند به عنوان کارفرما پول پرداخت بکنند، یعنی مالکین ساختمان، معمولاً حق بیمه را نمی‌دهند، لذا همیشه مشکلات زیادی برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی بوده است. برای همین، مجلس آمد و رابطه‌ی بیمه‌ای کارگران ساختمانی را به شکل دیگری تعریف کرد. آمدند گفتند که هفت درصد (۷٪) حق بیمه را کارگر پرداخت کند و بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما را با یک راهکاری شبیه عوارض و مالیات ساختمان تعریف کردند. چون در جاهای دیگر که کارفرما سهم بیست درصدی (۲۰٪) خودش را پرداخت می‌کند، یک قرارداد کاری هست و کارفرما بر اساس همان قرارداد آن سهم بیست درصدی خودش را پرداخت می‌کند؛ مثلاً کارفرما در یک کارخانه، لیست بیمه را که می‌دهد، بیست درصد (۲۰٪) حقوق پرداختی را بابت بیمه حساب می‌کند. اما در اینجا چون چنین امکانی نبود، یک راهکاری شبیه عوارض و مالیات ساختمان تعریف کردند؛ یعنی گفتند هر کسی که می‌خواهد ساختمان بسازد بایستی در زمان اخذ پروانه یک پولی بر اساس مترآژ و امثال اینها پرداخت بکند؛ صرف نظر از اینکه اصلاً کارگری گرفته باشد یا نگرفته باشد و یا اینکه تعداد کارگرنش چقدر است و اینکه اصلاً شاید کارگرنش بیمه‌ی جای دیگری باشند. به طور کلی آمدند و به ساختمان عوارض بسته‌اند که باید این عوارض را به یک حسابی بریزند. در اینجا کلاً کارفرمایان باید بیست درصد (۲۰٪) برای بیمه بدهند، اما نه به طور معین در یک ساختمان، بلکه به طور کلی بیست درصد (۲۰٪) حق کارفرما

سایر شاخص‌های ارزش‌گذاری منطقه‌ای اعم از شهری و روستایی با توجه به ضریب محرومیت آنها طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و با هماهنگی سایر دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران

→

جلسات کمیسیون با حضور حداقل پنج نفر که سه نفر آنها عضو دولت باشند، رسمیت می‌یابد و تصمیمات متخذه با رأی موافق چهار نفر معتبر است.

کمیسیون مزبور مکلف است:

الف- قیمت اراضی شهری را با توجه به آخرین ارزش معاملات تعیین شده و موقعیت جغرافیایی (شبکه‌بندی زمین، نوع خاک، خدمات تحت‌الارضی، آب و هوا و ارتفاع) و وضعیت حقوقی (مشاع بودن، نوع مالکیت از لحاظ جاری بودن یا داشتن دفترچه مالکیت، استیجاری بودن) و خدمات شهری (آب، برق، تلفن، گاز، بهداشت، آموزش و پرورش، شبکه حمل و نقل شهری و سایر خدمات) و میزان مساحت و تراکم جمعیت و تراکم ساخت و موقعیت ملک از لحاظ قرار داشتن در مناطق تجاری و صنعتی و مسکونی و آموزشی و یا مختلط و به طور کلی نوع کاربری اراضی و دسترسی‌ها به فضای سبز و مراکز خرید و کیفیت شوارخ از نظر حمل و نقل و عبور و مرور.

ب- قیمت زمین‌های کشاورزی و روستایی را علاوه بر رعایت موارد مذکور در بند (الف) فوق، فاصله تا شهر، نوع محصول و قیمت آنها و میزان آب و داشتن قابلیت برای کشت مکانیزه و وضعیت طبیعی زمین و داشتن جاده و نوع جاده و فاصله تا جاده‌های اصلی و مواردی که مالکین عرصه و اعیان و اشجار باغات متفاوت باشند.

ج- قیمت ساختمان را با توجه به نوع مصالح (اسکلت فلزی یا بتون آرمه یا اسکلت بتونی و سوله و غیره) و قدمت و تراکم و طریقه استفاده از آن (مسکونی، تجاری، اداری، آموزشی، بهداشتی و خدماتی و غیره) و نوع مالکیت از نظر عرصه و اعیان تعیین نماید. ارزش معاملاتی تعیین شده پس از یک ماه از تاریخ تصویب نهایی کمیسیون تقویم املاک لازم‌الاجرا می‌باشد و تا تعیین ارزش معاملاتی جدید معتبر است.

تبصره ۱- سازمان امور مالیاتی کشور یا ادارات تابعه سازمان مزبور می‌توانند قبل از اتمام دوره یک‌ساله کمیسیون تقویم املاک را در موارد زیر تشکیل دهند:

۱- برای تعیین ارزش معاملاتی نقاطی که فاقد ارزش معاملاتی است.

۲- برای تعدیل ارزش معاملاتی تعیین شده نقاطی که حسب تشخیص سازمان امور مالیاتی کشور با مقایسه با نقاط مشابه هماهنگی ندارد.

۳- برای تعدیل ارزش معاملاتی تعیین شده نقاطی که حسب تشخیص سازمان امور مالیاتی کشور با توجه به عوامل ذکر شده در این ماده تغییرات عمده در ارزش تعیین شده به وجود آمده باشد. ارزش معاملاتی تعیین شده حسب این تبصره پس از یک ماه از تاریخ تصویب نهایی کمیسیون تقویم املاک لازم‌الاجرا بوده و تا تعیین ارزش معاملاتی جدید معتبر خواهد بود.

تبصره ۲- مادامی که ارزش معاملاتی املاک طبق مقررات این قانون تعیین نشده است، آخرین ارزش معاملاتی تعیین شده معتبر است.»

در قانون بودجه سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲ متوقف شد.<sup>۲</sup> به دلیل اینکه طبق گزارش و آمار، اخذ این نوع عوارض باعث کاهش و رکود ساخت‌وسازها شده بود. لذا هم در قانون بودجه سال ۱۳۹۰ و هم در قانون بودجه سال ۱۳۹۲ حکم قوانین مربوط به اخذ این عوارض متوقف شد. یعنی این مصوبه، مشکلات اجرایی به این معنا هم دارد. این توضیحی بود که در مورد اصل لازم بود داده شود. حالا تبصره‌های این مصوبه هم یک بحث‌هایی از نظر اصل (۷۵)<sup>۳</sup> دارد که آنها را هم باید بحث بکنیم. ولی الآن بحث اصلی این است که واقعاً شما به عنوان حق بیمه دارید عوارض دریافت می‌کنید.

**آقای مدرس‌یزدی -** اسمش بیمه است.

**آقای ره‌پیک -** بله، به عنوان بیمه‌ی کارگران ساختمانی دارید

→

ماده (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶، در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ توسط مجلس شورای اسلامی مورد اصلاح قرار گرفته است.

۲. بند (۲۹) قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور مصوب ۱۳۸۶/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی: «۲۹- قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی در سال ۱۳۸۷ لازم‌الاجراء نمی‌باشد.»

بند (۸۹) قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی: «۸۹- در نه‌ماهه سال ۱۳۹۲ پرداخت حق بیمه و ارائه اسناد در زمان صدور پروانه ساختمان موضوع قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی در شهرها و روستاهای کشور متوقف می‌شود. سازمان مالیاتی مکلف است معادل مبلغ نه هزار میلیارد (۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال عوارض ارزش افزوده شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از محل منابع مندرج در بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده متمرکز نزد سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور را به عنوان بیست درصد (۲۰٪) حق بیمه سهم کارفرما برای بیمه کارگران ساختمانی به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نماید. سازمان تأمین اجتماعی مکلف است با رعایت قوانین و مقررات مربوط و دریافت هفت درصد (۷٪) حق بیمه سهم بیمه‌شده از کارگر و بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما، هشتصد هزار نفر از کارگران ساختمانی را بیمه نماید و گزارش عملکرد خود در این خصوص را هر سه ماه یک بار به کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و اجتماعی مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. کارفرمایان امور ساختمانی موظفند کارگران ساختمانی غیر مشمول این بند را بیمه حوادث حین کار نموده و اسناد مربوطه را به مراجع صدور پروانه ارائه نمایند.»

۳. اصل هفتاد و پنجم (۷۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «اصل ۷۵- طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.»

را از آن صندوق به عنوان حق بیمه‌ی کارگران اخذ می‌کنند. قبلاً در قانون سابق آمده بود که از حداکثر چهار درصد (۴٪) دستمزد مصوب شورای عالی کار نباید بیشتر بشود و بر این اساس، متراژبندی کرده بودند که تا (۷۵) متر این مقدار باید پرداخت شود و تا (۱۰۰) متر آن مقدار و خلاصه یک جدولی داشت که سقفش چهار درصد (۴٪) دستمزد بود. الآن گفته‌اند که آن بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما معادل دوازده درصد (۱۲٪) مجموع عوارض و درآمد ناشی از صدور پروانه، اخذ بشود. یعنی دوازده درصد (۱۲٪) به طور کلی از همه دریافت می‌شود و متراژ هم مهم نیست. این مقدار را باید به حساب بریزند و بعد از آن حساب برمی‌دارند و بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما را برای کارگران ساختمانی پرداخت می‌کنند. حالا در اینجا یک بحثی هست که آیا این نوع پرداخت اشکال دارد یا نه؟ یعنی آیا مشمول حکم تبعیض یا امثال اینها می‌شود یا نمی‌شود؟ گفته‌اند که مالکین ساختمان‌ها، بیمه و انبوه‌سازان و اینها همه اعتراض دارند و می‌گویند که این مقدار از حق بیمه متناسب با کارگری که به کار گرفته‌اند نیست؛ یعنی یک کارفرمایی ممکن است کارگرش کم باشد و چون متراژش بالا است حق بیمه‌ی زیادی پرداخت می‌کند یا بالعکس یا هر شکل دیگری که تصور می‌کنید.

**آقای مدرس‌یزدی -** در برخی ساختمان‌ها، بیشتر از ابزارآلات مکانیکی استفاده می‌کنند و...

**آقای ره‌پیک -** بله، اصلاً فرض کنید کسی ممکن است برای ساخت خانه‌اش، از بچه‌های خودش یا از اقوامش استفاده کند. اینها می‌گویند این مقدار از حق بیمه تناسب ندارد. با این وصف، آیا این مصوبه اشکال دارد یا نه، این هم مثل عوارض است؟ برخی می‌گویند که این مثل مالیات و عوارض است؛ شما این مبلغ را به حساب بریزید، ما می‌خواهیم از این حساب، یک پولی را به عنوان حق بیمه‌ی کارگران پرداخت کنیم. این مصوبه، یک بحث اجرایی هم دارد. این قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی [مصوب ۱۳۵۲/۸/۲۱] از سال ۱۳۵۲ تا به حال، سه بار اصلاح شده است.<sup>۱</sup> به نظرم دو بار هم

۱. قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۵۲/۸/۲۱ مجلس شورای ملی، یک بار با عنوان «قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی» مصوب ۱۳۷۹/۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی و بار دیگر با عنوان «قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی» مصوب ۱۳۸۶/۸/۹ مجلس شورای اسلامی و در نهایت با عنوان «قانون اصلاح

←

پروانه‌گیرنده، دولت باشد، چون در اینجا محلی را برای تأمین این هزینه پیش‌بینی نکرده‌اند، اشکال دارد. اما اینکه بگوییم برای تأمین بیست درصد (۲۰٪) حق بیمه‌ی کارگران ساختمانی، معادل دوازده درصد (۱۲٪) عوارض پرداخت کنند، ایرادی ندارد. خب باید بیایند پرداخت کنند. بالاخره می‌خواهیم به امور مربوط به تأمین اجتماعی کارگران یک نظمی بدهیم. این هم مثل مالیات است، فقط اسمش را «عوارض» گذاشته‌اند. در واقع این هم یک نوع مالیات است. به نظر من، این مصوبه از این جهت اشکالی ندارد. اما ذیل آن شاید اشکال داشته باشد، به این جهت که می‌گوید برای صدور پروانه، به صورت مطلق از همه، این مقدار را بگیرند که این اطلاق شامل دولت هم می‌شود.

**آقای مدرسی‌یزدی** - این نظیر این است که بعضی مصالح ساختمانی گران شود؛ خب وقتی مصالح گران شود، دولت هم باید گران بخرد دیگر.

**آقای علیزاده** - نه، آنجا دولت باید گران بخرد؛ اما اینجا فرق می‌کند.

**آقای مدرسی‌یزدی** - این هم مثل همان است.

**آقای علیزاده** - در اینجا به دولت می‌گویند که بیا این پول را پرداخت کن.

**آقای مدرسی‌یزدی** - خب، پرداخت بکند.

**آقای علیزاده** - این مثل مالیات گرفتن از دولت است. خب بله، اینجا این اشکال را دارد دیگر. به نظر من این قسمت مصوبه اشکال دارد، نه اینکه مثل گران شدن مصالح باشد.

**آقای رهپیک** - عنوانش که به عنوان بیست درصد (۲۰٪) حق کارفرما است که درست نیست؛ یعنی باید می‌گفتند که یک عوارضی پرداخت بشود و بعداً از آن عوارض سهم کارفرما داده شود.

**آقای علیزاده** - بله، یعنی در واقع این بیست درصد (۲۰٪) حق کارفرما را که باید به عنوان حق بیمه بدهد، از محل این منابع تأمین می‌کنند، نه اینکه بگویند عوض کارفرما ما می‌خواهیم بدهیم. خود کارفرما باید این کارگران ساختمانی را بیمه بکند، چه آن کارگران کار بکنند و چه کار نکنند. لذا الآن در واقع کارفرما باید معادل سهمی که بابت حق بیمه‌ی پرداختی کارفرما منظور شده است، به عنوان عوارض بدهد، نه اینکه بگوییم این حق بیمه‌ی کارفرما باشد. در مورد حق کارفرما که اصل بر این است که کسانی که کارگر می‌گیرند و کارگر دارند، بیمه دارد از

این عوارض را دریافت می‌کنید. فرض کنید شما پنج نفر کارگر دارید. هفت درصد (۷٪) از حق بیمه‌ی این کارگران را که خودشان می‌دهد. قاعداً شما به عنوان کارفرما بیست درصد (۲۰٪) از حق بیمه‌ی این کارگران را باید بدهید. اما حالا با این مصوبه، صرف نظر از اینکه کارگر دارید یا ندارید و یا چند تا دارید، باید بر اساس مترائز ساختمان و آن ضوابطی که برای اخذ پروانه گذاشته‌اند، یک پولی بدهید تا به عنوان حق بیمه‌ی کارگران محسوب شود.

**آقای مدرسی‌یزدی** - هفت درصد (۷٪) را چگونه می‌گیرند؟

**آقای رهپیک** - خود کارگر باید به بیمه مراجعه کند و سهم خودش را بپردازد. یعنی آن کارگر اگر بخواهد بیمه بشود، باید به اداره‌ی بیمه مراجعه کند و هفت درصد (۷٪) سهم خودش را بپردازد.

**آقای مدرسی‌یزدی** - مگر این بیمه، اجباری نیست؟

**آقای رهپیک** - نه، اجباری که نیست.

**آقای مدرسی‌یزدی** - چرا؛ اجباری است.

**آقای رهپیک** - نه، اگر کسی رفت به اداره‌ی بیمه مراجعه کرد، باید بیمه‌اش کنند، اما اگر کسی مراجعه نکند که بیمه ندارد.

**آقای مدرسی‌یزدی** - خب، قانون می‌گوید که باید مراجعه کند.

**آقای علیزاده** - نه، نمی‌گویند که حتماً برود خودش را بیمه کند.

**آقای رهپیک** - نه، نمی‌گویند.

**آقای علیزاده** - آنهایی که این‌طور هستند، اگر به بیمه مراجعه کنند، آنها را بیمه می‌کنند.

**آقای رهپیک** - بله، اگر کارگر ساختمانی به بیمه مراجعه کرد، باید بیمه‌اش کنند.

**آقای علیزاده** - وگرنه چه می‌دانند که این آقا، کارگر ساختمانی است. به نظرم این مصوبه از این جهت [مذکور در کلام آقای رهپیک] اشکالی ندارد؛ چه اشکالی دارد؟ خب می‌گویند که هر کس می‌خواهد پروانه بگیرد ما برای این مصرف این قدر می‌گیریم. به نظر من این ماده از این جهت، هیچ ایرادی ندارد. به نظر من ذیل این ماده [که به صورت مطلق گفته است] چنین وجهی از مالک دریافت می‌شود، این اطلاق چون شامل دولت هم می‌شود، اشکال دارد. چون تا به حال این وجه را از دولت نمی‌گرفتند. اما الآن اگر که این ذیل، شامل دستگاه‌های دولتی بشود، خب بار مالی دارد و محل آن را باید تأمین کنند. از این جهت، این قسمت ماده ممکن است خلاف اصل (۷۵) باشد. یعنی اطلاقش نسبت به مواردی که مالک ساختمان

**آقای ابراهیمیان -** در تبصره (۱) ماده (۵) گفته است که ممکن است این دوازده درصد (۱۲٪) عوارض، آن بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما را تحت پوشش قرار ندهد؛ بنابراین اصلاً به کار بردن این عنوان «معادل» در اینجا درست نیست.

**آقای ره‌پیک -** نه ببینید، اصلاً ماهیت این عوض شده است. بر اساس این مصوبه، آن بیست درصد (۲۰٪) که علی‌القاعده باید کارفرما بدهد از کجا تأمین می‌شود؟ در اینجا گفته است که معادل این بیست درصد (۲۰٪)، به نرخ دوازده درصد (۱۲٪)، از اینها برای صدور پروانه‌ی ساختمان عوارض بگیرید. یعنی این دوازده درصد (۱۲٪) به جای آن بیست درصد (۲۰٪) می‌نشیند، نه اینکه با پرداخت این پول، مستقیماً حق بیمه پرداخت شده باشد. اگر بگویند این پول مستقیماً همان حق بیمه‌ی سهم کارفرما است، اشکال دارد؛ چون ممکن است کارفرمایی اصلاً کارگر نداشته باشد. الآن مبلغ این عوارض را حساب کرده‌اند؛ می‌گویند معمولاً کارفرمایانی که در مترهای بالا انبوه‌سازی می‌کنند، این عوارضی که می‌دهند خیلی بیشتر از بیست درصد (۲۰٪) حق بیمه‌ی سهم کارفرمایی‌شان است.

**آقای ابراهیمیان -** یعنی باید این‌طور بگویند که بیست درصد (۲۰٪) حق بیمه‌ی سهم کارفرما از محل این دوازده درصد (۱۲٪) عوارض تأمین می‌شود، نه اینکه آن حق بیمه، معادل دوازده درصد (۱۲٪) عوارض باشد. این عبارت «معادل دوازده درصد (۱۲٪)» غلط است.

**آقای علیزاده -** حق بیمه، بیست و هفت درصد (۲۷٪) است. هر کس که می‌خواهد بیمه بشود باید بیست و هفت درصد (۲۷٪) حقوق و مزایایش را به بیمه بدهد. هفت درصد (۷٪) از این میزان را خود کارگر می‌دهد و بیست درصد (۲۰٪) را کارفرما می‌دهد. این ماده می‌گوید که بابت این بیست درصد (۲۰٪)، ما معادل دوازده درصد (۱۲٪) عوارض می‌گیریم تا این بیست درصد (۲۰٪) جبران بشود. خودش هم در تبصره (۱) می‌گوید که ممکن است جبران نشود. یعنی الآن به هر کس که

اینها حق کارفرما را می‌گیرد. پس من که می‌روم ساختمان بسازم از من یک پولی را می‌گیرند که در واقع به عنوان عوارض است. اما آنچه شما می‌فرمایید که ممکن است کسی اصلاً کارگر نداشته باشد یا تعداد کارگر کمتری داشته باشند یا اینکه کسی به جای کارگر، استفاده‌ی بیشتری از وسایل مکانیکی بکند، در اینجا این پرداختی، مصداق حکم مالیات و عوارض را پیدا می‌کند و مصداق حق بیمه‌ی سهم کارفرما نیست دیگر. به نظر من، این مصوبه از این جهت، اشکالی ندارد. اما اینجای مصوبه که می‌گوید این پول را باید از مالکان دریافت بکنند، اگر تا به حال دولتی‌ها نمی‌داده‌اند و حالا باید بدهند، مجلس باید منبع تأمین هزینه‌اش را تعیین کند.

**آقای ره‌پیک -** نه، اگر به این اطلاق، ایراد بگیرید، ماده (۵) سابق هم اطلاق داشته است دیگر.

**آقای علیزاده -** خوب داشته باشد. ما آن زمان ایراد نگرفته‌ایم، اما الآن می‌گوییم اطلاق دارد دیگر. آنها هم آن زمان نگفته بودند بیست درصد (۲۰٪)، اما الآن گفته‌اند.

**آقای ره‌پیک -** آن موقع هم چهار درصد (۴٪) بود دیگر؛ البته چهار درصد (۴٪) بر اساس مترهای ساختمان بود که باید پرداخت می‌شد.

**آقای علیزاده -** آن مصوبه‌ی قبلی را خود وزارت رفاه و دولت [به صورت لایحه] تصویب کرده بود، اما اینجا مجلس دارد [در قالب طرح] می‌گوید. وقتی خود دولت تصویب می‌کند اختیار آن را دارد، اما در اینجا چهار درصد (۴٪) را بیست درصد (۲۰٪) کرده‌اند. به نظر من اگر می‌خواهید ایراد بگیرید، اینجای مصوبه ممکن است بحث داشته باشد، ولی بقیه‌اش بحثی ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** بسم الله الرحمن الرحیم. این ماده (۵) یک فرمولی را گفته است؛ یعنی گفته مثلاً اگر حق بیمه (۱۰۰) تومان باشد، هفت درصد (۷٪) را کارگر ساختمانی می‌دهد و بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما می‌ماند. بیست درصد (۲۰٪) از (۱۰۰) تومان عدد مشخص و معلومی است، آن وقت این ماده چطور این بیست درصد (۲۰٪) را معادل دوازده درصد (۱۲٪) مجموع عوارض و درآمد که امری متغیر است قرار داده است؟ یعنی بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما به عنوان حق بیمه الزاماً معادل دوازده درصد (۱۲٪) مجموع عوارض و درآمد ناشی از کسب پروانه‌ی ساختمانی نیست.

**آقای ره‌پیک -** این مسئله همان چیزی است که خدمتتان عرض کردیم دیگر.

۱. تبصره (۱) ماده (۵) طرح اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۹۳/۶/۲ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- ... تبصره ۱- مابه‌التفاوت ناشی از اجرای این حکم جهت پوشش بیست درصد (۲۰٪) حق بیمه سهم کارفرما تمامی کارگران ساختمانی بعد از اعلام سازمان تأمین اجتماعی و پس از تأیید وزارت کشور از محل عوارض موضوع بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ از طریق سازمان امور مالیاتی کشور تأمین و به حساب سازمان تأمین اجتماعی واریز می‌شود.»



**آقای علیزاده -** غیر از این که چیز دیگری نمی‌گوید. حرفش همین است.

**آقای ابراهیمیان -** اما چیز دیگری نوشته است.

**آقای مدرسی یزدی -** مقصودش را بد بیان کرده است.

**آقای ره‌پیک -** مفهوم عبارت همین است دیگر.

**آقای علیزاده -** می‌توانیم به مجلس بگوییم نیاز به اصلاح عبارتی دارد.

**آقای اسماعیلی -** نه، روشن است دیگر.

**آقای علیزاده -** به نظر ما که همین را می‌خواهد بگوید.

**آقای ره‌پیک -** این بر اساس مدل بیمه نوشته شده است دیگر؛ می‌گوید هفت درصد (۷٪) را کارگر بدهد، بیست درصد (۲۰٪) هم از مالک دریافت می‌شود، اما این بیست درصد (۲۰٪) چگونه دریافت می‌شود؟ گفته است که معادل دوازده درصد (۱۲٪) از عوارض صدور پروانه‌ی ساختمان دریافت می‌شود.

**آقای علیزاده -** بله، نمی‌خواهد بگوید این دوازده درصد (۱۲٪) معادل بیست درصد (۲۰٪) است.

**آقای مدرسی یزدی -** می‌گوید حتی شامل معالجه و حادثه و اینها هم می‌شود.

**آقای ابراهیمیان -** معالجه و حوادث و ...

**آقای ره‌پیک -** بیمه است دیگر؛ بیمه هم شامل بازنشستگی می‌شود و هم شامل معالجه و امثال اینها می‌شود. کارگران یک بیمه‌ی حوادث کارگران دارند که قبلاً فقط برای حوادث بود، اما این بیمه‌ای که الان چند سال است قانونش را گذاشته‌اند و این مصوبه هم ادامه‌ی آن است، همین بیمه‌ی کاری معمولی است که هم برای درمان و هم برای بازنشستگی است.

**آقای اسماعیلی -** از همه هم می‌گیرند.

**آقای علیزاده -** بله.

**آقای مدرسی یزدی** این بیمه شامل حوادث هم می‌شود؟

**آقای ره‌پیک -** بله، همه‌اش داخل همین بیمه است.

**آقای مدرسی یزدی -** پس بیمه‌ی حوادث، مثل اینکه اجباری است؟

**آقای علیزاده -** بله.

**آقای ره‌پیک -** بیمه‌ی حوادث را باید به طور مستقیم بیمه بکنند.

**آقای علیزاده -** آقایان، این ماده نمی‌گوید این دوازده درصد (۱۲٪) معادل آن بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما است، بلکه

بیمه‌ی تأمین اجتماعی است می‌گویند که باید بیست و هفت درصد (۲۷٪) حقوق و دریافتی و مزایای را بابت بیمه بدهی. هفت درصد (۷٪) را خود کارگر می‌دهد، یک مبلغی را هم دولت می‌دهد و چند درصدش را هم کارفرما می‌دهد.

**آقای ره‌پیک -** دولت سه درصد (۳٪) را می‌دهد.

**آقای علیزاده -** این دوازده درصد (۱۲٪) عوارض را بابت آن بیست درصد (۲۰٪) دارند حساب می‌کنند، نه اینکه بگوید این دوازده درصد (۱۲٪) معادل آن بیست درصد (۲۰٪) است.

**آقای ابراهیمیان -** این یک معادله است.

**آقای علیزاده -** نه، معادله نیست. در تبصره هم دارد می‌گوید که معادله نیست و کم می‌آید. اینها برای تأمین آن بیست درصد (۲۰٪) چند راه پیش‌بینی کرده‌اند؛ یکی این دوازده درصد (۱۲٪) مجموع عوارض ساختمان است که می‌گیرند، بعد اگر کم بود، برای کسری آن تا رسیدن به مبلغ بیست درصد (۲۰٪) حق بیمه‌ی سهم کارفرما، از محل بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده<sup>۱</sup> که الآن برای آن، محل مصرف تعیین شده و باید به شهرداری‌های کوچک بدهند، برمی‌دارند.

**آقای ابراهیمیان -** عرضم این است که ما از بیرون می‌دانیم که این حکم چیست، اما این جمله این مفهوم را نمی‌رساند. این عبارت می‌گوید که «بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما معادل دوازده (۱۲٪) مجموع عوارض و درآمد ناشی از صدور پروانه ساختمان» است. این عبارت درست نیست، یعنی ما نمی‌توانیم این را تصدیق بکنیم. اگر بگوید که بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما از محل دوازده درصد (۱۲٪) مجموع عوارض تأمین می‌شود، درست می‌شود.

**آقای ره‌پیک -** همان است دیگر.

**آقای علیزاده -** بله، همین را می‌خواهد بگوید.

**آقای ره‌پیک -** مقصودش همین است دیگر؛ می‌گوید بیست درصد (۲۰٪) را از آن محل می‌گیریم.

۱. ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۸- نرخ عوارض شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در رابطه با کالا و خدمات مشمول این قانون، علاوه بر نرخ مالیات موضوع ماده (۱۶) این قانون، به شرح زیر تعیین می‌گردد:

الف- کلیه کالاها و خدمات مشمول نرخ ماده (۱۶) این قانون، یک و نیم درصد (۱/۵٪)

ب- انواع سیگار و محصولات دخانی، سه درصد (۳٪)

ج- انواع بنزین و سوخت هواپیما، ده درصد (۱۰٪)

د- نفت سفید و نفت گاز، ده درصد (۱۰٪) و نفت کوره پنج درصد (۵٪)»

اگر دولت پولی برای پرداخت این عوارض دارد، بسازد و اگر ندارد نسازد.

**آقای علیزاده** - اینکه خیلی خوب است، اما اصل (۷۵) هم همین است.

**آقای مدرسی یزدی** - این مصوبه که دولت را اجبار نکرده است. یک کاری هم نیست که دولت حتماً باید آن را انجام دهد. اگر در اینجا گفته بودند که دولت باید فلان ساختمان را بسازد و این مقدار عوارض بدهد، بله [حرف شما درست بود و مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی بود]، ولی در اینجا می‌گوید که هر کسی می‌خواهد ساختمانی بسازد، این قدر عوارض بدهد. خب دولت اگر پول ندارد که عوارض بدهد، ساختمان نسازد.

**آقای علیزاده** - این خیلی چیز خوبی است که می‌گویید هر کسی پول ندارد، ساختمان نسازد؛ اما دولت الآن در قانون بودجه‌ی همین امسال یا سال بعد، مطابق با برنامه‌ی پیش‌بینی شده‌اش باید ساختمان بسازد، راه بسازد و... آن وقت شما می‌گویید که کارگر ساختمانی که باید برای دولت ساختمان و سقف و راه بسازد، نسازد! خب کارگران ساختمانی باید بروند این کارها را بکنند دیگر.

**آقای مدرسی یزدی** - هزینه‌ی آن را که تعیین نکرده‌اند چقدر است. هزینه‌ی آن بالا است.

**آقای ره‌پیک** - الآن دو سال است که بودجه‌ی تملک دارایی نداریم و چیزی به عنوان تملک دارایی اختصاص نمی‌دهند.

**آقای علیزاده** - البته من اطلاق این عبارت نسبت به دولت را اشکال می‌گیرم.

**منشی جلسه** - «تبصره ۱- مابه‌التفاوت ناشی از اجرای این حکم جهت پوشش بیست درصد (۲۰٪) حق بیمه سهم کارفرما تمامی کارگران ساختمانی بعد از اعلام سازمان تأمین اجتماعی و پس از تأیید وزارت کشور از محل عوارض موضوع بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ از طریق سازمان امور مالیاتی کشور تأمین و به حساب سازمان تأمین اجتماعی واریز می‌شود.»

**آقای علیزاده** - این تبصره می‌رساند که منظور از عبارت «معادل» در صدر ماده، این نیست [که این دوازده درصد (۱۲٪)

برابر آن بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما است]. این دو بندی که از ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده گفته‌اند، عوارضی است که از نفت و بنزین و مواد نفتی می‌گیرند. الآن این بندها را می‌خوانیم. «ماده ۳۸- نرخ عوارض شهرداری‌ها و

می‌گوید بابت بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما که باید داده شود، معادل دوازده درصد (۱۲٪) را از آن شخص پروانه‌گیرنده عوارض می‌گیریم.

**آقای یزدی** - می‌گوید «بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما را که معادل دوازده درصد (۱۲٪) مجموع عوارض و درآمد ناشی از صدور پروانه ساختمان به شهرداری می‌باشد از مالک دریافت» می‌کنند.

**آقای علیزاده** - منظورشان این است؛ می‌خواهند بگویند معادل دوازده درصد (۱۲٪) آن را می‌گیریم تا این بیست درصد (۲۰٪) تأمین بشود.

**آقای مدرسی یزدی** - خب، معلوم نیست همیشه این‌طوری باشد.

**آقای علیزاده** - خب بله، همیشه بین این دو مبلغ تعادل برقرار نمی‌شود. خودش هم در تبصره (۱) می‌گوید که نمی‌شود. اگر می‌خواهید بگوییم که این عبارت، نیاز به اصلاح عبارتی دارد.

**آقای مدرسی یزدی** - بله، بگوییم مراد شما از این کلمه‌ی «معادل» معلوم نیست که چیست.

**آقای علیزاده** - خب، اشکال قانون اساسی یا شرعی که ندارد.

**آقای مدرسی یزدی** - مبهم است دیگر.

**آقای ره‌پیک** - می‌خواهد بگوید این عوارض در حکم آن بیست درصد (۲۰٪) است.

**آقای اسماعیلی** - بگویید اصلاح عبارتی نیاز دارد؛ اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده** - بله، می‌گوییم اصلاح عبارتی نیاز دارد.<sup>۱</sup>

**آقای ره‌پیک** - حالا ظاهراً بحث ماهوی‌اش همین است که آیا این حکم، ماهیتش اشکال دارد یا ندارد؟

**آقای علیزاده** - ما می‌گوییم که این عبارت، نیازمند اصلاح است. اما این قسمت که می‌گوید این عوارض را از مالک دریافت بکنند، آیا اگر چنانچه مالک، خود دولت باشد، نباید محل تأمین این هزینه را در این مصوبه تعیین بکنند؟

**آقای مدرسی یزدی** - ببینید آقای علیزاده، این در حقیقت تحمیل هزینه به دولت نیست، بلکه منظور این است که هر کس می‌خواهد ساختمان بسازد باید این مقدار عوارض بدهد.

۱. قسمت اول تذکر مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۲ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان: «تذکر: ماده (۵) اصلاحی در خصوص عبارت «بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما که معادل دوازده درصد (۱۲٪) مجموع عوارض و درآمد ناشی از صدور پروانه ساختمان به شهرداری می‌باشد»، به اصلاح عبارتی نیاز دارد. ...»

**آقای ره‌پیک -** بله، به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها باید بدهند و یک قسمتش را هم برای بعضی از مصارف خاص باید بدهند که در همان‌جا مواردش را تعیین کرده است.

**آقای علیزاده -** تبصره (۱) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده هم می‌گوید: «... عوارض موضوع این تبصره در داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل استقرار واحد تولیدی و در خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه موضوع تبصره (۲) ماده (۳۹) واریز می‌شود، تا بین دهیاری‌های همان شهرستان توزیع گردد.» اصلاً این تبصره، از قبل موارد مصرف عوارض دریافتی ماده (۳۸) را تعیین کرده است. با این حال، الآن در این مصوبه‌ی فعلی، مجلس می‌گوید از محل درآمدهای ماده (۳۸) بگیرید و به حق بیمه کارفرمایان اختصاص بدهید!

**آقای مدرسی‌یزدی -** این چه عیبی دارد؟ در این قانون می‌گوید که در اینجا هم مصرف کنید.

**آقای علیزاده -** نمی‌تواند بگوید؛ چون خلاف اصل (۷۵) است.

**آقای ابراهیمیان -** آن مصوبه که بودجه‌ای نبوده است.

**آقای اسماعیلی -** بله.

**آقای ابراهیمیان -** بودجه‌ای بوده یا عوارض است یا یک قانون مستقل است؟

**آقای علیزاده -** نه، قانون مستقل است.

**منشی جلسه -** قانون مالیات بر ارزش افزوده است.

**آقای علیزاده -** قانون دائمی است.

**آقای ره‌پیک -** قانون دائمی است.

**آقای ابراهیمیان -** خب پس قانون مصوب است. این مثل این است که ما امروز بگوییم صد تومان به شهرداری می‌دهیم ولی فردا می‌گوییم نه، پنجاه تومان می‌دهیم و پنجاه تومان دیگر را

→

برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور و وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت کشور و یک نفر ناظر به انتخاب کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی مطابق آیین‌نامه اجرایی که به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت کشور و شورای عالی استان‌ها به تصویب هیئت وزیران می‌رسد توزیع و توسط شهرداری‌ها و دهیاری‌ها هزینه می‌شود. هرگونه برداشت از حساب تمرکز وجوه به جز پرداخت به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و وجوه موضوع ماده (۳۷)، تبصره‌های (۲) و (۳) ماده (۳۸) این قانون و تبصره (۱) این ماده ممنوع می‌باشد. وزارت کشور موظف است گزارش عملکرد وجوه دریافتی را هر سه ماه یک بار به شورای عالی استان‌ها و کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.»

دهیاری‌ها در رابطه با کالا و خدمات مشمول این قانون، علاوه بر نرخ مالیات موضوع ماده (۱۶) این قانون، به شرح زیر تعیین می‌گردد:

الف- ...

ج- انواع بنزین و سوخت هواپیما، ده درصد (۱۰٪)

د- نفت سفید و نفت گاز، ده درصد (۱۰٪) و نفت کوره پنج درصد (۵٪). بعد در ادامه‌ی همین قانون ارزش افزوده، آمده است و موارد مصرف این عوارض را هم تعیین کرده است.

**آقای ره‌پیک -** در ماده‌ی بعدی است.

**آقای علیزاده -** بله، در ماده‌ی بعد گفته است که این را باید به شهرداری‌ها بدهند.<sup>۱</sup>

۱. ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۹- مؤدیان مکلفند عوارض و جرائم متعلق موضوع ماده (۳۸) این قانون را به حساب‌های رابطی که بنا به درخواست سازمان امور مالیاتی کشور و توسط خزانه‌داری کل کشور افتتاح می‌گردد و از طریق سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌گردد، واریز نمایند. سازمان امور مالیاتی کشور موظف است عوارض وصولی هر ماه را تا پانزدهم ماه بعد به ترتیب زیر به حساب شهرداری محل و یا تمرکز وجوه حسب مورد واریز نماید:

الف) عوارض وصولی بند (الف) ماده (۳۸) در مورد مؤدیان داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل و در مورد مؤدیان خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه وزارت کشور به منظور توزیع بین دهیاری‌های همان شهرستان بر اساس شاخص جمعیت و میزان کمتر توسعه‌یافتگی؛

ب) عوارض وصولی بندهای (ب)، (ج) و (د) ماده (۳۸) به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور.

تبصره ۱- سه درصد (۳٪) از وجوه واریزی که به حساب‌های موضوع این ماده واریز می‌گردد، در حساب مخصوص نزد خزانه به نام سازمان امور مالیاتی کشور واریز می‌شود و معادل آن از محل اعتبار اختصاصی که در قوانین بودجه سنواتی منظور می‌گردد در اختیار سازمان مزبور که وظیفه شناسایی، رسیدگی، مطالبه و وصول این عوارض را عهده‌دار می‌باشد، قرار خواهد گرفت تا برای خرید تجهیزات، آموزش و تشویق کارکنان و حساسی هزینه نماید. وجوه پرداختی به استناد این بند به عنوان پاداش وصولی از شمول مالیات و کلیه مقررات مغایر مستثنی است.

تبصره ۲- حساب تمرکز وجوه قیدشده در این ماده توسط خزانه‌داری کل کشور به نام وزارت کشور افتتاح می‌شود. وجوه واریزی به حساب مزبور (به استثناء نحوه توزیع مذکور در قسمت‌های اخیر بند (الف) این ماده و تبصره (۱) ماده (۳۸) این قانون) به نسبت بیست درصد (۲۰٪) کلان شهرها (شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت) بر اساس شاخص جمعیت، شصت درصد (۶۰٪) سایر شهرها بر اساس شاخص کمتر توسعه‌یافتگی و جمعیت، و بیست درصد (۲۰٪) دهیاری‌ها بر اساس شاخص جمعیت، تحت نظر کارگروهی متشکل از نمایندگان معاونت

←

به جای دیگری می‌دهیم.

**آقای مدرس‌یزدی -** یعنی می‌خواهد بگوید اضافه کنید؟

**آقای ابراهیمیان -** نه، اضافه نکرده‌ایم.

**آقای علیزاده -** اضافه نکرده است، می‌گوید همان میزان عوارض را بگیرد. به علاوه، اگر محل مصرف هم تعیین نمی‌کرد چون این درآمد مربوط به سابق است، اگر الان با این مصوبه بگوید مقداری از آن را به این محل اختصاص بدهد، اشکال دارد. حتی اگر در قانون برای این درآمد ناشی از عوارض، محل مصرف هم تعیین نشده بود، ولی الان برایش محل مصرف تعیین می‌کردند، به خصوص اگر یک محل خرج جدید ایجاد کنند، اشکال دارد. ما قبلاً هم این اشکال را می‌گرفتیم. چرا؟ برای اینکه آن زمان [= تا قبل از تصویب این مصوبه‌ی جدید] این درآمدها به خزانه می‌رفت و برای مخارجی که دولت دارد اختصاص پیدا می‌کرد. حالا اشکال این مصوبه که بیشتر است؛ چون در قانون مالیات بر ارزش افزوده برای عوارض ماده (۳۸)، محل مصرف تعیین شده است؛ بنابراین اشکال دارد.

**آقای ابراهیمیان -** اگر ما بگوییم عوارض بگیرد و بخشی از آن را در این محل خرج کنید، اشکالی ندارد.

**آقای یزدی -** در آنجا [= قانون مالیات بر ارزش افزوده] برای این عوارض محل مصرف تعیین نکرده است، فقط می‌گوید که آن عوارض به کجا و در چه حسابی ریخته شود. اینکه در آنجا گفته است که بخشی از آن را به شهرداری‌ها بدهند، این که تعیین محل مصرف نیست.

**آقای رهپیک -** نه دیگر، ببینید الان در این مصوبه می‌گوید که شما این بیست درصد (۲۰٪) حق کارفرما از کجا بدهید؟ در قسمت اول گفت که از مالک معادل دوازده درصد (۱۲٪) عوارض بگیرید. بعد خودش می‌گوید که این کافی نیست، چون فرض کردیم نمی‌رسد و چون محاسبه‌ی واقعی هم کرده‌اند و دیده‌اند که کافی نیست. لذا آمده‌اند یک منبع تکمیلی هم برای این کار گذاشته‌اند. این منبع تکمیلی کجاست؟ گفته‌اند که این کمبود سهم بیمه‌ی کارفرما در بیمه‌ی کارگران ساختمانی را از محل مالیات موضوع بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده که قبلاً برایش محل مصرف تعیین شده است، بردارید. خب، این اشکال دارد دیگر.

**آقای ابراهیمیان -** اشکالی ندارد آقای دکتر.

**آقای رهپیک -** این اشکال دارد به دلیل اینکه الان این پول باید

به حساب شهرداری و دهیاری که وابسته به وزارت کشور است برود؛ یعنی باید این پول را به حساب وزارت کشور بریزند.

**آقای علیزاده -** به حساب وزارت کشور می‌ریزند تا بین دهیاری‌ها تقسیم کنند.

**آقای رهپیک -** بله، الان شما می‌گویید آن پولی را که باید به دهیاری و شهرداری‌ها بدهند و قبلاً در قانون، محل مصرف برایش تعیین شده بوده است را به اینها ندهید. این مصوبه هم به صورت «طرح» ارائه شده است. اگر لایحه بود حرفی نبود، اما طرح است. پس اشکال اصل (۷۵) دارد دیگر.

**آقای ابراهیمیان -** نه.

**آقای مدرس‌یزدی -** اگر مقصودش این باشد که عوارض را بالا ببرند؛ یعنی مبلغ آن را افزایش دهند، اشکال رفع نمی‌شود؟ **آقای علیزاده -** نه.

**آقای رهپیک -** نه، در ماده (۳۸) و در میزان عوارض که تغییری نداده‌اند.

**آقای علیزاده -** در قانون مالیات بر ارزش افزوده می‌گوید که این درآمد باید بین دهیاری‌های همان شهرستان توزیع شود؛ نمی‌گوید که این پول را به آنها بدهند تا نگه دارند.

**آقای مدرس‌یزدی -** آن مصوبه، به اندازه‌ی سهم خودش را گفته است، ولی اگر آن عوارضی که می‌گیرند را یک مقدار بالاتر اخذ کنند [آن میزان اضافی را برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی اختصاص می‌دهند].

**آقای علیزاده -** نه، نگفته‌اند که عوارض را بیشتر بگیرند.

**آقای رهپیک -** عوارض به همان میزان ده درصد (۱۰٪) است [که در ماده (۳۸) آمده است].

**آقای علیزاده -** اگر در این مصوبه، مجلس می‌گفت که عوارض اضافه‌تری بگیرید، بله ما حرفی نداشتیم.

**آقای شب‌زنده‌دار -** اختیار اضافه‌کردن عوارض را هم نداده است.

**آقای علیزاده -** نه، نداده است.

**آقای علیزاده -** اصلاً تعیین کرده است که ده درصد (۱۰٪) بگیرند، بنابراین بیشتر نمی‌توانند بگیرند.

**آقای رهپیک -** آن دو بند [بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸)، میزان اخذ عوارض را] مشخص کرده است.

**آقای ابراهیمیان -** اگر خارج از لایحه‌ی بودجه یک قانونی تصویب بشود و بگوید که مثلاً (۱۰۰) تومان به شهرداری

بدهید، چه عیبی دارد که یک قانون دیگر بگوید دیگر به شهرداری پول ندهید؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - آخر این «طرح» است، «لایحه» که نیست. **آقای علیزاده** - این مصوبه، «طرح» است؛ نمی‌تواند بگوید دیگر به شهرداری ندهید و نمی‌تواند برای آن درآمد، محل مصرف جدید تعیین کند.

**آقای ابراهیمیان** - تأمین هزینه که نیست. نه تأمین هزینه است و نه از بین بردن درآمد است. شما بفرمایید چه اشکالی دارد؟ **آقای علیزاده** - نمی‌تواند بگوید که دیگر آن درآمد را به شهرداری ندهید.

**آقای ابراهیمیان** - چرا نمی‌تواند؟

**آقای علیزاده** - نمی‌تواند بگوید؛ چون همان‌طور که قبلاً هم گفتم قانون‌گذار نمی‌تواند برای درآمدی که محل مصرفش تعیین شده، خرج جدید درست کند. این کار اشکال دارد.

**آقای ابراهیمیان** - نه.

**آقای علیزاده** - همین است.

**آقای ابراهیمیان** - نه، اگر در لایحه بودجه ما به چند عنوان، درآمدی اختصاص بدهیم و بگوییم این درآمد بین این چند عنوان تقسیم شود، اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده** - با لایحه بودجه که اشکال ندارد. بله در لایحه بودجه می‌تواند مصارف را جابه‌جا کنند.

**آقای ابراهیمیان** - نه، عرض من این است.

**آقای علیزاده** - اصلاً با لایحه بودجه جابه‌جایی مصارف هیچ اشکالی ندارد و می‌تواند مصارف را جابه‌جا کنند.

**آقای ابراهیمیان** - نه، فرض کنید الآن ما یک قانونی تصویب کردیم، چه «طرح» و چه «لایحه»، و در این قانون گفتیم که به شهرداری‌ها این قدر پول بدهید.

**آقای رهپیک** - خب، این که هنوز قانون نشده است. این مصوبه هنوز قانون نشده است؛ «طرح» است.

**آقای ابراهیمیان** - نه، این را عرض می‌کنم که در قانون قبلی مورد مصرف هم داشته است.

**آقای رهپیک** - الآن این مصوبه، قطعاً موجب افزایش هزینه‌ی عمومی است.

**آقای ابراهیمیان** - وقتی می‌گوید دیگر به آنجا [= شهرداری‌ها و دهیاری‌ها] پول ندهید، چه افزایش هزینه‌ای دارد؟ الآن دارند می‌گویند به آنجاها کمتر پول اختصاص بدهید.

**آقای مدرس‌یزدی** - نه، خب این تأمین درآمد است.

**آقای ابراهیمیان** - تأمین درآمد کجا است؟

**آقای مدرس‌یزدی** - تأمین درآمد شهرداری‌ها است.

**آقای ابراهیمیان** - چنین چیزی را نداریم؟

**آقای علیزاده** - بله دیگر.

**آقای ابراهیمیان** - نه، چرا؟

**آقای رهپیک** - این مصوبه، موجب افزایش هزینه‌ی عمومی است.

**آقای ابراهیمیان** - این مصوبه، موجب تقلیل درآمد عمومی نیست، بلکه موجب تقلیل کمک‌های دولت به شهرداری‌ها است.

**آقای علیزاده** - شهرداری‌ها هم جزء نهادهای عمومی هستند. ما کاهش درآمد شهرداری را هم کاهش درآمد عمومی [مصرح در اصل (۷۵) قانون اساسی] می‌دانیم. تأمین اجتماعی هم همین‌طور است. آیا ما می‌توانیم با طرح نمایندگان، درآمد تأمین اجتماعی را هم کسر کنیم؟!

**آقای ابراهیمیان** - ببینید، کاهش مبلغی که دولت به عنوان کمک به شهرداری می‌دهد، اشمش تقلیل درآمد عمومی نیست.

**آقای علیزاده** - چرا.

**آقای ابراهیمیان** - این موضوع که روشن است. در اینجا دارند یک عوارضی می‌گیرند [که آن را به عنوان کمک، به شهرداری‌ها اختصاص داده‌اند].

**آقای مدرس‌یزدی** - اگر وظایفی که برای شهرداری‌ها ذکر شده است را کم کنند، اشکالی ندارد، اما وقتی وظایفشان سر جایش باشد و بدون اینکه به شرح وظایف آنها دست بزنند، بگویند درآمدهای آنها را ندهید و به جایش آن درآمد را به حق بیمه‌ی کارگران اختصاص بدهید، اشکال پیش می‌آید.

**آقای رهپیک** - نه، به وظایف شهرداری‌ها که دست نزده‌اند.

**آقای ابراهیمیان** - طبق قاعده‌ی کلی، دولت اصلاً موظف نیست که به نهادها و از جمله شهرداری‌ها کمک کند، بلکه «می‌تواند» به شهرداری‌ها کمک کند، ولی تکلیفی در این خصوص ندارد. حالا همان قانون اعطای کمک را اصلاح کرده‌ایم و می‌گوییم به جای اینکه مثلاً (۵۰) تومان به شهرداری بدهید، (۲۵) تومان بدهید.

**آقای علیزاده** - الآن این موضوع روشن است. اجازه بدهید که رأی بگیریم.

**آقای یزدی** - بالاخره موضوع را این‌طور بیان کنید که وقتی محل مصرف پولی معین شده است، نمی‌توانیم یک مصرف دیگری برایش معین بکنیم.

**آقای یزدی** - در حقیقت مناطق آزاد تقریباً مثل خارج از کشور می‌ماند. درون مناطق آزاد انبار جدید می‌سازند، دفتر جدید می‌سازند، مثل خارج از کشور می‌ماند.<sup>۲</sup>

**منشی جلسه** - «تبصره ۲- در صورت درخواست متقاضی دریافت پروانه، سازمان تأمین اجتماعی مکلف است حق بیمه کارگران ساختمانی را بر مبنای حق بیمه سهم کارفرما در زمان صدور پروانه ساختمانی تا مدت سه سال و بدون دریافت سود، تقسیط کند. ترتیب پرداخت حق بیمه از طرف دارنده پروانه به منزله رسید پرداخت حق بیمه و اخذ پروانه است. در هر حال صدور پایان کار منوط به ارائه مفصاحساب می‌باشد. تأخیر در پرداخت اقساط حق بیمه مشمول جریمه مانند تأخیر پرداخت سایر حق بیمه‌ها می‌شود.»

**آقای رهپیک** - در اینجا یک اشکالی که سازمان بیمه وارد کرده، این است که در این تبصره اجازه‌ی تقسیط بر اساس معیار سال اول داده شده است؛ در حالی که هر سال، هم دستمزد و هم حق بیمه افزایش پیدا می‌کند و این تقسیط سه‌ساله آنها را دچار مشکل مالی می‌کند. یعنی سال اول تقسیط، منطبق با این شرایط است، ولی دو سال بعد را هم بر اساس همین معیار سال اول تقسیط کرده‌اند. بنابراین، آن افزایش بیست (۲۰٪) یا بیست و پنج درصد (۲۵٪) به حساب نمی‌آید. اما سازمان تأمین اجتماعی باید بر اساس دستمزد افزایش‌یافته، کارگران را بیمه کند و تعهدات آنها هم بر همین اساس است. بنابراین، اینها می‌گویند که ما با این مصوبه، در واقع مشکل تأمین مالی پیدا می‌کنیم.

**آقای یزدی** - اگر سه سال تقسیط شود، آن قدر که تغییر پیدا نمی‌کند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - سودشان کم می‌شود. اصلاً معلوم نیست که حادثه‌ای رخ بدهد؛ شاید اصلاً حادثه‌ای اتفاق نیفتد.

**آقای رهپیک** - نه، این بیمه که فقط برای حوادث نیست. این بیمه، عام است؛ هم برای معالجه است و هم برای بازنشستگی است و شامل همه چیز است. منطق این اشکال درست است؛ می‌گویند این بیست و هفت درصد (۲۷٪) طبق قانون بر اساس حداقل دستمزد هر سال است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بالاخره این بیمه‌ی اجباری است و دولت هم می‌تواند در خصوص آن، قانون بگذارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - با «طرح» نمی‌شود چنین کاری کرد.

**آقای علیزاده** - حضرات آقایانی که می‌فرمایند تبصره (۱) این مصوبه، از این جهت که گفته است از درآمدهای بند (ج) و (د) برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی بردارند، مغایر اصل (۷۵) است، اعلام رأی بفرمایند.

**آقای رهپیک** - و موجب ایجاد هزینه‌ی جدید برای دولت می‌شود.

**آقای علیزاده** - بله، آقایان به اشکال اصل (۷۵) رأی بدهند.

**آقای جتی** - خیلی خوب، رأی آورد.

**منشی جلسه** - هفت رأی داشت.<sup>۱</sup>

**آقای رهپیک** - یک اشکال دیگر هم می‌شود به آن ماده (۵) اصلی گرفت و آن این است که الان در بعضی از مناطق مثل مناطق آزاد، پروانه‌ی ساخت را شهرداری نمی‌دهد. حالا آنجا باید ببینیم مرجع مربوطه چه نهادی است. چون به هر حال، قرار است کارگران ساختمانی در آنجا هم بیمه بشوند. این موضوع را باید در ضمن یک تذکری به مجلس بگوییم یا اینکه اشکال بگیریم.

**آقای مدرس‌یزدی** - خلاف قانون اساسی نیست، ولی اگر تذکر بدهیم خوب است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این بحث قانون است.

**آقای رهپیک** - بله، عرض می‌کنم که تذکر بدهیم. یک تذکری بدهیم مبنی بر اینکه در همه جا شهرداری مجوز ساخت و پروانه و امثال اینها را نمی‌دهد و در بعضی جاها مثل مناطق آزاد، مراجع دیگری مجوز می‌دهند. در این موارد، تکلیف کارگران ساختمانی را معلوم کنند.

**آقای مدرس‌یزدی** - اصلاً یک جاهایی است که ساخت و ساز نیاز به پروانه ندارد.

**آقای علیزاده** - در بعضی جاها بخشرداری پروانه می‌دهد.

**آقای رهپیک** - بله، در بعضی جاها مرجع صدور پروانه‌ی ساختمانی، شهرداری نیست. برای این موضوع، دادن یک تذکر بد نیست.

**آقای علیزاده** - بله، در همه‌ی موارد که پروانه‌ی ساختمان توسط شهرداری صادر نمی‌شود. در روستاها هم بخشرداری جواز می‌دهد.

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۲ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان:

«۱- نظر به اینکه در تبصره (۱) ماده (۵) اصلاحی، درآمدهایی که از قبل پیش‌بینی و محل مصرف آن نیز تعیین شده را برای جبران مابه‌التفاوت ناشی از اجرای این ماده منظور نموده، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.»

۲. قسمت دوم تذکر مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۲ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان: «تذکر: ماده (۵) اصلاحی ... همچنین در این ماده، در همه موارد پروانه توسط شهرداری تعیین نمی‌گردد که باید تعیین تکلیف گردد.»

مثل این است که قانون‌گذار از اول گفته است که این حق بیمه را از کارفرما سه‌ساله بگیرید. خب اگر این‌طور می‌گفت، چه اشکالی داشت؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** آن هم اشکال تقلیل هزینه داشت.

**آقای ره‌پیک -** موجب تقلیل هزینه می‌شود دیگر.

**آقای اسماعیلی -** چرا؟

**آقای ره‌پیک -** برای اینکه شما بر اساس شرایط سالیانه، افراد را بیمه می‌کنید.

**آقای اسماعیلی -** نه، اصلاً قانون می‌گوید که در طول سه سال می‌توانید این قدر بگیرید. اصلاً این درآمد را چه کسی تعیین کرده است؟ این قانون تعیین کرده است دیگر؛ این قانون می‌گوید من درآمدی را که برای سازمان تأمین اجتماعی تأمین می‌کنم، سه‌ساله تأمین می‌کنم.

**آقای علیزاده -** فرمایش آقای دکتر [اسماعیلی] درست است؛ چون قبل از تصویب این قانون که چنین چیزی را دریافت نمی‌کردند. در این مصوبه گفته‌اند که این بیست درصد (۲۰٪) را به عنوان عوارض دریافت کنند. خب اگر الان بگویند که این عوارض را تقسیط بکنید و بگیرید، چه اشکالی دارد؟ ما که اول قبول کردیم که در واقع، پرداخت این وجه، مثل پرداخت حق بیمه از طرف مالک نیست. چون از بعضی‌ها زیاده‌تر می‌گیریم، از بعضی‌ها کمتر می‌گیریم. بنابراین، از اول که داریم این عوارض را وضع می‌کنیم، مبنای وصولش را تقسیطی می‌گذاریم. پس اولاً این صنف و نوعش با نوع حق بیمه‌ای که خود کارفرما می‌دهد فرق دارد؛ چون از اول گفتیم که ما این پول را از همه‌ی آنهایی که متقاضی دریافت پروانه هستند با هر تعداد کارگر که داشته باشند، به میزان دوازده درصد (۱۲٪) به عنوان عوارض می‌گیریم تا این مبلغ را بابت حق بیمه‌ی سهم کارفرما به دولت بدهیم. در واقع این یک بدهی برای کارفرما است. ما داریم از کارفرما یک چیزی می‌گیریم که این محل را تأمین کنیم و قبلاً هم چنین چیزی را نمی‌گرفته‌ایم تا بگوییم این مبلغ، زیاد شده یا کم شده و یا دیر شده یا زود شده است. این کار را از امروز داریم شروع می‌کنیم و مبلغی که می‌گیریم به عنوان عوارض داریم می‌گیریم. خب با این وصف، این تبصره (۲)، چه بار مالی‌ای دارد؟

**آقای مدرس‌ی‌یزدی -** این طرح، قطعاً هزینه داشته است که با این مصوبه، می‌خواسته‌اند این هزینه را تأمین بکنند. یک مقداری از این هزینه را از طریق عوارض موضوع بندهای (ج)

**آقای ره‌پیک -** خب، منبعش از کجا است؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** کمی سودشان کم می‌شود.

**آقای مدرس‌ی‌یزدی -** این اشکال هم داخل در همان تقلیل درآمد است؛ اشکال دیگری ندارد.

**آقای یزدی -** در این تبصره گفته‌اند: «در زمان صدور پروانه ساختمانی تا مدت سه سال و بدون دریافت سود، تقسیط کند.» یعنی سه سال یک بار تغییر می‌دهند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** الان می‌خواهید به این تبصره، اشکال اصل (۷۵) بگیرید؟ بیمه که خصوصی است.

**آقای ره‌پیک -** نه، بیمه‌ی خصوصی نیست؛ بیمه‌ی تأمین اجتماعی است و کارگرها بیمه‌ی تأمین اجتماعی‌اند. [هزینه‌های وارد بر سازمان تأمین اجتماعی، داخل در عنوان] هزینه‌ی عمومی است.

**آقای ابراهیمیان -** مثلاً باید مابه‌التفاوت را به تأمین اجتماعی بدهند.

**آقای علیزاده -** اگر این تبصره هم چنین چیزی را نمی‌گفت، تأخیر پرداخت حق بیمه را شامل می‌شد.

**آقای ره‌پیک -** نه، ما بحث تأخیر را نمی‌گوییم. در تبصره (۲) می‌گویند اگر متقاضی صدور پروانه درخواست کرد، سازمان تأمین اجتماعی باید حق بیمه‌ی سهم کارفرما را سه‌ساله تقسیط کند. خب، سازمان می‌گوید در این مدت سه سال، تورم و [افزایش دستمزد و به تبع آن، افزایش حق بیمه] حساب نشده است، حال آنکه در سال آینده، من باید بر اساس افزایش دستمزد تعهداتم را نسبت به بیمه‌شده‌ها انجام بدهم. وقتی در این مصوبه بر اساس تعهدات سال اول، پرداخت حق بیمه‌ی سهم کارفرما را سه‌ساله تقسیط کرده‌اند، خب سازمان این اضافه را از کجا باید بیاورد و بدهد؟ بالاخره اگر هزینه‌های این سازمان، جزء هزینه‌های عمومی باشد، این مصوبه، شبهه‌ی اصل (۷۵) دارد.

**آقای ابراهیمیان -** الان این تبصره، موجب تقلیل هزینه و تقلیل درآمد است.

**آقای اسماعیلی -** اولاً ما به تبصره (۱)، ایراد اصل (۷۵) گرفتیم.

**آقای ره‌پیک -** نه، تبصره (۱) که ربطی به این تبصره ندارد.

**آقای اسماعیلی -** چرا.

**آقای ره‌پیک -** ایراد تبصره (۱) در مورد محل مصرف درآمدها بود.

**آقای اسماعیلی -** اگر آن محل مصرف در تبصره (۱) درست بشود، اینجا هم درست می‌شود. حالا از این گذشته، این تبصره (۲)

حق تقسیط برای سهم کارفرمایی که متقاضی پروانه بوده پیش‌بینی نشده است و شما از این به بعد دارید آن را تقسیط می‌کنید، بدون اینکه نرخ را افزایش بدهید، شما در واقع دارید درآمدها را کاهش می‌دهید.

**آقای علیزاده -** آن زمان به این اندازه نمی‌دادند، ماده را که خواندند. آن موقع چهار درصد (۰.۴٪) بوده است<sup>۲</sup> که دولت

→

مذکور را اخذ نمایند. این حق بیمه در مورد خانه‌هایی که سطح زیربنای آن (۱۵۰) متر مربع یا کمتر باشد برای هر متر مربع (۵) ریال خواهد بود. سازمان بیمه‌های اجتماعی موظف است حساب درآمد و هزینه‌های موضوع این قانون را جداگانه نگاهداری نماید.

تبصره ۱- صدور پروانه ساختمان از طرف شهرداری‌ها موکول به ارائه و تسلیم رسید وجوه موضوع این ماده خواهد بود.

تبصره ۲- در مورد آن دسته از کارهای ساختمانی مشمول این قانون که انجام آنها از طریق انعقاد پیمان به پیمانکار واگذار می‌شود حق بیمه کارگران پیمانکار طبق مقررات عمومی ماده (۲۹) قانون بیمه‌های اجتماعی وصول خواهد شد.

مبالغی که در موقع صدور پروانه طبق مقررات این ماده به حساب سازمان بیمه‌های اجتماعی واریز شده است در محاسبه حق بیمه کارگران پیمانکار محسوب خواهد گردید.»

۲. الف- قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب آبان‌ماه ۱۳۵۲، مصوب ۱۳۷۹/۸/۱۷ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- میزان حق بیمه مندرج در ماده (۵) قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۵۲/۸/۲۱ به شرح زیر اصلاح و تعیین می‌گردد:

۱- تا (۱۰۰) متر مربع سطح زیربنا به ازای هر متر مربع معادل سه درصد (۳٪) حداقل مزد روزانه کارگر ساده شهری زمان درخواست پروانه  
۲- از (۱۰۰) متر مربع سطح زیربنا به بالا به ازای هر متر مربع معادل چهار درصد (۴٪) حداقل مزد روزانه کارگر ساده شهری زمان درخواست پروانه.»

ب- ماده (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶/۸/۹ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- در مواردی که انجام کارهای ساختمانی مستلزم اخذ پروانه می‌باشد، مراجع ذی‌ربط مکلفند صدور پروانه را منوط به ارائه رسید پرداخت حق بیمه برای هر متر مربع سطح زیر بنا معادل چهار درصد (۴٪) حداقل دستمزد ماهانه سال درخواست پروانه به حسابی که سازمان تأمین اجتماعی اعلام خواهد کرد، نمایند.»

ج- قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶، مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- در مواردی که انجام کارهای ساختمانی مستلزم اخذ پروانه می‌باشد، مراجع ذی‌ربط مکلفند صدور پروانه را منوط به ارائه رسید پرداخت حق بیمه برای هر متر مربع نمایند. حق بیمه متعلقه برای هر متر مربع زیربنا بر اساس حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار و بر مبنای ارزش معاملاتی املاک و متراژ و طبقات موضوع ماده (۶۴) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن، سطح زیربنا و سایر شاخص‌های ارزش‌گذاری منطقه‌ای اعم از شهری و روستایی با توجه به ضریب محرومیت آنها طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود

←

و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده پیش‌بینی کرده‌اند که آن را ایراد گرفتیم. یک منبع دیگری هم ذکر کرده‌اند که عبارت است از بیست درصد (۰.۲۰٪) حق بیمه‌ی سهم کارفرما که یک مقدار معلومی بوده است و الآن آن را معادل دوازده درصد (۰.۱۲٪) [عوارض و درآمد ناشی از صدور پروانه] قرار داده‌اند. خوب قبلاً که این چنین نبوده است. الآن خودشان دارند می‌گویند که این حق بیمه‌ی سهم کارفرما، تقسیط بشود. یعنی الآن عملاً دارند آن را کم می‌کنند؛ چون وقتی آن بیست درصد (۰.۲۰٪) سهم کارفرما باید تقسیط بشود، عملاً قدرت و توان خریدش کم می‌شود. خوب وقتی از یک طرف، آن بیست درصد (۰.۲۰٪) را کم می‌کنند، و از طرف دیگر، هزینه‌اش هم به جای خودش محفوظ است، پس بنابراین [موجبات تقلیل درآمد عمومی را فراهم کرده‌اند].

**آقای یزدی -** تقسیط در سه سال معنایش این نیست که درآمدهایشان را کاهش می‌دهند.

**آقای علیزاده -** حضرت آیت‌الله مدرسی، اگر همان بالا [در صدر ماده (۵)] می‌گفت که اگر کارفرما درخواست کند این دوازده درصد (۰.۱۲٪) عوارض تقسیط شود، شما به آن ایراد می‌گرفتید؟

**آقای یزدی -** نه، هیچ اشکالی نداشت.

**آقای علیزاده -** این، دو تا تقنین نیست، بلکه مجلس در ضمن یک مصوبه دارد تقنین می‌کند و هم‌زمان می‌گوید این عوارضی که می‌گیرید را به صورت قسطی بگیرید.

**آقای یزدی -** بله، در مدت سه سال بگیرید.

**آقای ابراهیمیان -** اگر از قبل در قوانین، چنین مقرره‌ای بوده باشد، این هم ایرادی ندارد.

**آقای علیزاده -** اگر در قانون سابق بود بله، اما این‌طور نیست و اصلاً این مصوبه، بدین شکل، جدید است.

**آقای یزدی -** بله.

**آقای ابراهیمیان -** در قانون سابق این حق بیمه را صاحبان املاک و اینها می‌دادند.<sup>۱</sup> عرض من این است که اگر از قبل،

۱. ماده (۵) قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۵۲/۸/۲۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- متقاضیان پروانه ساختمان اعم از ایجاد و یا تجدید بنا مکلفند برای هر متر مربع، حسب مورد نسبت به سطح کل زیربنا در جمع طبقات و جهت توسعه بنا نسبت به سطح زیربنای توسعه‌یافته مبلغ سی ریال به عنوان حق بیمه به حساب سازمان بیمه‌های اجتماعی در یکی از شعب بانک رفاه کارگران یا بانک‌های دولتی دیگر که از طرف سازمان بیمه‌های اجتماعی تعیین می‌شود، واریز و رسید مبلغ

←



تصویب می‌کرده است.

**آقای مدرس‌یزدی -** به هر حال جزء این می‌شود، این را هم شامل می‌شود.

**آقای ابراهیمیان -** الان دارند معادل‌سازی می‌کنند.

**آقای مدرس‌یزدی -** باز هم تقسیط می‌شود دیگر.

**آقای علیزاده -** معادل‌سازی نمی‌کنند، بلکه آن مبلغ تکافو نمی‌کرد، [لذا با وضع این مصوبه، راه دیگری را برای تأمین این مبلغ پیش‌بینی کرده‌اند].

**آقای مدرس‌یزدی -** به هر حال قبلاً درصدی از این حق بیمه را می‌گرفتند یا نه؟ اگر می‌گرفتند الان در اینجا گفته است همین را تقسیط کنید. خود این، تقلیل درآمد است.

**آقای رهپیک -** خب دیگر، این تقسیط است. علت اینکه این کارگراها هنوز هم بیمه نشده‌اند همین است که منابع مالی درست و حسابی برای این کار تعیین نمی‌شود. الان نزدیک یک میلیون کارگر بیچاره‌ی ساختمانی بیمه نیستند؛ چون اینها می‌روند به اداره‌ی بیمه مراجعه می‌کنند ولی آنها منابع مالی برای بیمه‌ی اینها ندارند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** حالا با این مصوبه، منبع مالی تعیین شده است دیگر.

**آقای رهپیک -** تعیین نشده است. باز هم می‌گویند تعیین نشده است.

**آقای سوادکوهی -** بسم الله الرحمن الرحيم. آنچه که من از قانون سابق استفاده کردم این بود که در قانون بیمه‌ی اجباری کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۵۲، یک سهمی برای کارفرما قائل بود. همین‌طور در قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه‌ی اجباری کارگران مصوب ۱۳۷۹ و بعد هم در قانون بیمه‌ی اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶ برای کارفرما این حق را قائل بود و تا این زمان کارفرما تماماً حق بیمه کارگرانش را پرداخت می‌کرد و این مسئله‌ای نبود. بدعتی که به نظر من این مصوبه‌ی فعلی گذاشته این است که گفته این سهم کارفرما از مالک اخذ بشود. بنابراین در بدو شروع هر کسی که می‌خواهد ساختمانش را به هر نحوی مورد بازسازی

→

که توسط وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و با هماهنگی سایر دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. در هر صورت نرخ حق بیمه با توجه به شاخص‌های مورد اشاره در آیین‌نامه موصوف نباید بیش از چهار درصد (۴٪) حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار باشد.»

و امثال اینها قرار بدهد، برای گرفتن پروانه باید یک مبلغی پرداخت بکند تا این بیست درصد (۲۰٪) حق بیمه‌ی سهم کارفرما تأمین بشود. ظاهرش این است که می‌خواهند این سهم بدین نحو تأمین بشود، اما در تبصره (۱) که بحث شد و تمام شد، ظاهراً باز هم تأمین این سهم کمبود داشت که بنا شد کمبودش از محل بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده جبران بشود. به نظر من مشکل تبصره (۲) که در گزارش سازمان تأمین اجتماعی هم آمده این است که اگر با تقاضای هر یک از مالکین تقسیط صورت بگیرد، کاهش درآمد قطعاً در این فرض محقق می‌شود. عین مطلبی که سازمان تأمین اجتماعی در نامه‌ی خود نوشته این است: «خصوصاً اینکه در سال اول اجرا به دلیل تقسیط حق بیمه‌ها عملاً منابع لازم جهت پوشش (۸۰۰) هزار نفر کارگر تحت پوشش فعلی نیز محقق نخواهد شد.» یعنی بعد از تأیید این مصوبه و در سال اول اجرا بر اثر تقسیطی که همه تقاضا می‌کنند، این حق بیمه‌ی سهم کارفرما برای سال آینده تقسیط می‌شود، بنابراین امسال نه کارفرما پولی پرداخت می‌کند و نه مالک چنین مبلغی را پرداخت می‌کند تا این بیست درصد (۲۰٪) تأمین بشود. بنابراین، با توجه به این مطلب به نظر می‌رسد که این کاهش هزینه‌ها قطعاً در ارتباط با این امر وجود دارد؛ خصوصاً در سال اولی که این قانون بخواهد اجرا بشود.

**آقای سلیمی -** فرق بین کارفرما و کسی که کار می‌پذیرد همین‌جا روشن می‌شود. در اینجا سازمان تأمین اجتماعی در حکم کارفرما است و چون همیشه حق بیمه‌ی سه سال را پیشاپیش گرفته است، به این موضوع عادت کرده است. از این جهت، به لحاظ پرداخت حق بیمه، این سازمان حکم کارفرما را دارد، یعنی می‌خواهد چه کار کند؟ می‌خواهد که حق بیمه را یک جا دریافت کند. چون یاد گرفته است که حق بیمه‌ی سه سال را پیشاپیش بگیرد و هیچ حسابی هم برایش باز نکند. وقتی هم به آنها می‌گویند که حق بیمه‌ی این سه سال را پیشاپیش نگیر، به او برمی‌خورد و می‌گوید اگر نگیرم ضرر می‌کنم! اما اصلاً چرا باید بگیرد؟ اگر بنا است که از اول حق بیمه را بدهند، پس از اول باید برای هر ماه، ماهانه بگیرند. خب چرا می‌خواهند پیشاپیش و یک‌جا حق بیمه‌ی سه سال را بگیرند؟ آنجایی که به نفعشان است هیچ چیزی نمی‌گویند، اما آنجایی که برای مصالح عموم یک قانونی گذاشته می‌شود آقایان فریادشان بلند می‌شود و می‌گویند که ما ضرر می‌کنیم! ما

خدمات را به بیمه‌شدگان ارائه می‌دهد؟ الآن که دارد حق بیمه می‌گیرد، همه‌ی خدمات را ارائه نمی‌دهد. حالا قانون‌گذار به مالک گفته است که باید عوارض بدهد و این عوارض را تقسیطی بدهد، حالا آیا این درست است که سازمان بگوید اگر عوارض تقسیط شود به من ضرر وارد می‌شود؟!

**آقای مدرسی‌یزدی -** خب، از آن طرف در این مصوبه گفته است حق بیمه‌ای که کارفرمایان قبلاً می‌دادند، الآن دیگر ندهند.

**آقای علیزاده -** شما نمی‌دانید؛ من در کمیسیون برنامه و بودجه بودم. در آنجا می‌گفتند همین هشتصد هزار نفری را که خودشان تصویب کرده‌اند سالی دویست هزار نفرشان را تحت پوشش بیمه قرار دهند، بیمه نکرده‌اند. همین امسال بابت بیمه‌ی این دویست هزار نفر، طبق قانون بودجه از محل این دو ردیف یعنی بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده، دارند منابع می‌گیرند. همین الآن طبق قانون بودجه دارند می‌گیرند. به هر حال، این مصوبه، بار مالی ندارد. چه بار مالی‌ای دارد؟ می‌گویند سود چیزی که وصول نشده است کم می‌شود؛ خب حالا اگر وصول بشود و سودش کمتر بشود، چه اشکالی دارد؟

**آقای ابراهیمیان -** فرض مقنن این است که فرمول قبلی مربوط به تأمین حق بیمه‌ی کارگران ساختمانی، با این فرمول جدید، اصلاح شده و به هر حال این فرمول جدید، حق بیمه‌ی اینها را تأمین می‌کند؛ یعنی الآن با این مصوبه، یک مبلغ مشخصی را برای این کار تأمین می‌کند. قبلاً شما برای تأمین حق بیمه تقسیط نگذاشته بودید، ولی الآن همان را تقسیط کرده‌اید. اینکه فرمول محاسبه و دریافت این حق بیمه تغییر کرده است، اصل بر این است که هدف این دو قانون جدید و قبلی این بوده است که حق بیمه را تأمین کنند. یک نکته‌ای که خیلی مهم است این است که الآن شیوه‌ی قانون‌گذاری ما در مورد تأمین اجتماعی مصداق بارز جیب خالی و پُز عالی است.

**آقای علیزاده -** اتفاقاً عکس این است.

**آقای ابراهیمیان -** همه‌ی بحران‌هایی که در اروپا و جاهای دیگر رخ داده است، بخش زیادی از آن به خاطر کمبود بودجه‌ی تأمین اجتماعی است؛ چون نتوانسته‌اند منابع مالی آن را تأمین بکنند. ما می‌خواهیم به بازنشسته‌ها کمک کنیم، به ایثارگران کمک کنیم، به روستاییان کمک کنیم. مگر اقتصاد ما چقدر شکوفا است که بتوانیم این همه پول توزیع

از اول می‌گوییم که آنها دوازده درصد (۱۲٪) عوارض مالیاتی را بابت آن بیست درصد (۲۰٪) حق بیمه‌ی سهم کارفرما بگیرند. حالا اینکه چند تا کارگر به کار گرفته می‌شود را حساب نمی‌کنیم، یا اینکه آیا به اندازه‌ی این دوازده درصد (۱۲٪) عوارض دریافتی، کارگر در اینجا به کار گرفته می‌شود یا نه، این هم حساب نمی‌شود؛ بلکه مراد این است که فقط این پول در اختیار اینها قرار بگیرد. خب این یک قراردادی است که با آنها می‌بندند و این قرارداد از اول این‌طوری بسته می‌شود که اگر متقاضی پروانه‌ی ساختمانی بخواهد تقسیط کند باید برایش تقسیط کنند و سازمان در طول سه سال این حق بیمه را بگیرد و اگر چنانچه حادثه‌ای برای کارگران این ساختمان پیش بیاید در طول مدت پرداخت کند. به نظرم هیچ دلیلی برای این اعتراض سازمان تأمین اجتماعی که بگوید درآمدش کم می‌شود، وجود ندارد. نه، درآمدشان کم نمی‌شود. الآن یک مصوبه‌ای به تصویب رسیده است که دارد همه‌ی مسائل را یک‌جا می‌بیند؛ یعنی اولاً می‌گوید این دوازده درصد (۱۲٪) عوارض ساختمانی بابت آن بیست درصد (۲۰٪) سهم حق بیمه‌ی کارفرما پرداخت بشود و ثانیاً قانون‌گذار این‌طور فرض کرده است که این منبع آن کسری‌ها را جبران می‌کند و اگر جبران نکرد، طریقه‌ی جبران را هم در نظر گرفته است. ثالثاً تقسیطش هم مثل خود قانون است. بنابراین، این مصوبه، نه موجب کاهش درآمد عمومی است و نه باعث هزینه‌های اضافی عمومی می‌شود. به نظر من این اشکال وارد نیست.

**آقای علیزاده -** اگر مجلس می‌گفت این حق بیمه‌ای را که ما سابقاً آن‌قدر می‌گرفتید، تقسیط کنید، ما می‌گفتیم این مصوبه موجب کاهش درآمد است؛ اما این مصوبه دارد می‌گوید از الآن این عوارض را بگیرید، متنها این عوارض را به تقسیط بگیرید. آقایان [= مسئولان سازمان تأمین اجتماعی] می‌گویند چون ما سابقاً این‌طور می‌گرفتیم، [در حالی که قبلاً چنین مصوبه‌ای وجود نداشته است]. اینها به همه‌ی این موضوعات، به عنوان یک کار تجاری نگاه می‌کنند. ما آنجایی که ایراد واقعی دارد، ایراد می‌گیریم؛ اما در اینجا که قانون‌گذار می‌گوید که به صورت قسطی گرفته شود اگر هم درآمد آنها کمتر می‌شود، خب کمتر بشود. کجای این بار مالی دارد؟

**آقای اسماعیلی -** بله، فقط سودشان کم می‌شود.

**آقای مدرسی‌یزدی -** این یک حرف دیگری است.

**آقای علیزاده -** خب الآن مگر سازمان تأمین اجتماعی همه‌ی

**آقای علیزاده -** چرا اشکال دارد؟ الان در خود قانون بودجه هم می‌نویسند که کمیسیون‌های تخصصی باید از دستگاه‌ها گزارش بگیرند.

**آقای ره‌پیک -** ما همیشه الزام به ارائه‌ی گزارش به کمیسیون‌های مجلس را ایراد می‌گرفتیم.

**آقای علیزاده -** اگر سابقه‌ای در این زمینه داشته‌ایم بیاورید؛ ولی به نظر من اشکالی ندارد.

**آقای ره‌پیک -** اینکه گفته است «گزارش عملکرد خود را» به کمیسیون ارائه کند، یعنی گزارش عملکرد خود راجع به موضوع این قانون را ارائه دهند.

**آقای مدرسی‌یزدی -** نه، پاسخگویی دستگاه‌ها در مقابل کمیسیون که نیست؛ گزارش را باید به مجلس ارائه کنند، نه اینکه به کمیسیون گزارش بدهند.

**آقای علیزاده -** اگر سابقه دارد، بیاورید.

**آقای ره‌پیک -** بله، سابقه دارد.

**منشی جلسه -** تبصره ۴- مساجد و تکایا، حسینیه‌ها، دارالقرآن‌ها و مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی از پرداخت بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما معاف بوده و سهم کارفرما از محل تبصره (۱) این ماده تأمین می‌شود.

**آقای علیزاده -** این مصوبه می‌گوید مساجد و تکایا و... از پرداخت این مبلغ معاف هستند.

**آقای مدرسی‌یزدی -** این هم خلاف شرع است.

**آقای اسماعیلی -** این تبصره هم مبنیاً بر تبصره (۱) اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** چه اشکالی دارد؟

**آقای اسماعیلی -** چون تبصره (۱) ایراد بار مالی داشت. در آنجا گفتیم که کل این منبع هم بار مالی این مصوبه را تأمین نمی‌کند.

→

است: «قسمت اخیر بند (۴) ماده (۲)، در خصوص موظف شدن سازمان به ارسال گزارش به مجلس، مغایر اصول (۵۷) و (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد.» متن قسمت اخیر بند (۴) ماده (۲) مصوبه‌ی فوق‌الذکر، چنین مقرر می‌داشت: «سازمان بازرسی کل کشور موظف است فهرست و نتیجه گزارش‌های خود را به صورت ماهیانه به مجلس شورای اسلامی ارسال نماید.» برای آگاهی از سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتوحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ جلد دوم (اصول ۵۶ تا ۷۵ قانون اساسی)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵، ذیل اصل (۵۷).

بکنیم؟ واقعاً این کسری بودجه باعث می‌شود که بعداً این سازمان‌ها ورشکست بشوند.

**آقای علیزاده -** شما چرا این را می‌فرمایید؟ ببینید، الان علت اینکه این مصوبه را آورده‌اند چیست؟ علت این است که می‌گویند این پولی که می‌گیرند برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی کفایت نمی‌کند و می‌خواهند به آن اضافه کنند. خوب گفته‌اند آن چیزی که می‌خواهیم اضافه کنیم را به صورت تقسیط بگیرد، آیا این موضوع، بار مالی دارد؟ من عکس حرف شما را می‌گویم؛ من می‌گویم اتفاقاً تأمین اجتماعی جیب پُری دارد.

**آقای ابراهیمیان -** نه، عکس حرف شما است؛ جیب خالی و پُز عالی.

**آقای یزدی -** اینها همه مصلحت‌اندیشی است [که ارتباطی با وظیفه‌ی ما ندارد].

**آقای علیزاده -** بله، ما چه کار به این حرف‌ها داریم؛ ما باید بگوییم که آیا این تبصره، خلاف است یا خلاف نیست. بنابراین، حضرات آقایانی که معتقدند حکم تبصره (۲) در خصوص دریافت تقسیطی عوارض، خلاف اصل (۷۵) است و با این مصوبه، سود تأمین اجتماعی کم می‌شود، رأی بدهند.

**آقای مدرسی‌یزدی -** اگر خلاف [مصلح] عمومی است، بله کم می‌شود.

**آقای علیزاده -** خیلی خوب، به سراغ تبصره‌ی بعدی برویم؛ این ایراد، رأی نیاورد.

**منشی جلسه -** چهار رأی آورد. «تبصره ۳- سازمان تأمین اجتماعی مکلف است گزارش عملکرد خود را هر سه ماه یک بار به کمیسیون‌های بهداشت و درمان، اجتماعی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارائه کند.»

**آقای مدرسی‌یزدی -** اینکه در تبصره (۳) گفته است گزارش را باید به کمیسیون بدهد ایراد نمی‌گیرید؟ چون باید بگویند به خود مجلس گزارش بدهد.

**آقای علیزاده -** گزارش دادن، اشکالی ندارد.

**آقای ره‌پیک -** چرا؛ اشکال دارد.

**منشی جلسه -** قبلاً هم این ایراد را گرفته‌ایم.<sup>۱</sup>

۱. شورای نگهبان تاکنون در چند مورد، الزام دستگاه‌ها به ارسال گزارش به کمیسیون‌های داخلی مجلس را مغایر با قانون اساسی تشخیص داده است. به عنوان نمونه، در نظر شماره ۸۶/۳۰/۲۵۱۰۶ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۴ شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۷۵، مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۲ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی آمده

←

عوارض شهرداری از آنها نگیرید.<sup>۱</sup> شما هم این مصوبات را تأیید کرده‌اید.

**آقای سوادکوهی - اصل (۱۳) قانون اساسی در مورد اقلیت‌های دینی است.**

**آقای مدرسی‌یزدی - بله، ولی در قانون اساسی که چنین احکامی نیامده است.**

**آقای شب‌زنده‌دار -** اگر اهل کتاب باشند، حکمش این‌طوری است دیگر.

**آقای مدرسی‌یزدی -** به هر حال، آقایان در فقه نوعاً نوشته‌اند که با اقلیت‌های دینی باید شرط بشود که کنیسه‌ی جدید نسازند، کلیسای جدید نسازند، همه‌ی اینها را شرط کرده‌اند.<sup>۲</sup> با وجود این، آیا صحیح است که ما اینجا بگوییم که برای ساختن این اماکن، یک تخفیفی هم داده می‌شود؟!

**آقای ره‌پیک -** در واقع یک جزیه‌ی معکوس است.

**آقای مدرسی‌یزدی -** حالا من فقط دارم توجه شما را به این مسئله جلب می‌کنم و می‌گویم که در اینجا این مسئله هست؛ اما به اینکه این موضوع، مانع دارد یا نه، کاری ندارم.

**آقای ره‌پیک -** حالا ببینید، در اینجا حتی اگر می‌خواستند حکم اماکن اسلامی با اماکن اقلیت‌های دینی را یکسان‌سازی هم بکنند، باید می‌گفتند «مراکز مذهبی مسلمانان و اقلیت‌ها»؛ چون گستره‌ی عبارت «مراکز مذهبی» خیلی وسیع است.

**آقای اسماعیلی -** مثلاً چیست؟

**آقای مدرسی‌یزدی -** من هم همین را می‌گویم. اطلاق «مراکز مذهبی» یعنی هر چه اسمش را مرکز مذهبی بگذارند، شامل می‌شود دیگر.

**آقای ره‌پیک -** الان مثلاً این تبصره، امامزاده‌ها را شامل نمی‌شود.

**آقای علیزاده -** در اینجا دارد می‌گوید عوارض موضوع این مصوبه را از این اماکن نگیرید؛ یعنی تازه دارد همان عوارض را هم حذف می‌کند.

**آقای اسماعیلی -** نه، می‌گوید به جای دریافت عوارض از اینها، از محل تبصره (۱) بگیرد.

**آقای علیزاده -** از کجا بگیرند؟

**آقای اسماعیلی -** از محل تبصره (۱)؛ می‌گوید حق بیمه‌ی سهم کارفرما را از مسجد و... نگیرید و به جایش در این موارد، سهم کارفرما از محل تبصره (۱) تأمین شود، در حالی که ما به خود تبصره (۱) ایراد بار مالی گرفتیم.

**آقای علیزاده -** بله، این تبصره هم مبنیاً بر ایراد تبصره (۱)، ایراد دارد؛ ولی نفس پول نگرفتن از این اماکن اشکالی ندارد.

**آقای اسماعیلی -** نه، از آن جهت که اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده -** اگر این قسمت را حذف می‌کردند، اشکالی نداشت.

**آقای مدرسی‌یزدی -** بنده اصلاً به اطلاق عبارت «مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی» که در این تبصره آمده است، ایراد دارم؛ یعنی اگر نوشته بودند کلیسا و کنیسه، باز بهتر بود، اما الآن هر چیزی که تحت عنوان «مرکز مذهبی» ساخته شود باید کمکش بکنند و از عوارض معافش کنند. خیلی خوب، وقتی می‌گوید عوارض از این اماکن نگیرند، آیا کارگران ساختمانی این مراکز باید بیمه بشوند یا نه؟

**آقای ره‌پیک -** این تبصره، یعنی این اماکن، مالیات [= عوارض پروانه‌ی ساختمانی] نمی‌دهند.

**آقای مدرسی‌یزدی -** یعنی وقتی یک نفر برای آتشکده ساختن می‌خواهد پروانه بگیرد، هزینه‌ی اخذ این پروانه از پروانه‌ی ساختمانی منزل خودش ارزان‌تر در می‌آید! کارگران ساختمانی هم که در آنجا کار می‌کنند و بیمه هستند، حق بیمه‌ی آنها از کجا تأمین می‌شود؟ از محل تبصره (۱) این مصوبه تأمین می‌شود.

**آقای علیزاده -** خوب بگویید اشکال شرعی دارد، اما اشکال قانون اساسی که ندارد.

**آقای مدرسی‌یزدی -** بله دیگر؛ ما هم اشکال دیگری به این تبصره نگرفتیم.

**آقای علیزاده -** الان در قانون بودجه و در قوانین برنامه، همه‌جا گفته است که پول آب و برق و... از این اماکن نگیرید یا

۱. به عنوان نمونه، می‌توان به بند (ع) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۶ مجلس شورای اسلامی اشاره کرد: «ع- هزینه مصرف با رعایت الگوی مصرف (متناسب با مساحت فضاهای اصلی) و حق انشعاب برق، آب و گاز برای حوزه‌های علمیه، مساجد، دارالقرآن‌ها، حسینیه‌ها و اماکن دینی اقلیت‌های دینی مصرح در قانون اساسی رایگان است.»

۲. «اهل کتاب و کسی که در حکم آنها است، جایز نیست که معابدی مانند ۲ بیعه‌ها و کنیسه‌ها و صومعه‌ها و آتشکده‌ها و غیر آنها را در بلاد اسلام، احداث نمایند و اگر آنها را احداث نمودند بر والی مسلمین واجب است که آنها را از بین ببرد.» (موسوی خمینی، سید روح‌الله، ترجمه تحریرالوسیله امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۳۷)

**آقای اسماعیلی -** نه، این تبصره که آنها را نمی‌خواهد بگوید ...  
**آقای ره‌پیک -** چرا دیگر.

**آقای اسماعیلی -** ... این تبصره، منظورش کلیسا و کنیسه است.  
**آقای ره‌پیک -** نه، گفته است: «مراکز مذهبی».

**آقای مدرسی‌یزدی -** چرا؛ مراکز مذهبی اقلیت‌های مذهبی اعم از نفس کنیسه و کلیسا است.

**آقای ره‌پیک -** مثلاً این تبصره شامل مراکز آموزش‌های دینی که اقلیت‌ها دارند هم می‌شود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** می‌شود به این تبصره ابهام گرفت؛ یعنی بگوییم منظور از «مراکز مذهبی» در اینجا چیست.

**آقای مدرسی‌یزدی -** این پیشنهاد خوبی است.

**آقای ره‌پیک -** لازم است این مصوبه به مجلس برگردد تا اصلاحش کنند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** اطلاق عبارت «مراکز مذهبی»، شامل اماکنی هم می‌شود که در آن کارهای ممنوع می‌کنند.

**آقای علیزاده -** می‌فرمایید ابهام بگیریم؟ من نظرم بر این است که ابهام این تبصره را این‌طوری بگیریم؛ بگوییم منظور از مساجد و تکایا و حسینیه‌ها و دارالقرآن‌ها در این تبصره روشن است، اما منظور از «مراکز مذهبی» روشن نیست و مبهم است.

**آقای جنتی -** خب، مجلس برای رفع ابهام چه کار بکند؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** مشخص کنند و مثلاً بگویند منظورشان فقط کلیسا است؛ نه هر مرکز مذهبی.

**آقای علیزاده -** بله، نه هر مرکزی.

**آقای شب‌زنده‌دار -** بله، اشکالی ندارد.

**آقای جنتی -** خب حالا که کلی و مطلق گفته‌اند چه اشکالی دارد؟ یعنی اینکه گفته‌اند این حکم شامل هر مرکز مذهبی می‌شود چه اشکالی دارد؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** خب همه‌ی مراکز مذهبی را به چه مناسبت باید بگویند؟! مثلاً اگر مسیحیان یک دفتری برای تیشیر دارند که برای آنها یک مرکز مذهبی تلقی می‌شود، به چه دلیل این محل هم باید از پرداخت عوارض ساختمانی معاف باشد؟

**آقای ابراهیمیان -** عبادتگاه‌هایشان را شامل بشود.

**آقای علیزاده -** مثل امامزاده‌ها که گفتیم مبهم است، اگر می‌خواهید این ابهام را بگیریم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ابهام که یقیناً دارد.

**آقای مدرسی‌یزدی -** ابهام بگیریم، ولو اینکه این عبارت اطلاق دارد.

**آقای ره‌پیک -** ابهام بگیریم.

**آقای علیزاده -** الان معلوم نیست منظور از «مراکز مذهبی» چیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** همه چیز را شامل می‌شود.

**آقای علیزاده -** بگوییم با توجه به اینکه منظور از مراکز مذهبی در مورد مسلمان‌ها روشن شده است، در مورد اقلیت‌ها هم این موضوع مشخص شود.

**آقای جنتی -** ابهام بگیرید.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ابهام را رأی بگیرید.

**آقای علیزاده -** عبارت «مراکز مذهبی» با توجه به اینکه در خصوص مراکز دینی و تبلیغی مسلمان‌ها به نحو روشن بیان شده است ...

**آقای هاشمی شاهرودی -** مشخص شده است.

**آقای علیزاده -** ... مشخص شده است، ابهام دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله دیگر، عبارت «مراکز مذهبی» اقلیت‌های دینی را مشخص کنند.

**آقای علیزاده -** حضرات آقایانی که ابهام عبارت «مراکز مذهبی» اقلیت‌های دینی را قبول دارند، رأی بدهند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، همه رأی دادند.<sup>۱</sup>

**آقای علیزاده -** این مصوبه هم تمام شد.<sup>۲</sup>

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۲ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان: «۲- در تبصره (۴) ماده (۵) اصلاحی، عبارت «مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی» با توجه به اینکه مصادیق مراکز دینی و تبلیغی مسلمانان به نحو روشن مشخص شده است، ابهام دارد. علاوه بر این، برداشت از محل تبصره (۱)، دارای همان اشکال وارده بر تبصره مذکور است.»

۲. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۲ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۲۷/۳۸۳۶۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۵، طرح اصلاح ماده (۵) بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب جلسه مورخ دوم شهریورماه یکم هزار و سیصد و نود و سه مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- نظر به اینکه در تبصره (۱) ماده (۵) اصلاحی، درآمدهایی که از قبل پیش‌بینی و محل مصرف آن نیز تعیین شده را برای جبران مابه‌التفاوت ناشی از اجرای این ماده منظور نموده، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.

۲- در تبصره (۴) ماده (۵) اصلاحی، عبارت «مراکز مذهبی اقلیت‌های دینی» با توجه به اینکه مصادیق مراکز دینی و تبلیغی مسلمانان به نحو روشن مشخص شده است، ابهام دارد. علاوه بر این برداشت از محل تبصره (۱) دارای همان اشکال وارده بر تبصره مذکور است.

تذکر:

- ماده (۵) اصلاحی در خصوص عبارت «بیست درصد (۲۰٪) سهم

## لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «لایحه تمدید مدت آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)»<sup>۱</sup>

ایراد شورای نگهبان [در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷] به مصوبه‌ی سابق مجلس،<sup>۲</sup> این بوده است: «عبارت تبصره به نحو مذکور، ظهور در الزام دولت به اقدام قانونی جهت دائمی کردن متن همین قانون را دارد؛ لذا مغایر اصل (۷۴) قانون اساسی شناخته شد.» که مجلس به این ترتیب، تبصره را اصلاح کرده است: «تبصره - دولت موظف است برای دائمی شدن قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، اقدامات قانونی لازم را ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب به عمل آورد.»

→

کارفرما که معادل دوازده درصد (۱۲٪) مجموع عوارض و درآمد ناشی از صدور پروانه ساختمان به شهرداری می‌باشد، به اصلاح عبارتی نیاز دارد. همچنین در این ماده، در همه موارد پروانه توسط شهرداری تعیین نمی‌گردد که باید تعیین تکلیف گردد.»

۱. لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۶ به تصویب هیئت وزیران رسید. این لایحه، پس از ارسال به مجلس شورای اسلامی، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۱ به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۳۶/۲۰۹۴۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت این مصوبه با اصل (۷۴) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۶/۵ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۹۹۹ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. ماده واحده لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۶ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده - مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ به مدت دو سال تمدید می‌شود.

تبصره - دولت موظف است برای دائمی شدن این قانون، اقدامات قانونی لازم را ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب به عمل آورد.»

آقای **علیزاده** - حضرات آقایانی که با این اصلاح به عمل آمده، اشکال را باقی می‌دانند، بفرمایند.

آقای **ابراهیمیان** - مصوبه‌ی مجلس چه تغییری کرده است؟

آقای **ره‌پیک** - در این موضوع، دو تا بحث بود. یک بحث در خصوص اصل (۷۴) بود که شورای نگهبان قبلاً نظری در مورد اصل (۷۴) قانون اساسی داشت مبنی بر اینکه الزام دولت به دادن لایحه از طرف مجلس، علی‌الاطلاق اشکال دارد.<sup>۳</sup> البته شورا نظرات متفاوتی در خصوص اصل (۷۴) داشته است.

آقای **ابراهیمیان** - اشکال مصوبه همین بود دیگر.

آقای **اسماعیلی** - این اشکال رأی نیاورد.

آقای **علیزاده** - در تبصره‌ی اصلاحی فعلی نگفته‌اند که دولت لایحه بدهد؛ فقط گفته‌اند که دولت «اقدامات قانونی لازم» را [برای دائمی شدن قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی] انجام دهد.

آقای **اسماعیلی** - اقدام قانونی لازم یعنی الزام دولت به ارائه‌ی لایحه‌ی دائمی.

آقای **ره‌پیک** - نه دیگر، در نظر قبلی ما به اصل (۷۴) قانون اساسی استناد کردیم و به آن مصوبه، ایراد گرفتیم. اصل (۷۴) در مورد الزام دولت به ارائه‌ی لایحه است؛ مقصود از «اقدام

۳. شورای نگهبان در نظرات خود نسبت به مصوبات مجلس، در موارد متعدد تکلیف دولت به ارائه‌ی لایحه یا تکلیف دولت به اقدام قانونی لازم جهت دائمی نمودن یک قانون را مغایر اصل (۷۴) قانون اساسی دانسته است. به عنوان نمونه، در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۷۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰ شورای نگهبان در خصوص طرح تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۹۲/۶/۱۳ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده واحده - مدت اجرای آزمایشی قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ از تاریخ پایان مهلت اجرای آزمایشی قانون مذکور تا پایان سال ۱۳۹۳ تمدید می‌شود. دولت مکلف است اقدام قانونی لازم را جهت دائمی نمودن قانون فوق ظرف شش ماه از تاریخ تصویب تمدید، به عمل آورد.» برای آگاهی از سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ جلد سوم (اصول ۵۶ تا ۷۵ قانون اساسی)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵، صص ۴۶۸-۴۹۲.

قانونی» [هم همان الزام دولت به ارائه‌ی لایحه است و] معنای دیگری ندارد.

**آقای علیزاده -** نه، منظور از عبارت تبصره‌ی اصلاحی، الزام دولت به ارائه‌ی لایحه نیست.

**آقای رهپیک -** در مرحله‌ی قبل، این موضوع بحث شد و ابتدائاً این اشکال رأی آورد؛ منتها به دلیل اینکه این قانون، (۱۰) سال به صورت آزمایشی اجرا شده بود [و ضرورت تمديد مجدد این قانون به صورت آزمایشی] یک پیشنهادی مطرح شد که اگر ما این الزام مصوبه برای دولت را از بین ببریم، این الزام به یک سال هم از بین می‌رود. نتیجه آنکه اجرای آزمایشی این قانون آزمایشی، (۱۰) سال دیگر هم طول می‌کشد و دولت هم اقدامی برای دائمی کردن آن انجام نمی‌دهد. اشکالی که گفته شد این بود که ظاهر عبارت تبصره این است که منظور از دائمی شدن «این قانون» یعنی دائمی کردن همین قانونی که الآن به عنوان آزمایشی مطرح است. شورای نگهبان به این نکته اشکال گرفت. خب، اشکال سر این بوده است که نمی‌شود این قانونی که الآن به عنوان قانون آزمایشی است، همان را دائمی کرد. الآن بحث سر این است که آیا می‌توان دولت را الزام کرد که این قانون آزمایشی را دائمی بکند یا علی‌الاطلاق اصلاً نمی‌توان دولت را الزام به دادن لایحه کرد؟ اگر منظور، اشکال اولی باشد، ایراد شورا رفع شده است؛ چون تبصره نگفته است که «این قانون» آزمایشی دائمی شود؛ بلکه به دولت گفته است که بروید و در این زمینه، هر قانونی را که خواستید بنویسید و در قالب یک لایحه به مجلس ارائه دهید. اما اگر منظور، اشکال دوم باشد، که علی‌الاطلاق الزام دولت به ارائه‌ی لایحه، مغایر اصل (۷۴) قانون اساسی است، چه فرقی می‌کند که دولت برود و همین قانون آزمایشی را برای دائمی شدن به مجلس بیاورد یا یک متن دیگر را بردارد و به مجلس بیاورد؟ چه فرقی می‌کند؟ هر دو تای آن اشکال دارد.

**آقای اسماعیلی -** متن ایراد سابق شورای نگهبان کدام است؟

**آقای رهپیک -** ایراد ما مغایرت تبصره با اصل (۷۴) قانون اساسی است.

**آقای اسماعیلی -** نه، مجلس در تبصره‌ی سابق گفته بود که همین قانون دائمی شود.

**آقای رهپیک -** نه، منظور از «همین قانون»، یعنی قانون استخدام نیروی انتظامی یا عین متن این قانونی که الآن به عنوان

آزمایشی مطرح است. اگر منظور از «همین قانون»، عین این قانون باشد، خب الآن ایراد شورا رفع شده است. منتها این اشکال پیش می‌آید که خب حالا چه لزومی دارد؛ اگر دولت خواسته باشد همین قانون آزمایشی را تبدیل به قانون دائمی کند، چه اشکالی دارد؟ آیا لزومی دارد که هیچ تغییری در آن ندهد؟ الآن، مجلس فقط عبارت تبصره‌ی آن مصوبه‌ی سابق را عوض کرده است.

**آقای شب‌زنده‌دار -** ظاهر عبارتی که در این تبصره نوشته شده است، این است که مقصود همان دومی است که دولت همین قانون را به صورت لایحه ارائه کند.

**آقای ابراهیمیان -** یکی از آن دو معنا مقصود است. ما قبلاً چنین اشکالی نگرفته‌ام، ولی این تبصره اشکال دارد.

**آقای شب‌زنده‌دار -** مقصود مجلس در این تبصره درست منعکس شده است. اشکال، باقی است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** باز هم اشکال باقی است.

**آقای رهپیک -** اشکال قبلی ما این بود که با توجه به اصل (۷۴)، مجلس نمی‌تواند دولت را به دادن لایحه الزام کند. اشکالمان این بود.

**آقای ابراهیمیان -** من هم این اشکال را قبول دارم؛ اما اشکالی که به مجلس نوشتیم و اعلام کردیم این نیست.

**آقای سوادکوهی -** آن اشکال، مبهم است.

**آقای ابراهیمیان -** نه دیگر، این ایراد شورای نگهبان نبوده است. ببینید، گفته‌ایم: «عبارت تبصره به نحو مذکور، ظهور در الزام دولت به اقدام قانونی جهت دائمی کردن متن همین قانون را دارد»؛ یعنی مخالفت ما از حیث الزام به دائمی کردن همین قانون است. اگر شما می‌گفتید که این تبصره، مغایر اصل (۷۴) قانون اساسی است، این عموم همه‌ی فروض را شامل می‌شد؛ اما وقتی یک جهت را معلوم کردید، فقط همان جهت را شامل می‌شود، مگر اینکه ایراد جدید بگیرید. می‌شود ایراد جدید گرفت.

**آقای علیزاده -** اگر مجلس بیاید و به دولت بگوید که شما همان قانون را دائمی کنید که تبصره‌ی قبلی هم این را می‌گفت، این اشکال دارد.

**آقای اسماعیلی -** مجلس، بر اساس اشکال شورا آن تبصره را اصلاح کرده است.

**آقای علیزاده -** الآن این تبصره می‌خواهد بگوید که دولت در مورد دائمی شدن این قانون تعیین تکلیف بکند. حالا دولت

فرصت دارد که اقدامات قانونی را برای دائمی شدن این قانون انجام دهد.

**آقای رهپیک -** دولت یک اقدام قانونی می‌کند و آن هم دادن لایحه است.

**آقای ابراهیمیان -** نه، اقدامات قانونی، مقدماتی دارد که دولت باید آن مقدمات را فراهم کند.

**آقای علیزاده -** بحث، روشن است. اگر موافقید، رأی بگیریم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** اشکال، باقی است.

**آقای اسماعیلی -** من یک توضیح بدهم، بعد رأی بدهید.

**آقای رهپیک -** به هر حال، سابقه‌ی نظرات شورا هم همین بوده که به چنین مصوباتی ایراد مغایرت با اصل (۷۴) می‌گرفت.

**آقای اسماعیلی -** زمانی که بررسی این مصوبه در مجلس مطرح بود، من هم از طرف شورا موظف شدم به کمیسیون بروم؛ چون این مصوبه چند بار بین مجلس و شورا رفت و برگشت داشته است. در آن جلسه‌ی شورای نگهبان من به

حضرات آقایان اعضای محترم عرض کردم که هر ایرادی که دارید، شفاف بگویید تا مجلس آن ایراد را حل کند. مشروح مذاکرات ما موجود است. آن روز در جلسه‌ی شورای نگهبان

دو تا بحث مطرح شد. یکی اینکه اصولاً اقدام قانونی به معنای دادن لایحه است و این ایراد دارد؛ اما این ایراد، رأی نیاورد. در

خصوص آن، بحث هم کردیم. ولی ایراد دوم این بود که عبارت تبصره، ظهور در الزام دولت به دائمی کردن متن همین قانون را دارد؛ یعنی دولت را مجبور می‌کرد که متن همین

قانون را بیاورد و ظهور عبارت در این بود که دولت توان تغییر متن قانون را ندارد. این ایراد دوم رأی آورد و شما هم ایراد را

همین‌طوری نوشتید. ما هم رفتیم و این‌طوری از نظر شورا دفاع کردیم. حالا این تبصره اصلاح شده است. وقتی ایراد شورا این است: «عبارت تبصره به نحو مذکور، ظهور در الزام دولت به

اقدام قانونی جهت دائمی کردن متن همین قانون را دارد؛ لذا مغایر اصل (۷۴) است»؛ یعنی جهت مغایرت آن با اصل (۷۴) که ما ایراد گرفتیم این بود که دولت را ملزم کرده است که برای دائمی شدن، متن همین قانون را به مجلس ارائه کند.

مجلس هم عبارت «این قانون» را حذف کرده است.

**آقای رهپیک -** خب، موضوع اصل (۷۴) قانون اساسی که این نیست.

**آقای اسماعیلی -** چرا دیگر، همین‌ها است. پس شما بگویید این چیزی که در نظر شورا نوشته شده، اشتباه است.

می‌تواند متن این قانون را تغییر بدهد یا عین همین متن را در قالب لایحه به مجلس ببرد. هر کار که دلش می‌خواهد بکند. دولت به انجام این کار ملزم نیست.

**آقای ابراهیمیان -** حالا مدت تمدید آزمایشی آن قانون چقدر است؟

**آقای رهپیک -** شما به اصل (۷۴) استناد می‌کنید، ولی اصل (۷۴) که در مورد آزمایشی و دائمی بودن قانون نیست.

**آقای علیزاده -** اگر مجلس می‌گفت دولت اقدامات قانونی را برای تقدیم لایحه معمول بدارد، ما به چنین مصوبه‌ای اشکال می‌گرفتیم؟ نه، نمی‌گرفتیم. اما اگر مجلس بگوید دولت ملزم است که لایحه بیاورد، ما همیشه می‌گفته‌ایم که چنین چیزی اشکال دارد.

**آقای اسماعیلی -** بله، اگر مجلس می‌گفت که دولت «اقدامات قانونی لازم» را انجام دهد، ما ایراد نمی‌گرفتیم.

**آقای رهپیک -** نه، اشکال می‌گرفتیم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** طبق این تبصره، دولت ملزم است ظرف مدت یک سال، لایحه‌ی قانونی استخدام نیروی انتظامی را تقدیم مجلس کند.

**آقای علیزاده -** نه، می‌گوید دائمی کند؛ نسبت به دائمی شدن قانون استخدام نیروی انتظامی، اقدامات لازم را به عمل آورد.

**آقای ابراهیمیان -** نه، می‌دانم؛ اشکالی ندارد؛ ولی ایراد قبلی شما، مشکل داشته است.

**آقای علیزاده -** خیلی خب، حالا دیگر هر چه که بوده، تمام شده است.

**آقای ابراهیمیان -** حالا مدت آزمایشی قانون و مدت تمدید آن چقدر است؟

**آقای رهپیک -** قبلاً این قانون (۱۰) سال به صورت آزمایشی اجرا شده است. الآن مجلس یک سال دیگر هم تمدید کرده است. ماده واحده گفته است که این قانون، دو سال به صورت آزمایشی تمدید می‌شود و تبصره هم گفته است که ظرف مدت یک سال هم باید دائمی بشود.

**آقای ابراهیمیان -** اگر این‌طور می‌گفت که دولت ظرف مدت این دو سال، اقدامات قانونی را انجام دهد، این تأکید قانون‌گذار بود؛ چون دولت را موظف نکرده است که بعد از

انقضای مدت آزمایشی اقدامات قانونی را انجام دهد؛ اما اینکه در تبصره گفته است ظرف مدت یک سال اقدامات قانونی را انجام دهد، اشکال دارد؛ چون دولت طبق ماده واحده، دو سال



شورای نگهبان [در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵] به مصوبه‌ی قبلی مجلس، این بوده است: «عضویت سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره) با حق رأی در بند (الف) الحاقی به ماده (۲)، همان‌طور که در نظریه شماره ۷۷/۲۱/۲۸۵۴ مورخ ۱۳۷۷/۰۳/۱۰ این شورا آمده است، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.» الآن مجلس، این مصوبه را به این ترتیب اصلاح کرده است: «صدر ماده واحده به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده واحده - بندهای زیر به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال مصوب ۱۳۷۷/۶/۱ الحاق و ماده (۶) قانون به شرح



شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۳۲/۳۰۷۳۲ مورخ ۱۳۹۳/۵/۵ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در دو مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت این مصوبه با اصل (۶۰) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۶/۴ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۳. ماده واحده طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، مصوب ۱۳۹۳/۵/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده - بندهای زیر به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال مصوب ۱۳۷۷/۶/۱ الحاق می‌گردد:

الف - دو بند الحاقی به ماده (۲):

- سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره)

- رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران.

ب - بند الحاقی به ماده (۴):

- مدیرکل کمیته امداد امام خمینی (ره).»

۴. بند (۱) نظر شماره ۷۷/۲۱/۲۸۵۴ مورخ ۱۳۷۷/۰۳/۱۰ شورای نگهبان در خصوص طرح تشکیل شورای عالی اشتغال مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۷ مجلس شورای اسلامی: «۱- بخشی از هدف و وظایف مذکور در مواد (۱) و (۳) و (۴) طرح تشکیل شورای عالی اشتغال از مقوله تقنین است که مربوط به مجلس شورای اسلامی است؛ بخشی دیگر از آنها نیز یا از وظایف و اختیارات هیئت وزیران و یا از جمله وظایف و اختیارات وزیر و وزارت کار و امور اجتماعی است. از این رو، تفویض تعیین اهداف و اجرای وظایفی که برعهده قوه مقننه و هیئت وزیران و یا وزیر کار و امور اجتماعی است به شورایی مرکب از تعدادی از وزیران و مسئولان غیر وزیر، مغایر اصول (۵۸)، (۶۰)، (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی است.»

۵. مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال مصوب ۱۳۷۷/۶/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲- ترکیب شورای عالی اشتغال به شرح زیر می‌باشد:



آقای ره‌پیک - اصل (۷۴) هیچ ربطی به آزمایشی و دائمی بودن قوانین ندارد.

آقای اسماعیلی - چه کسی می‌گوید که اصل (۷۴) مربوط به آزمایشی و دائمی بودن قانون است؟

آقای هاشمی شاهرودی - اگر مجلس دولت را الزام نکند که متن این قانون یا هر چیز دیگری را به عنوان لایحه ارائه کند، باز همین اشکال وجود دارد. این قانون یا هر قانون دیگری، چه فرقی می‌کند؟

آقای اسماعیلی - خب، این اشکال [در مرحله‌ی قبلی بررسی این مصوبه در شورای نگهبان] رأی نیاورد. شما [متن نظر شورا و مشروح مذاکرات شورا را] ببینید؛ این ایراد، رأی نیاورد.

آقای علیزاده - حضرات اعضای محترم، اجازه بفرمایید که رأی بگیریم.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که با اصلاح به عمل آمده، ایراد سابق را به قوت خود باقی می‌دانند، رأی بدهند. حضرات آقایانی هم که با این اصلاح به عمل آمده، می‌فرمایند که این مصوبه اشکال جدید دارد، بفرمایند.

آقای سوادکوهی - بله، اشکال جدید دارد دیگر.

آقای علیزاده - این ایراد، رأی نیاورد. رد شویم.<sup>۱</sup>

## طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون

### تشکیل شورای عالی اشتغال

### (اعاده‌شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون

تشکیل شورای عالی اشتغال (اعاده‌شده از شورای نگهبان)»<sup>۲</sup> ایراد

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۹۹۹ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۳۶/۳۹۰۲۱ مورخ ۱۳۹۳/۶/۹ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷، لایحه تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که با اصلاحاتی در جلسه مورخ پنجم شهریورماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. طرح یک‌فوریتی الحاق یک بند به ماده (۲) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، پس از تصویب یک فوریت آن در مجلس، در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱ با تغییراتی در متن و عنوان، سرانجام با عنوان طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی



زیر اصلاح می‌شود:

الف- دو بند الحاقی به ماده (۲):

- سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره)  
- رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران.

ب- بند الحاقی به ماده (۴):

- مدیرکل کمیته امداد امام خمینی (ره).

متن زیر به عنوان بند (پ) به ماده واحده الحاق می‌شود:

پ- در ماده (۶) قانون، عبارت «و با تأیید رئیس جمهور قابل

اجرا است» جایگزین عبارت «معتبر خواهد بود» می‌گردد.

**آقای عزیززاده -** یعنی الآن با این اصلاحیه، همه‌ی این افرادی که در این شورا عضویت دارند، نظرشان را می‌دهند، بعد اگر رئیس جمهور نظرشان را تأیید کرد، آن مصوبات قابل اجرا می‌شود. قبلاً گفته بود که مصوبات این شورا با رأی اکثریت اعضا معتبر است؛ حالا گفته است که مصوبات این شورا پس از تأیید رئیس جمهور قابل اجرا خواهد بود.

**آقای ره‌پیک -** حالا اگر تصمیمات این شورا، مستلزم وضع یک مقرر باشد، آیا رئیس جمهور می‌تواند مقرر و وضع کند؟

**آقای اسماعیلی -** در آن صورت، رئیس جمهور آن مصوبه را امضا نمی‌کند؛ تأیید نمی‌کند.

**آقای ره‌پیک -** نه، بالاخره این شورای عالی اشتغال مصوباتی دارد ...

**آقای عزیززاده -** رئیس جمهور آنچه را که در حدود وظیفه‌اش است، عمل می‌کند. اگر شورای عالی اشتغال، چیزی را خلاف قانون وضع کند، آن مصوبه برای رئیس مجلس ارسال می‌شود و او می‌گوید که مصوبه‌ی این شورا ایراد دارد. ما تا به حال، صد جا گفته‌ایم که اگر [مصوبات شوراهایی که افراد غیر دولتی

→

۱- ریاست سازمان برنامه و بودجه به عنوان ناظر بدون حق رأی

۲- وزیر کار و امور اجتماعی

۳- وزیر کشور

۴- وزیر جهاد سازندگی

۵- وزیر کشاورزی

۶- وزیر آموزش و پرورش

۷- وزیر صنایع

۸- وزیر امور اقتصادی و دارایی

۹- وزیر نیرو

۱۰- وزیر تعاون

۱۱- وزیر معادن و فلزات

۱۲- وزیر بازرگانی

۱۳- وزیر فرهنگ و آموزش عالی

۱۴- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۱۵- رئیس کل بانک مرکزی بدون حق رأی به عنوان ناظر

۱۶- مشاور رئیس جمهور در امور زنان بدون حق رأی به عنوان ناظر

۱۷- دو نفر از نمایندگان کارفرمایان به معرفی کانون عالی انجمن صنفی کارفرمایان که در صورت عدم تشکیل کانون توسط وزیر کار و امور اجتماعی بدون حق رأی انتخاب خواهد شد.

۱۸- دو نفر از نمایندگان کارگران به معرفی کانون عالی شوراهای اسلامی کار در صورت عدم تشکیل توسط وزیر کار و امور اجتماعی بدون حق رأی معرفی خواهد شد.

۱۹- رئیس کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی بدون حق رأی به عنوان ناظر

دبیرخانه شورا می‌تواند با امکانات موجود به منظور هماهنگی بر حسب مورد از سایر وزراء برای شرکت در جلسات تصمیم‌گیری دعوت به عمل آورد.

ماده ۳- ...

ماده ۴- به منظور اجرای مصوبات شورای عالی اشتغال، کمیته هماهنگی اشتغال استان‌ها به شرح ذیل تشکیل می‌گردد:

۱- استاندار؛ رئیس شورا

۲- رئیس سازمان برنامه و بودجه؛ دبیر شورا

۳- مدیر کل کار و امور اجتماعی

۴- مدیر کل آموزش و پرورش

۵- مدیر کل صنایع

۶- رئیس سازمان جهاد سازندگی

۷- مدیر کل تعاون

۸- مدیر کل امور اقتصادی و دارایی

۹- رئیس سازمان کشاورزی

۱۰- مدیر کل معادن و فلزات

۱۱- مدیر کل بازرگانی

۱۲- دو نفر از نمایندگان کارفرمایان به معرفی کانون هماهنگی انجمن‌های صنفی کارفرمایان

۱۳- دو نفر از نمایندگان کارگران به معرفی کانون شوراهای اسلامی استان

→

۱۴- یک نفر از کمیسیون امور بانوان استان

۱۵- یک نفر از نمایندگان استان با انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر.

تبصره- شورای عالی اشتغال و کمیته هماهنگی استان می‌توانند موضوعات تخصصی خود را به کمیته‌ها و کمیسیون‌های فنی ارجاع کنند و در خصوص نظریات کارشناسی ارائه‌شده از سوی کمیته‌ها و کمیسیون‌های مربوط، با اکثریت اعضاء تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند.

۱. ماده (۶) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال مصوب ۱۳۷۷/۶/۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶- شورای عالی اشتغال حداقل هر شش ماه یک‌بار تشکیل جلسه خواهد داد و جلسات آن با حضور دوسوم اعضاء رسمیت یافته و تصمیمات شورا با اکثریت آراء اعضاء حاضر معتبر خواهد بود.»

←

با توجه به اصل (۱۵) قانون اساسی، باید اصلاح شود. مجلس معادل آن را این طور آورده است: «در سطر چهارم ماده (۴)، کلمه «شناسه» قبل از کلمه «(کد)» اضافه می شود.»

**آقای هاشمی شاهرودی** - دو سه تای اول در نظر قبلی شورا نسبت به این مصوبه، همه تذکر هستند.

**منشی جلسه** - تذکر بعدی در خصوص ماده (۷) بوده است: «تذکر ۲- در ماده (۷)، عبارت «دفاتر فیزیکی»، به اصلاح عبارتی نیاز دارد.» مجلس این ماده را این طور اصلاح کرده است: «در انتهای ماده (۷)، عبارت «دفاتر دست نویس»، جایگزین عبارت «دفاتر فیزیکی» می شود.» بند (۳) تذکرات شورا<sup>۵</sup> ظاهراً اعمال نشده است.

**آقای شب‌زنده‌دار** - آیا این تذکر اعمال نشده است یا مجلس می خواهد بگوید که این تذکر مهمی نیست؟

**منشی جلسه** - یعنی اینکه مجلس هیچ کاری در مورد ماده (۸) نکرده است.

**آقای ره‌پیک** - مجلس به این تذکر توجه نکرده است.

**منشی جلسه** - اگر مجلس متن مصوبه را تغییر بدهد، دوستان



ملی و آدرس دقیق پستی اقامتگاه و یا محل سکونت آنها و مشخصات فردی انتقال‌دهندگان و انتقال‌گیرندگان ملک و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های آن باشد.»

۴. ماده (۷) طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷- سازمان مکلف است دفاتر موضوع قانون ثبت اسناد و املاک و قانون دفاتر اسناد رسمی و مقررات مرتبط با آنها را به صورت الکترونیک و به نحوی که صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آن تأمین شده باشد، در زیرمجموعه مرکز داده‌ها، نظام جامع و سامانه‌های مرتبط، ساماندهی و ایجاد کند. همچنین سازمان مکلف است امکان اتصال دفاتر اسناد رسمی به سامانه‌های مرتبط مذکور و بهره‌برداری از آنها به نحوی که امکان ثبت برخط (آن‌لاین) اسناد و معاملات و پاسخ آنی و الکترونیک به استعلامات ثبتی ایجاد شود، فراهم کند. با ایجاد دفاتر الکترونیک مذکور، ثبت در دفاتر فیزیکی منتفی و دفاتر الکترونیک جایگزین دفاتر موجود می شود.

تبصره ۱- ...»

۵. بند (۳) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان: «در ماده (۸)، واژه «جغرافیایی»، به «جغرافیایی» اصلاح شود.»

متن ماده (۸) طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بوده است: «ماده ۸- سازمان مکلف است از توانمندی‌های سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیای نیروهای مسلح و سایر بخش‌های دولتی و غیردولتی به منظور تامین عکس‌ها و تصاویر هوایی و زمینی و یا ماهواره‌ای و تأمین نقشه و سایر اطلاعات مکانی و توصیفی مرتبط استفاده نماید.»

در آن حضور دارند،] به تأیید رئیس جمهور یا وزیر برسد، اشکالی ندارد. حضرات آقایانی که می‌فرمایند این مصوبه‌ی مجلس در مورد طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال، با این اصلاح به عمل آمده، ایراد دارد، بفرمایند؛ اگر اشکال جدیدی هم دارند، بفرمایند.<sup>۱</sup>

## طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور (اعاده‌شده از شورای نگهبان)

**منشی جلسه** - «طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور (اعاده‌شده از شورای نگهبان)<sup>۲</sup>

[در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸] در خصوص ماده (۴) تذکری داشتیم: «۱- در ماده (۴)، واژه «کد»،

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۰ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۳۲/۳۸۹۹۵ مورخ ۱۳۹۳/۶/۹ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵، طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴) قانون تشکیل شورای عالی اشتغال که با اصلاحاتی در جلسه مورخ چهارم شهریورماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. طرح جامع حدنگار (کاداستر) کشور در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۵/۳۳۰۳۷ مورخ ۱۳۹۳/۴/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در چهار مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۱ و ۱۳۹۳/۴/۱۸، در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ و در مرحله‌ی سوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، ۱۳۹۳/۴/۱۸، ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۳ و ۱۳۹۳/۶/۱۹ مورخ ۹۳/۱۰۳/۳۰۶۲ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی چهارم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۳/۱۰۲/۳۶۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۳. ماده (۴) طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴- سازمان مکلف است ظرف مدت مذکور در ماده (۳)، نظام جامع را به نحوی ایجاد کند و مورد بهره‌برداری قرار دهد که علاوه بر اطلاعات نقشه‌ها و اسناد مالکیت حدنگار، در برگیرنده اطلاعات مربوط به پلاک و بخش ثبتی ملک، آدرس دقیق پستی آن، کد انحصاری ملک، مشخصات کامل مالک یا مالکان و کد ملی یا شناسه



خصوصیات املاک متعلق به خود را اعلام نمایند، در مواردی که موضوع دارای جنبه امنیتی باشد، اشکال شرعی دارد.» ما یک تذکر هم در مورد این ماده داشتیم؛ تذکر چهارم: «۴- در سطر دوم ماده (۹)، بعد از واژه «کاربری»، ویرگول ذکر شود.» مجلس برای اصلاح این ماده گفته است: «در سطر سوم ماده (۹)، بعد از عبارت «املاک مذکور را» عبارت «با رعایت جنبه‌های امنیتی» اضافه و یک تبصره به شرح زیر، به آن الحاق می‌شود:

تبصره- آیین‌نامه اجرایی مربوط به مصادیق جنبه‌های امنیتی، ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارتخانه‌های اطلاعات، کشور، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

**آقای مدرسی یزدی** - [با اینکه این ماده را اصلاح کرده‌اند، ولی یک شبهه‌ای همچنان برای من باقی مانده است و آن اینکه این تبصره، در خصوص آن مراکزی که تحت فرمان مستقیم رهبری است، چیزی مطرح نکرده است.

**آقای علیزاده** - سند می‌خواهند یا نمی‌خواهند؟

**آقای مدرسی یزدی** - یعنی چه سند می‌خواهند یا نمی‌خواهند؟ به هر حال یک مراکزی مستقیماً تحت فرمان رهبری است؛ نه به وزارت اطلاعات، نه به وزارت کشور و نه به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ربطی ندارد؛ فقط مربوط به دفتر رهبری است. به هر حال، مجلس که در این تبصره این موارد را استثنا کرده است، دفتر رهبری را هم استثنا می‌کرد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - یعنی مثلاً ثبت اطلاعات املاک بنیاد شهید، اشکالی ندارد.

**آقای یزدی** - نسبت به آنها هم طبق نظر رهبری رعایت می‌شود دیگر.

**آقای مدرسی یزدی** - نه، نوشته‌اند که کلیه دستگاه‌ها باید تمام اطلاعاتشان را به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور بدهند. آن وقت، بعد در تبصره گفته‌اند: «آیین‌نامه اجرایی مربوط به مصادیق جنبه‌های امنیتی، ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون، توسط وزارتخانه‌های اطلاعات، کشور، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، دادگستری و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.» یک اماکنی در اختیار رهبری است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - آن اماکن که امنیتی نیست.

**آقای مدرسی یزدی** - چرا نیست؟

**آقای علیزاده** - حفاظت آنجاها با کیست؟

[در اداری حقوقی شورا] آن تغییر را در جدول تطبیقی می‌آوردند؛ الآن شما متن مصوبه‌ی اصلاحی را ببینید.

**آقای هاشمی شاهرودی** - نمی‌شود کاری کرد که اگر اسم این سازمان [= سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح] غلط است، مجلس اسم آن را درست بنویسد.

**منشی جلسه** - ظاهراً اسم این سازمان، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، مجلس دارد اسم این سازمان را می‌گوید.

**آقای ابراهیمیان** - حالا شما این اسم را در اینترنت هم کنترل کنید.

**آقای هاشمی شاهرودی** - حالا اگر شورای نگهبان بیخودی اشکال کرده است و اصلاً اشکال وارد نبوده است ...

**آقای علیزاده** - این اشکال، اشکالی بیخودی که نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این سازمان، یک عضو سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است.

**آقای ره‌پیک** - اسم این سازمان، اشتباه نوشته شده است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - از اول، اسم آن سازمان این است دیگر: سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

**آقای ره‌پیک** - «جغرافیایی» درست است.

**آقای علیزاده** - این ایراد، درست شده است. مجلس، کلمه‌ی «جغرافیایی» را به «جغرافیایی» تبدیل کرده است دیگر.

**منشی جلسه** - نه، تبدیل نکرده است.

**آقای مدرسی یزدی** - پس، تذکر بدهید.

**آقای ابراهیمیان** - اگر دوباره به این مصوبه ایراد گرفتیم، یک‌بار دیگر هم این را تذکر بدهید.

**آقای علیزاده** - ما که یک موضوع را دو بار تذکر نمی‌دهیم.

**منشی جلسه** - [بند (۱) ایرادهای مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان:] «۱- عموم ماده (۹) مبنی بر مکلف نمودن دستگاه‌ها نسبت به اینکه تمام

۱. ماده (۹) طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹- کلیه دستگاه‌ها مکلفند تمام مستندات و اطلاعات توصیفی املاک متعلق به خود یا تحت اداره خود از جمله مشخصات ثبتی، کاربری، نام بهره‌بردار و نقشه‌های مختصات جغرافیایی املاک مذکور را حداکثر ظرف مدت دو سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون تهیه نموده و جهت صدور سند مالکیت حدنگار در اختیار سازمان قرار دهند.»

**آقای هاشمی شاهرودی -** با سپاه است.

**آقای مدرس یزدی -** شاید خود دفتر رهبری، مسئول حفاظت آنها است.

**آقای علیزاده -** نه، حفاظتشان با سپاه است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نهادها، عبارت است از بنیادهایی مثل بنیاد شهید.

**آقای علیزاده -** حفاظت آن نهادها، با سپاه است.

**آقای مدرس یزدی -** شاید حفاظت بنیاد شهید با خود دفتر رهبری باشد. حالا اگر یکجایی از آن، تحت سیطره‌ی سپاه نباشد، اصلاً سازمان ثبت اسناد چه اجازه‌ای دارد که اطلاعات آن اماکن را بگیرد.

**آقای سلیمی -** چون این نهادها، [از سازمان ثبت اسناد] سرویس می‌گیرند، اگر اطلاعاتشان را به سازمان ندهند، سرویس هم نمی‌گیرند.

**آقای مدرس یزدی -** خب، نباید این‌طور باشد. در این تبصره، یک استثنا لازم دارد.

**آقای ره‌پیک -** حالا آن اماکن خودشان با هماهنگی وزارت دفاع، این مسائل را در ضمن آیین‌نامه‌ی اجرایی لحاظ می‌کنند دیگر.

**آقای مدرس یزدی -** آنچه که تحت فرمان رهبری است، باید استثنا بشود.

**آقای علیزاده -** نباید استثنا بشود.

**آقای مدرس یزدی -** یعنی طوری باشد که اطلاعات آن نهادها، جزء مسائل امنیتی قرار بگیرد و با هماهنگی دفتر رهبری باشد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** [اماکن زیر نظر مقام معظم رهبری]، زیر نظر یکی از همین نهادها استثنا شده در تبصره است.

**آقای علیزاده -** این تبصره می‌خواهد مصداق جنبه‌های امنیتی را در آیین‌نامه تعیین کند. این آیین‌نامه نمی‌آید بگوید که اطلاعات مرتبط با بیت رهبری هم محرمانه است.

**آقای مدرس یزدی -** خب، چرا دفتر رهبری جزو موارد امنیتی نباشد؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** بنویسند که دفتر رهبری هم امنیتی است؟!

**آقای مدرس یزدی -** بله، اماکن آنجا، بالاترین درجه‌ی امنیتی را هم دارد. مجلس باید در اینجا دفتر رهبری را هم [در مصداق جنبه‌های امنیتی]، شریک بکند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** دفتر رهبری که امنیتی نیست.

**آقای مدرس یزدی -** امنیتی، هر چیزی است که باید از آن محافظت شود.

**آقای علیزاده -** آن نهادهایی که در آیین‌نامه، جنبه‌های امنیتی را در نظر می‌گیرند، باید بگویند که اگر نهادی این خصوصیات را داشته باشد، [از مصادیق جنبه‌های امنیتی به حساب می‌آید]. خب عبارت این تبصره که از این کار منع نکرده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** امنیتی، یعنی سرّی و مخفی؛ مثل جاهایی که اطلاعات آن باید مخفی باشد.

**آقای مدرس یزدی -** نه، جنبه‌ی امنیتی داشتن، فقط شامل مراکز سرّی نیست. حالا مثلاً فرض کنید که دادگستری را هم دخالت بدهند.

**آقای علیزاده -** [اینهایی که در این تبصره، نامشان آمده است] می‌خواهند آیین‌نامه‌ی مصادیق جنبه‌های امنیتی را بنویسند، نه اینکه بگویند که این نهادهای خودمان، امنیتی است.

**آقای مدرس یزدی -** خیلی خب، در تدوین آیین‌نامه، باید دفتر رهبری را هم دخالت بدهند.

**آقای ره‌پیک -** نه دیگر، اینها می‌گویند: مثلاً برای تهیه‌ی اطلاعات از مناطق حساس باید اجازه داشته باشند.

**آقای اسماعیلی -** شما [= آیت‌الله هاشمی شاهرودی] قبلاً در مورد حقوق شهروندی بخشنامه صادر کردید، اما آنها باز هم کار خودشان را کردند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، معلوم نیست. اتفاقاً چیزهای مربوط به رهبری، همه‌اش شفاف است و جنبه‌ی امنیتی ندارد.

**آقای مدرس یزدی -** امنیتی، به این معنا که نیست؛ به معنای این است که دشمن نتواند [به اطلاعات آنجاها دسترسی پیدا کند].

**آقای ره‌پیک -** حالا این نهادهای ذکر شده در تبصره، می‌خواهند بروند آیین‌نامه‌ی آن را تهیه کنند. مثلاً بگویند که این ساختمان‌های خاص طبقه‌بندی دارد تا اگر ثبت اسناد خواست اطلاعاتی از آن ساختمان‌ها بگیرد، تا این مقدار اطلاعات بگیرد. این موضوع را می‌خواهند بگویند دیگر.

**آقای مدرس یزدی -** بله، پس خود دفتر رهبری هم باید جزء اینها باشد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** همه‌ی چیزهای دفتر رهبری شفاف است؛ اصلاً چیز سرّی ندارد. خب، واقع مسئله را می‌نویسند؛ چون چیز مسئله‌داری در آنجا نیست؛ همه چیزش شفاف است. **آقای مدرس یزدی -** نه، باید فوق اینها باشد. باید یک تعبیر

خوب و مناسب درست کنند و در این تبصره قرار بدهند.

**آقای علیزاده - آقایان،** اگر فرمایشی دارید که این تبصره اشکال دارد، رأی بگیریم. خیلی خوب، [این ایراد، رأی نیارود].

**منشی جلسه -** [بند (۲) ایرادهای شورای نگهبان:] «۲- ماده (۱۰) باید به قسمت اخیر اصل (۱۴۷) قانون اساسی مقید گردد و آلا مغایر اصل مذکور می‌باشد. همچنین اطلاق تجویز گرفتن عکس و نقشه در مواردی که خلاف مسائل امنیتی و نظامی باشد، اشکال دارد.» مجلس بر اساس این اشکال، ماده (۱۰) را این‌طور اصلاح کرده است: «ماده (۱۰) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۰- سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مکلفند حسب مورد با رعایت مصالح امنیتی و نظامی در حدی که به آمادگی نیروهای مسلح آسیب وارد نکند، بنا به درخواست سازمان، نقشه‌های مورد نیاز را تهیه و تحویل نمایند.»

**آقای علیزاده -** این عبارت «رعایت مصالح امنیتی» اشتباه شده است. در کمیسیون که ما با نمایندگان توافق کردیم، این‌گونه نبود.

**آقای یزدی -** گفته است که حسب مورد، رعایت بکنند.

**آقای علیزاده -** بله، درست است؛ عبارت «حسب مورد» را گفته است.

**منشی جلسه -** [بند (۳) ایرادهای شورای نگهبان:] «۳- در تبصره ماده (۱۱)، مقصود از «عدم مراجعه» روشن گردد تا اظهار

نظر ممکن شود. علاوه بر این، الغاء حقوق مالکانه اشخاص به عللی که در ماده و تبصره آمده، خلاف موازین شرع شناخته شد.» مجلس این تبصره را به این صورت اصلاح کرده است: «تبصره ماده (۱۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره- پس از اتمام مهلت پنج‌ساله مذکور، ارائه هرگونه خدمات ثبتی به اشخاص، منوط به تعویض اسناد مالکیت دفترچه‌ای می‌باشد.»

**آقای علیزاده -** یعنی اسناد مالکیت را تعویض می‌کنند، نه اینکه بگویند این اسناد را تعویض نمی‌کنیم؛ تعویض می‌کنند، ولی در عمل [تا عدم تعویض سند، خدماتی ارائه نمی‌دهند].

**منشی جلسه -** [بند (۴) ایرادهای شورای نگهبان:] «۴- در ماده (۱۵)،<sup>۲</sup> از آنجا که ضابطه تعیین هزینه یا مقدار آن معین نشده است، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.» در این اصلاحیه گفته‌اند: «در ماده (۱۵) بعد از عبارت «وصول هزینه»، عبارت «مطابق تعرفه قانونی» اضافه می‌شود.» یعنی متن ماده‌ی اصلاحی این‌طور می‌شود: «ماده ۱۵- سازمان مکلف است در صورت تقاضا، نقشه‌های حدنگار را در قبال وصول هزینه، مطابق تعرفه قانونی به مالک یا قائم‌مقام وی یا دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ارائه کند.»

[بند (۵) ایرادهای شورای نگهبان:] «۵- نظر به اینکه مواد (۳)،<sup>۴</sup> (۵)،<sup>۵</sup> (۶)،<sup>۱</sup> ماده (۷) و تبصره یک آن،<sup>۲</sup> مواد (۱۰)، (۱۱) و (۱۶)<sup>۳</sup>

۳. ماده (۱۵) طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵- سازمان مکلف است در صورت تقاضا، نقشه‌های حدنگار را در قبال وصول هزینه به مالک یا قائم‌مقام وی یا دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ارائه کند.»

۴. ماده (۳) طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳- سازمان مکلف است ظرف مدت پنج سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون حدنگاری را به نحوی به انجام برساند که موقعیت و حدود کلیه املاک و اراضی داخل محدوده مرزهای جغرافیایی کشور اعم از دولتی و غیردولتی و همچنین موقعیت و حدود کلیه کوه‌ها، مراتع، جنگل‌ها، دریاها، دریاچه‌ها، تالاب‌ها، اراضی مستحدث ساحلی، مسیل‌های دایر و متروکه و جزایر کشور، مشخص و تثبیت شود و امکان بهره‌برداری از نقشه‌ها و سایر اطلاعات توصیفی و ثبتی کلیه املاک و اراضی کشور، به صورت نقشه و اسناد مالکیت حدنگار در نظام جامع میسر گردد، به گونه‌ای که هیچ نقطه‌ای از کشور بدون نقشه و اسناد مالکیت حدنگار نباشد.

تبصره- کلیه دستگاه‌ها مکلف به همکاری با سازمان جهت اجرای حدنگاری می‌باشند.»

۵. ماده (۵) طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵- سازمان مکلف است کلیه اقدامات حقوقی و ثبتی انجام‌شده بر املاک موضوع این قانون اعم از تغییرات، انتقالات،

۱. ماده (۱۰) طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۰- سازمان نقشه‌برداری کشور و سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح مکلفند به موجب درخواست سازمان، نسبت به عکس‌برداری و تهیه نقشه مورد نیاز بر اساس مقیاس‌ها و استانداردهای لازم اقدام کنند.

تبصره- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح مکلف است عکس‌ها و نقشه‌های املاک و اماکن نیروهای مسلح و مناطق مرزی را با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه نماید. انتشار اطلاعات نظامی و امنیتی در نقشه‌های ثبتی بدون موافقت مراجع ذی‌ربط ممنوع است.»

۲. ماده (۱۱) طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱- سازمان مکلف است ظرف مهلت پنج سال پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون کلیه اسناد مالکیت دفترچه‌ای را به اسناد مالکیت حدنگار تبدیل کند. برای این منظور کلیه دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای اعم از دستگاه‌ها و اشخاص خصوصی مکلفند در زمان‌بندی مشخصی که در هر منطقه به وسیله سازمان اعلام می‌شود، سند خود را به سازمان ارائه کنند.

تبصره- پس از اتمام مهلت پنج‌ساله مذکور و در صورت عدم مراجعه، دستگاه‌ها مجاز به ارائه خدمات مرتبط به اسناد مالکیت به دارندگان اسناد مالکیت دفترچه‌ای نمی‌باشند.»

خود دارای بار مالی است، فلذا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند. مجلس برای رفع این ایراد گفته است: «متن زیر به انتهای ماده (۱۷) اضافه می‌شود:

به علاوه، دولت مکلف است نسبت به اجرای تکالیف مقرر در مواد (۳)، (۵)، (۶)، (۷)، (۱۰)، (۱۱) و (۱۶) این قانون، با توجه به بند (و) ماده (۴۶) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه<sup>۵</sup> اقدام نماید. بار مالی اضافه اجرای این قانون، از محل درآمدهای مواد (۵) و (۱۵) این قانون تأمین می‌شود.»

**آقای رهپیک -** آن قسمت اول که اشکال داشت، هنوز رفع نشده است. ما به قسمت اول ماده (۱۷) که می‌گوید (۵۰٪) کلیه درآمدهای خدمات ثبتی به حساب خزانه کل کشور واریز شود، ایراد گرفتیم.

**آقای علیزاده -** مجلس، آن قسمت را حذف کرده است.

**آقای رهپیک -** نه، آن قسمت را حذف نکرده‌اند. فقط به دنبال ماده (۱۷)، عبارتی را آورده‌اند.

**منشی جلسه -** عبارتی به انتهای ماده، اضافه شده است. متن قبلی، سر جایش باقی است.

**آقای علیزاده -** مجلس باید این پنجاه درصد (۵۰٪) را حذف می‌کرد.

**آقای رهپیک -** بله، این ماده اشکال دارد.

**آقای شب‌زنده‌دار -** ماده (۱۵) هم یعنی ایجاد هزینه، [نه منبع درآمد].

۵. بند (و) ماده (۴۶) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۴۶- به منظور بسط خدمات دولت الکترونیک، صنعت فناوری اطلاعات، سواد اطلاعاتی و افزایش بهره‌وری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- ...

و- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است:

۱- با همکاری و هماهنگی سازمان نقشه‌برداری کشور و همکاری سایر دستگاه‌های ذی‌ربط تا پایان برنامه نسبت به ایجاد پایگاه اطلاعات حقوقی املاک و تکمیل طرح حدنگاری (کاداستر) اقدام نماید.

۲- در راستای توسعه سامانه یکپارچه ثبت اسناد رسمی و املاک، نسبت به الکترونیکی نمودن کلیه مراحل نقل و انتقالات، ثبت اسناد رسمی و املاک تا پایان سال دوم برنامه اقدام نماید.

۳- نسبت به تکمیل پایگاه داده اطلاعات شرکت‌ها و مؤسسات ثبت‌شده و براساس الگو و استانداردهای اعلام‌شده توسط معاونت با ذکر مشخصات سهامداران، اعضاء هیئت مدیره و شماره کد ملی آنها و نیز شناسه یکتا و با قابلیت جست‌وجو و دسترسی همگانی تا پایان سال اول برنامه اقدام نماید.

ز- ...

موجب افزایش هزینه عمومی می‌گردند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۷)<sup>۴</sup> علاوه بر اینکه جبران هزینه‌های مذکور را نمی‌نماید،

→

تعهدات، معاملات اعم از قطعی، شرطی و معاملات دیگر، تجمیع، افراز، تفکیک، اصلاحات و غیره را که به صورت رسمی انجام می‌شوند در نظام جامع به طور آنی ثبت کند و پس از تکمیل و بهره‌برداری از نظام جامع، کلیه استعلامات ثبتی را به صورت آنی و الکترونیک پاسخ دهد.»

۱. ماده (۶) طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶- سازمان مکلف به تجهیز کلیه ادارات ثبت کشور به نرم‌افزارهای مورد استفاده در نظام جامع و افزایش قابلیت‌های آنها با رعایت معیارها و استانداردهای فنی لازم است.»

۲. ماده (۷) طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷- سازمان مکلف است دفاتر موضوع قانون ثبت اسناد و املاک و قانون دفاتر اسناد رسمی و مقررات مرتبط با آنها را به صورت الکترونیک و به نحوی که صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری آن تأمین شده باشد، در زیرمجموعه مرکز داده‌ها، نظام جامع و سامانه‌های مرتبط، ساماندهی و ایجاد کند. همچنین سازمان مکلف است امکان اتصال دفاتر اسناد رسمی به سامانه‌های مرتبط مذکور و بهره‌برداری از آنها را به نحوی که امکان ثبت بر خط (آن‌لاین) اسناد و معاملات و پاسخ آنی و الکترونیک به استعلامات ثبتی ایجاد شود فراهم کند. با ایجاد دفاتر الکترونیک مذکور، ثبت در دفتر فیزیکی متغی و دفاتر الکترونیک جایگزین دفاتر موجود می‌شود.

تبصره ۱- سازمان مکلف است در راستای الکترونیک کردن دفتر ثبت اسناد رسمی، به نحوی برنامه‌ریزی کند که دفاتر اسناد رسمی، نسخه الکترونیک پشتیبان و غیرقابل تغییر کلیه اسنادی را که به وسیله سردفتر از طریق سامانه الکترونیک سازمان تنظیم می‌شود بایگانی کنند. همچنین دفاتر اسناد رسمی مکلفند از کلیه اسنادی که در سامانه الکترونیک سازمان تنظیم می‌شود نسخه‌ای چاپی با امضای شخص یا اشخاص ذی‌ربط به عنوان پشتیبان تهیه و بایگانی کنند.

تبصره ۲- ...

۳. ماده (۱۶) طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۶- سازمان مکلف است در راستای اجرای وظایف محموله در این قانون اقدام به اصلاح ساختار و جذب نیروی انسانی مورد نیاز در چهارچوب قوانین نماید و کلیه ادارات ثبت را به فناوری نظام جامع مجهز کند.»

۴. ماده (۱۷) طرح جامع حدنگار (کاداستر) مصوب ۱۳۹۳/۴/۳ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۷- به منظور اجرای تکالیف مقرر در این قانون، شامل ایجاد واحدهای ثبتی و تجهیز آنها به فناوری نظام جامع، ایجاد زیرساخت‌های لازم، صدور اسناد مالکیت حدنگار، ماشینی کردن (مکانیزاسیون) خدمات ثبتی، توسعه نظام جامع، داده‌آمایی و بایگانی (آرشیو) الکترونیک سوابق ثبتی و تکمیل بانک اطلاعاتی مرتبط، تکمیل مرکز ملی داده‌های ثبتی، پاسخ آنی و الکترونیک به استعلامات ثبتی و ثبت آنی معاملات و ساخت، توسعه، تجهیز و تعمیر واحدهای اداری و آموزش، تأمین و ترغیب نیروی انسانی مورد نیاز، کلیه درآمدهای خدمات ثبتی سازمان به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز و همه‌ساله پنجاه درصد (۵۰٪) آن ذیل ردیف مستقل در بودجه سنواتی کشور پیش‌بینی می‌شود و به سازمان تخصیص می‌یابد.»

درآمدی پیش‌بینی نشده است ...

**آقای یزدی** - چرا درآمدی پیش‌بینی نشده است؟ اصلاً لازم نیست که درآمدی پیشنهاد بشود.

**آقای هاشمی شاهرودی** - ماده (۵)، فقط ایجاد تکلیف است.

**آقای علیزاده** - اشکال، به‌طور کامل رفع نشده است.

**آقای ابراهیمیان** - ماده (۱۵) چه می‌شود؟

**آقای علیزاده** - ماده (۱۵)، درآمد دارد.

**آقای رهپیک** - درآمد ماده (۱۵) هم قبلاً وجود داشته است؛ در آن قانون [تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، معلوم بوده است].

**آقای علیزاده** - خب، مجلس در مصوبه‌ی قبلی نگفته بود که از

این درآمد، [برای تأمین هزینه‌های این قانون استفاده شود].

**آقای یزدی** - مجلس گفته است که از ماده (۵) [هم درآمدزایی شود].

**آقای رهپیک** - این [درآمد مذکور در ماده (۱۵)]، درآمد جدیدی نیست؛ چرا؟ چون بند (ش) ماده (۵۱) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ گفته است که «سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، موظف است درآمد حاصل از فروش اطلاعات نقشه‌برداری ثبتی (کاداستر) را براساس تعرفه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد وصول و به حساب درآمد عمومی واریز نماید ...»<sup>۱</sup> از سال ۱۳۸۰ هم این درآمد را [به حساب درآمد عمومی] می‌ریخته‌اند.

**آقای علیزاده** - این حرف بنده، دلیل دارد؛ بگذارید من دلیلش را بگویم. قبلاً آنچه که سازمان ثبت اسناد [مطابق ماده (۵۱) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷] مکلف به انجام آن بود، به موجب قانون کاداستر شهری بوده که درآمد آن هم معلوم بوده است؛ آن درآمد تمام شد و رفت به کنار. الآن با این طرح، کاداستر غیر شهری را هم می‌خواهند انجام بدهند و نقشه‌های حدنگار را به خارج از شهرها توسعه بدهند.

**آقای رهپیک** - نه، این قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، در خصوص درآمدهای کاداستر، قیدی ندارد.

**آقای علیزاده** - چرا دیگر. ماده (۱۵۶) قانون مصوب ۱۳۵۱<sup>۲</sup>

**آقای علیزاده** - ماده (۱۵) این است: «سازمان مکلف است در صورت تقاضا، نقشه‌های حدنگار را در قبال وصول هزینه، به مالک یا قائم‌مقام وی یا دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط ارائه کند.»

**آقای رهپیک** - ماده (۵) که اصلاً تکلیف است؛ ماده (۵) که درآمدزا نیست!

**آقای علیزاده** - ماده (۵) چه گفته است؟

**آقای رهپیک** - ماده (۵) گفته است که [سازمان ثبت مکلف است کلیه اقدامات حقوقی و ثبتی انجام‌شده بر املاک موضوع این قانون را] در آن سامانه‌ی نظام جامع ثبت کند.

**آقای شب‌زنده‌دار** - نه، گفته است «در قبال وصول هزینه»، [این اقدامات را انجام بدهد].

**آقای هاشمی شاهرودی** - در ماده (۱۵)، عبارت «در صورت تقاضا» وجود دارد.

**آقای علیزاده** - در بسیاری از این عباراتی که اینجا آمده است، اشکال وجود دارد؛ مجلس باید آن پنجاه درصد (۵۰٪) را از ماده (۱۷) حذف کند؛ چون برای آن پنجاه درصد (۵۰٪)، قبلاً محل مصرف تعیین شده و درآمد سابق است. تعیین آن به عنوان منبع، اشکال دارد. اما در قانون برنامه‌ی پنجم توسعه گفته شده است که دولت این کارها را تا پایان برنامه‌ی پنجم انجام بدهد. حالا مجلس می‌گوید که بر اساس نظام این برنامه انجام بدهید. خب این در صورتی است که منابعی برای اجرای آن پیش‌بینی نکنند. حالا ماده (۵) را بیاورید تا ببینیم که ماده (۵) درآمد دارد یا ندارد.

**آقای رهپیک** - نه، ماده (۵) که مربوط به تکلیف سازمان ثبت است.

**آقای سوادکوهی** - شما این ماده را به عنوان هزینه ذکر کرده‌اید.

**آقای رهپیک** - بله، خود ما هم [در بند (۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸ شورای نگهبان] گفتیم که ماده (۵) ایجاد هزینه می‌کند. ماده (۵) گفته است که سازمان مکلف است تا کلیه اقدامات حقوقی و ثبتی را در سامانه‌ی الکترونیکی ثبت کند.

**آقای سوادکوهی** - بله، شما ماده (۵) را به عنوان هزینه ذکر کرده‌اید.

**آقای رهپیک** - متن خود قانون، این‌طور است.

**آقای علیزاده** - به نظر من، ما باید سه تا مطلب را به مجلس بگوییم. اول اینکه اشکال سابق ما در خصوص پنجاه درصد (۵۰٪) به قوت خود باقی است. دوم اینکه در ماده (۵)،

۱. «... اعتبار مورد نیاز جهت تدارک و تجهیز و توسعه طرح نقشه‌برداری ثبتی

(کاداستر)، در لوائح بودجه کل کشور پیش‌بینی و براساس آیین‌نامه اجرایی که

توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، قابل هزینه خواهد بود.»

۲. ماده (۱۵۶) قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ و



**آقای علیزاده -** آقای دکتر، ثبت اسناد تا کنون اجازه نداشته است که این کار [= حدنگاری خارج از شهرها] را انجام بدهد؛ یعنی باید نقشه برداری شهری تمام می شد تا بعد می رفتند و نقشه برداری خارج از شهرها را درخواست می کردند. الآن این مصوبه دارد این مطلب را می گوید. به نظر من، اشکال پنجاه درصدش (۵۰٪) به قوت خود باقی است. در ماده (۵) هم فعلاً درآمدی مطرح نیست. بنابراین، اشکال به طور کامل رفع نشده است.

**آقای ابراهیمیان -** کدام قسمت منظورتان است؟

**آقای علیزاده -** همین اشکال بار مالی.

**آقای ابراهیمیان -** خود مجلس قبول کرده که ماده (۵)، بار مالی دارد؛ از متن اصلاحیه برمی آید که قبول کرده اند که ماده (۵)، هزینه دارد.

**آقای علیزاده -** من هم همین را می گویم؛ می گویم اینجا اصلاً درآمدی پیش بینی نشده که ماده (۵) را منشأ ایجاد درآمد دانسته اند.

**آقای ابراهیمیان -** مجلس باید «ماده (۵)» را از عبارت ماده (۱۷) حذف کند.

**آقای علیزاده -** ما هم همین را می گوئیم. ما می گوئیم که شما گفته اید هزینه های این مصوبه، از محل درآمد ماده (۵) و ماده (۱۵) تأمین می شود؛ حال آنکه ماده (۵) اصلاً درآمدی ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** بله.

**آقای یزدی -** چرا درآمد ندارد؟

**آقای رهپیک -** اصلاً موضوع ماده (۵)، درآمدی نیست.

**آقای یزدی -** مگر ثبت اسناد، حق ثبت نمی گیرد؟

**آقای رهپیک -** آن دریافت حق ثبت، مربوط به ماده (۵) نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** آن، مربوط به ماده (۱۵) است.

**آقای ابراهیمیان -** بله، آن ماده (۱۵) است.

**آقای علیزاده -** ما قبلاً به ماده (۵) ایراد بار مالی گرفته ایم؛ گفته ایم که این ماده، بار مالی دارد.

**آقای رهپیک -** ماده (۵)، ایجاد هزینه می کند. مجلس این ماده را اشتباهی در ماده (۱۷) نوشته است.

**آقای علیزاده -** مجلس اول باید بیاید و بگوید که از محل این ثبت آنی، فلان مبلغ پول می گیریم، بعد این پول را خرج هزینه های اجرای این مصوبه می کنیم. باید این مطلب را بگوید.

**آقای ابراهیمیان -** حالا اگر ما به مجلس رفتیم و نمایندگان گفتند که ما این ماده (۵) را از متن ماده (۱۷) حذف می کنیم، ایراد بار مالی مصوبه، با این ماده (۱۵) درست می شود؟

می گوید که کاداستر شهری را انجام بدهند. آن قانون، ناظر به کاداستر شهری است.

**آقای رهپیک -** نه، این قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت است، مصوب سال ۱۳۸۰ است.

**آقای علیزاده -** می دانم که آن قانون مصوب سال ۱۳۸۰ اصلاً نگفته است که سازمان، کاداستر غیر شهری را انجام بدهد، بلکه فقط گفته است که سازمان در مقابل این نقشه برداری و عکس برداری، پول بگیرد. اما آن قانون گفته بود در مقابل آنچه که الآن طبق قانون وظیفه داری نقشه برداری کنی، بابتش پول بگیر. الآن این قانون، کاداستر را به خارج شهر تسری می دهد و می گوید سازمان ثبت اسناد باید همه جا را کاداستر بدهد. آن قانون، تمام شده است، اما این قانون می گوید که این کاداستری که می خواهی تازه انجام بدهی، کاداستر این نقشه ها را بده و پول آن را بگیر. شما می فرمایید که در قانون گفته شده است تا آن پول را بگیرد. خوب، قانونی باید اول وظیفه تعیین کند که سازمان، کاداستر خارج از شهر را هم انجام بدهد، ولی تا پیش از این مصوبه ی کاداستر فعلی، قوانین سابق چنین مطلبی را نگفته بود.

**آقای رهپیک -** قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، به طور مطلق گفته است فقط سند ثبت بشود.

**آقای علیزاده -** گفته است که پول آنچه را که در آن زمان انجام دانش معمول بوده است، بگیر؛ اما الآن مصوبه ی فعلی می خواهد بگوید پول این کاداستر را بگیر. اگر می شد که کاداستر با آن قانون قبلی انجام بگیرد، دیگر این قانون فعلی را وضع نمی کردند.

**آقای رهپیک -** خوب، مشکل ثبت اسناد این چیزها که نبوده است؛ مشکل ثبت اسناد این بود که می خواستند این پنجاه درصد (۵۰٪) را بگیرند.

**آقای علیزاده -** نه، این طور نیست. آن قانون سابق به اینها چنین اجازه ای را نداده بود.

**آقای رهپیک -** اینها هر سال دارند آن مبلغ ناشی از فروش اطلاعات نقشه برداری را به خزانه واریز می کنند.



قانون اشتباهات ثبتی و اسناد معارض مصوب ۱۳۳۳، مصوب ۱۳۵۱ مجلس شورای ملی: «به منظور تشخیص حدود و موقعیت املاک واقع در محدوده شهرها و حومه نقشه املاک به صورت کاداستر تهیه خواهد شد. اداره امور املاک ثبت کل، علاوه بر وظایف فعلی خود، عهده دار تهیه املاک به صورت نقشه کاداستر خواهد بود.»

این بود که ایراد پنجاه درصد (۵۰٪) همچنان باقی است.  
**آقای علیزاده** - بله، آن اشکال، هنوز رفع نشده است. علاوه بر آن اینکه در ماده (۵)، درآمدی لحاظ نشده است. درست است که ماده (۱۵) درآمد دارد، ولی ماده (۵) درآمدی ندارد. بنابراین این ماده (۵) درآمدی ندارد تا بگوییم منبع مالی است. بنابراین اشکال سابق، به طور کامل رفع نشده است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - آن قانون مصوب ۱۳۸۰ [= قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷] به صورت مطلق آمده است.

**آقای علیزاده** - در زمان قانون مصوب ۱۳۸۰، ثبت اسناد اجازه‌ی انجام حدنگاری خارج از شهر را نداشته است.

**منشی جلسه** - اگر ایراد شورا را این‌طوری بگوییم، نتیجه‌ی اشکال فقط این می‌شود که مجلس ماده (۵) را حذف کند.

**آقای علیزاده** - نه، چرا؟ من به کمیسیون می‌روم [تا این ایراد را به درستی اصلاح کنند].

**آقای رهپیک** - مجلس باید آن پنجاه درصد (۵۰٪) را درست کند و اشکال ماده (۵) را هم رفع کند.

**منشی جلسه** - در انشاء رأی بگوییم که ایراد بار مالی برطرف نشده است؛ ماده (۵) را ننویسیم.

**آقای علیزاده** - شما بنویسید که درآمدی در ماده (۵) وجود ندارد. این مطلب را باید بگوییم.

**آقای مدرسی یزدی** - حالا فرض کنید که درآمد کافی برای اجرای این مصوبه باشد؛ چون در ماده (۱۵) که وصول درآمد پیش‌بینی شده است، این‌طوری می‌گوید که هر سال برای

ارائه‌ی نقشه‌های حدنگار به مالکان، تعرفه‌ای وضع کنند ...

**آقای ابراهیمیان** - بله.

**آقای مدرسی یزدی** - ... معنای این ماده این است که تعرفه را به اندازه‌ی هزینه‌های پیش‌بینی شده برای اجرای این مصوبه مقرر کنند. چه اشکالی دارد که این‌طوری بگوییم؟

**آقای علیزاده** - این، بحث دیگری است. حالا فعلاً بگذارید که این مصوبه به مجلس برگردد.

**آقای ابراهیمیان** - نه، ما می‌خواهیم که همین مطلب را در کمیسیون درست کنیم.

**آقای مدرسی یزدی** - خب، باید بفهمیم که چه‌طوری این را درست کنیم.

**آقای ابراهیمیان** - نمایندگان در کمیسیون‌ها می‌پرسند که ما باید چه کار کنیم که شما این ماده را تأیید کنید؟

**آقای علیزاده** - نه، ما باید بگوییم که چون درآمدی در این مصوبه وجود ندارد، اشکال ما به طور کامل رفع نشده است.

**آقای ابراهیمیان** - نه، عرضم این است که مجلس گفته است هزینه‌های این مصوبه، از محل درآمدهای مواد (۵) و (۱۵) تأمین می‌شود. اگر مجلس ماده (۵) را از متن ماده (۱۷) حذف کرد و گفت که هزینه‌ها از محل درآمد ماده (۱۵) تأمین می‌شود، ایراد بار مالی این مصوبه حل می‌شود؟

**آقای علیزاده** - نه، ما می‌گوییم که اشکال پنجاه درصد (۵۰٪) به قوت خودش باقی است. در ماده (۵) هم درآمدی پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین اشکال سابق، به طور کامل رفع نشده است.

**آقای شبزنده‌دار** - درآمدها، چطوری تأمین می‌شود؟

**آقای ابراهیمیان** - از ما می‌پرسند که این ماده را چگونه اصلاح کنیم.

**آقای علیزاده** - ما قبلاً هم گفته‌ایم که ماده (۵) بار مالی دارد؛ چون بر اساس آن باید کاری انجام شود. حالا مجلس باید بگوید که می‌خواهند حدنگار را مجانی انجام بدهند یا می‌خواهند برای انجام آن پول بگیرند [تا با آن پول، هزینه‌های اجرای این مصوبه را تأمین کنند]. ما داریم همین را می‌گوییم که این مصوبه‌ی فعلی، اقتضای مجانی بودن را دارد.

**آقای سلیمی** - شما می‌دانید که انجام این کارها اقتضای اخذ هزینه را دارد. شما که می‌دانید ثبت اسناد بابت این کارها هزینه دریافت می‌کند.

**آقای رهپیک** - این مطلب، در ماده (۵) که نیامده است. ماده (۵) فعلاً برای ثبت اسناد فقط تکلیف مشخص کرده است.

**آقای علیزاده** - بله.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این مصوبه گفته است که انجام حدنگاری مجانی است.

**آقای علیزاده** - حضرات آقایانی که این عرض بنده را قبول دارند، به این مطلب رأی بدهند.

**آقای رهپیک** - اشکال که رفع نشده است؛ این مطلب که روشن است.

**آقای علیزاده** - خیلی خب.

**آقای سلیمی** - مجلس باید برای رفع اشکال، ماده (۵) را درآمدی کند، بعد [آن را یکی از منابع مالی اجرای مصوبه قرار بدهد].

**منشی جلسه** - تقریر اشکال را لطف کنید بفرمایید. یک اشکال

## طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی (اعاده شده از شورای نگهبان)

**منشی جلسه - «طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی (اعاده شده از شورای نگهبان)»<sup>۱</sup> ما [در بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان] گفته بودیم: «۱- تبصره ماده (۳)،<sup>۲</sup> از این حیث که مشخص نیست آیا تغییر سِمَت یا محل خدمت قضات سازمان با رعایت اصل (۱۶۴) قانون اساسی انجام می پذیرد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» الآن این تبصره را این طور اصلاح کرده اند: «تبصره ماده (۳) به شرح زیر اصلاح می شود:**



درآمدی پیش بینی نشده است تا بار مالی مربوطه را تأمین کند؛ بنابراین اشکال سابق این شورا، به طور کامل رفع نشده است.

تذکرات:

- ۱- در ماده (۸)، واژه «جغرافیای» به «جغرافیایی» اصلاح شود.
- ۲- در ماده (۲۰)، قانون مذکور مصوب سال ۱۳۵۱ است، نه سال ۱۳۱۰ که باید اصلاح گردد.
- ۳- طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی، طبق اصل (۸۵) قانون اساسی در تاریخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی رسید که مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ با اجرای آزمایشی آن به مدت سه سال موافقت کرد. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه شماره ۲۰۱/۱۳۱۴۴ مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۱ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع در سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله اول رسیدگی در جلسات مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۰، ۱۳۹۳/۳/۲۱، ۱۳۹۳/۳/۲۸، ۱۳۹۳/۴/۴ و در مرحله دوم در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه های شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ و ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۳/۷/۸ مجلس، این مصوبه در مرحله سوم رسیدگی در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۲۳۱۸ مورخ ۱۳۹۳/۷/۳۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

- ۳- تبصره ماده (۳) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳- ... تبصره- ایجاد تشکیلات قضایی و اداری در سازمان قضایی و انتصاب قضات سازمان و تغییر سِمَت یا محل خدمت آنان به تشخیص رئیس قوه قضائیه است.»

**آقای علیزاده -** از من می پرسند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** حالا هر کسی که اشکال این ماده را درست کرد، بعد از آن، مصوبه ی اصلاحی به اینجا می آید و می بینیم که آیا دوباره اشکال دارد یا نه؟

**آقای مدرسی یزدی -** این مسئله روشن بشود.

**آقای رهپیک -** مجلس باید منبع جدید پیش بینی کند.

**آقای علیزاده -** الآن این مصوبه، سه تا منبع را ذکر کرده است. یکی اینکه به طور کامل گفته اند که آن وظیفه ای که دولت در برنامه دارد، انجام بدهد. خود این مقداری از اشکال این بار مالی را رفع می کند. این موضوع را از بعضی از آقایان [= اعضای شورای نگهبان] پرسیدم؛ گفتند که این را قبول داریم. دوم، گفته اند که از ماده (۱۵) تأمین هزینه می شود. آنچه مسلم است، این است که ماده (۱۵) درآمدهایی دارد. اما این مصوبه آمده است و گفته است که ماده (۵) هم منبع مالی است، اما ماده (۵) فعلاً هیچ درآمدی ندارد.

**آقای مدرسی یزدی -** معلوم است که ذکر ماده (۵) اشتباه است.

**آقای رهپیک -** این مصوبه، باید منبع جدیدی برای کسب درآمد معرفی کند. اشکال ما به این مصوبه این بود که منبع جدید درآمدی در آن پیش بینی نشده است.

**آقای علیزاده -** یعنی مثلاً اگر تا الآن ثبت اسناد برای ثبت آئی، پولی نمی گرفته است، باید بگویند که طبق تعرفه های قانونی پول بگیرد.

**آقای مدرسی یزدی -** حالا اگر همان درآمدهای قبلی [ناشی از ماده (۱۵)] را هم گسترش بدهند، عیبی ندارد.

**آقای رهپیک -** اگر این مصوبه، دارد منبع جدیدی تولید می کند، بله ایرادی ندارد؛ ولی اگر منبع جدیدی ایجاد نمی کند، این مصوبه اشکال دارد.

**آقای مدرسی یزدی -** منبع جدیدی درست می کند؛ چون این مصوبه، کاداستر را توسعه می دهد.<sup>۱</sup>

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۳ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۵/۳۹۰۰۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۹ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۱۴۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۸، طرح جامع خلدنگار (کاداستر) کشور که با اصلاحاتی در جلسه مورخ پنجم شهریورماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، نظر شورا به شرح زیر اعلام می گردد: - اشکال بند (۵) این شورا در خصوص پنجاه درصد (۵۰٪) مذکور در ماده (۱۷) کماکان به قوت خود باقی است؛ علاوه بر این در ماده (۵)،



(۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. همچنین تبصره این ماده نسبت به موردی که بدون اخذ نظر مشاور، برای قاضی صدور رأی امکان پذیر نباشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.<sup>۴</sup>  
**آقای علیزاده** - این ماده هم حذف شده است.<sup>۴</sup>  
**آقای یزدی** - تبصره‌ی این ماده هم حذف شده است.  
**آقای علیزاده** - حذف شده‌ها را رها کنید.

**منشی جلسه** - [بند (۱) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:] «۱- در بند (ب) ماده (۱۶)،<sup>۵</sup> تاریخ مذکور، تاریخ تصویب در مجلس شورای اسلامی است، نه کمیسیون قضایی و حقوقی که باید اصلاح شود.» [الآن این بند، به این صورت اصلاح شده است:] «از انتهای بند (ب) ماده (۱۶)، عبارت «کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی» حذف می‌شود.»

**آقای هاشمی شاهرودی** - برخی از این حذف کردن‌ها مشکل ایجاد می‌کند. مثلاً الآن ماده (۷) این مصوبه، معنایش این است که هرگونه تخلف از این مقررات، موجب انفصال از سه ماه تا یک سال است. این میزان مجازات برای بعضی از این تخلفات خیلی زیاد است؛ یعنی واقعاً ظلم است، اجحاف است؛ چون اگر شخصی یک تخلف جزئی کرده است هم به مدت سه ماه از خدمت و کل کار او را منقض می‌کنند. موضوع «محرومیت از خدمات دولتی» - که در ماده‌ی (۷) پیشین آمده بود - یک تهدیدی برای متخلفان بود و درست هم بود که البته باید مراتب آن را مشخص می‌کردند؛ یعنی مجلس نباید آن را حذف می‌کرد، بلکه بایستی آن را مبین می‌کردند.

**آقای علیزاده** - بله.

**آقای هاشمی شاهرودی** - باید محرومیت از خدمات دولتی را مشخص می‌کردند. اگر این طوری حذف بکنند، آن وقت برای

تبصره - ایجاد تشکیلات قضایی و اداری در سازمان قضایی و انتصاب قضات سازمان، همچنین تغییر سمت یا محل خدمت آنان با رعایت اصل یکصد و شصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی به تشخیص رئیس قوه قضائیه است. رئیس سازمان قضایی می‌تواند پیشنهادهای خود را در موارد مزبور به رئیس قوه قضائیه ارائه نماید.»

**آقای یزدی** - قاعداً اشکال رفع شده است.

**آقای علیزاده** - با توجه به اصلاح به عمل آمده، اگر این ایراد را مرتفع نمی‌داند رأی بدهید.

**آقای یزدی** - اشکال رفع شده است.

**منشی جلسه** - [بند (۲) ایرادهای شورای نگهبان در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷:] «۲- در ماده (۷)،<sup>۱</sup> منظور از «محرومیت از خدمات دولتی» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» الآن مجلس، این عبارت را از ماده (۷) حذف کرده است.<sup>۲</sup>

[بند (۳) ایرادهای شورای نگهبان:] «۳- در ماده (۱۵)،<sup>۳</sup> تعیین و اعزام مشاور از میان قضات دادگاه‌ها از سوی رئیس سازمان قضایی، بدون ابلاغ رئیس قوه قضائیه، مغایر بند (۳) اصل

۱. ماده (۷) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷- تخلف از مقررات مواد (۵)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۹) و تبصره (۳) ماده (۳۹) این قانون، به حکم دادگاه نظامی، موجب محرومیت به انفصال از شغل از سه ماه تا یک سال یا محرومیت از خدمات دولتی از سه ماه تا شش ماه می‌شود.»

۲. اصلاحیه‌ی ماده (۷) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۵/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «در سطر آخر ماده (۷)، عبارت «یا محرومیت از خدمات دولتی از سه ماه تا شش ماه» حذف می‌شود.»

۳. ماده (۱۵) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۵- هرگاه دادگاه نظامی دو، اخذ نظر مشاور را ضروری بداند، می‌تواند تقاضای مشاور نماید. در این صورت، حسب مورد رئیس سازمان قضایی استان مربوط و در مرکز، رئیس سازمان قضایی مکلف است از میان قضات دادگاه‌ها نسبت به تعیین و اعزام مشاور اقدام نماید. مشاور مکلف است پرونده را به طور دقیق مطالعه و بررسی کند و حداکثر ظرف پنج روز پس از ختم رسیدگی، نظر مشروح و مستدل خود را به طور کتبی اعلام نماید. تخلف مشاور از این امر موجب محرومیت انتظامی تا درجه سه است.»

تبصره - چنانچه مشاور ظرف مهلت مقرر، نظر مشورتی خود را به دادگاه تسلیم نکند، قاضی دادگاه خود تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کند و در هر صورت دادگاه مکلف است حداکثر ظرف یک هفته از پایان مدت مقرر یا وصول نظر مشاور، مبادرت به انشای رأی نماید.»

۴. اصلاحیه‌ی ماده (۱۵) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۵/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده (۱۵) و تبصره آن حذف می‌شود.»

۵. ماده (۱۶) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۶- به جرائم نظامیان زیر در دادگاه و دادرسی نظامی مرکز استان رسیدگی می‌شود.»

الف- نظامیان دارای درجه سرهنگی که در محل سرتیپ دومی و بالاتر شاغل می‌باشند.

ب- نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی در صورتی که مشمول مقررات ماده (۳۰۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی نباشند.»

تخلفات خفیف، مجازات اشد تعیین می شود.

**آقای مدرسی یزدی** - حالا باید دوباره مقرراتش را مرور بکنیم تا ببینیم چیست.

**آقای هاشمی شاهرودی** - نه، محرومیت از خدمات دولتی از سه ماه تا شش ماه را این دفعه حذف کرده اند.

**آقای علیزاده** - به نظر می رسد محرومیت از خدمات دولتی اشد از انفصال از خدمات دولتی است. بالاخره ما در بررسی قبلی این مصوبه، نفهمیدیم این عبارت «یا محرومیت از خدمات دولتی» یعنی چه؟ معنایش برایمان روشن نبود.

**آقای هاشمی شاهرودی** - محرومیت از خدمات دولتی یعنی مثلاً نمی تواند برای ریاست جمهوری کاندیدا بشود.

**آقای علیزاده** - نه، این را نمی گوید.

**آقای ابراهیمیان** - گفته بودند از خدمات دولتی محروم بشود.

**آقای مدرسی یزدی** - محرومیت از خدمات دولتی، یعنی اینکه مثلاً به او یارانه ندهند.

**آقای علیزاده** - بله، آقایان [اعضای شورا در مرحله قبلی بررسی این مصوبه] این معنا را گفتند؛ مثلاً به آن فرد جواز شهرداری ندهند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این مجازات خیلی کمتر و پایین تر از انفصال از خدمت است.

**آقای علیزاده** - آقا [ی هاشمی شاهرودی] می فرمایند آن مجازات [محرومیت از خدمات دولتی] که گفتیم معنای آن را روشن کنند، خفیف تر از مجازات انفصال از خدمت بود.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، آنچه که حذف شده است، خفیف تر بود. الآن، مجازات همه ی تخلفات، شدید شده است.

**آقای اسماعیلی** - ماده (۷) قبلی، کلمه ی «یا» داشت؛ در آن ماده آمده بود: «... موجب محکومیت به انفصال از شغل از سه ماه تا یک سال یا محرومیت از خدمات دولتی از سه ماه تا شش ماه می شود.»

**آقای علیزاده** - بله، انتخاب مجازات در اختیار قاضی بود. منظور آقای هاشمی شاهرودی هم همین است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، باید دست قاضی آزاد باشد؛ یعنی بر اساس حکم ماده (۷) قبلی، دست قاضی بر حسب مراتب باز بود، اما حالا این کلمه ی «یا» را حذف کرده اند و لذا مجازات همه ی تخلفات، یکی می شود. در ماده ی قبلی، علاوه بر انفصال از خدمت از سه ماه تا یک سال، مجازات محرومیت از خدمات دولتی از سه ماه تا شش ماه هم بود.

**آقای یزدی** - کمیسیون قضایی و حقوقی که این مجازات ها را درجه بندی نکرده بود که با حذف یکی از آن مجازات ها، عبارت این ماده مشکل پیدا کند.

**آقای مدرسی یزدی** - تخلفات مربوط به مقررات مواد (۵)، (۴۲)، (۴۳) و (۴۹) چیست که این اشکال، واقعاً مؤثر باشد.

**آقای علیزاده** - سابقه ی این پرونده را به من بدهید تا برای آقایان یکی دو تا از این مواد را بخوانم تا ببینیم چه می شود. اگر آقایان [اعضای شورای نگهبان] این مجازات را شدید بدانند، می توانند بفرمایند که تعیین این مجازات، خلاف است و الا می فرمایند این ماده، اشکالی ندارد.

**آقای مدرسی یزدی** - مغایرتش، مغایرت با شرع می شود.

**آقای یزدی** - «ماده ۱۶- به جرائم نظامیان زیر در دادگاه و دادسرای نظامی مرکز استان رسیدگی می شود:

الف- نظامیان دارای درجه سرهنگی که در محل سرتیپ دومی و بالاتر شاغل می باشند.

ب- ...»

**آقای علیزاده** - ماده (۵) را می خوانم. «ماده ۵- هرگاه در اثر وقوع جرم، ضرر و زیان مادی به نیروهای مسلح وارد شود، یگان مربوط مکلف است تمام ادله و مدارک خود را به مرجع تعقیب تسلیم کند و نیز تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است، اما نیازی به پرداخت هزینه دادرسی ندارد.» ماده (۷) گفته است اگر این آقا در طی این مهلت درخواست ضرر و زیان و ادله ی آن را ندهد، مجازات می شود.

**آقای مدرسی یزدی** - عیبی ندارد که چنین شخصی سه ماه از شغلش کنار برود؛ فردی که این قدر نسبت به وظایف خودش بی خیال است، [ایرادی ندارد که به انفصال از شغل از سه ماه تا یک سال محکوم بشود].

**آقای ابراهیمیان** - آن قاضی مربوطه [مجازات می شود؟]

**آقای مدرسی یزدی** - نه.

**آقای علیزاده** - نه، مسئول آن دستگاه. بعدی، ماده (۴۲) است که آن را هم برای شما می خوانم. «ماده ۴۲- در موارد ضروری که به تشخیص قاضی رسیدگی کننده، انجام تحقیقات مقدماتی، جمع آوری دلایل، بررسی صحنه جرم یا انجام کارشناسی به ضابطان یا کارشناسان خارج از یگان محول می شود، فرمانده یگان محل وقوع جرم، مکلف به همکاری با آنان است. همچنین وی می تواند به منظور رعایت مقررات و نظامات راجع به اسرار

نظامی، یک نفر نماینده برای همراهی با مأموران یا کارشناسان معرفی نماید.» این می‌گوید نمی‌تواند وظیفه‌اش را انکار کند.

**آقای مدرسی یزدی** - این هم عیبی ندارد.

**آقای علیزاده** - البته همه‌ی این مجازات‌ها هم قابل تبدیل است، نه اینکه قابل تبدیل نباشد.

**آقای مدرسی یزدی** - اگر قابل تبدیل هم نبود، اشکالی نداشت.

**آقای علیزاده** - بله، ماده (۴۳) می‌گوید: «ماده ۴۳- دادستان نظامی به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یکبار مورد بازرسی قرار می‌دهد و در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می‌شود، قید و دستوره‌های لازم را صادر می‌کند. مسئولان یگان مربوط مکلف به همکاری هستند.» یعنی ماده (۷)، هم برای دادستان نظامی مجازات تعیین کرده است و هم برای آن یگان.

**آقای مدرسی یزدی** - ماده (۴۹) و تبصره (۳) ماده (۳۹) را هم بخوانید.

**آقای علیزاده** - ماده‌ی بعدی: «ماده ۴۹- قضات سازمان قضایی می‌توانند در یگان‌های نظامی و انتظامی با اطلاع فرمانده یگان یا رئیس یا مسئول قسمت مربوط، تحقیقات و اقدامات لازم را درباره جرائمی که در صلاحیت آنان است خود یا از طریق ضابطان نظامی انجام دهند. مسئولان و فرماندهان نظامی و انتظامی در این رابطه مکلف به همکاری می‌باشند.»

**آقای مدرسی یزدی** - تبصره (۳) ماده (۳۹) را هم بخوانید.

**آقای علیزاده** - «تبصره ۳- اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضایی عمومی در یگان‌های نظامی و انتظامی به عهده ضابطان نظامی مربوط است.» یعنی اگر تصمیمات و دستورهای مراجع قضایی را اجرا نکردند، به انفسال از خدمت از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شوند. موارد تخلف [که طبق ماده (۷) موجب انفسال از خدمت از سه ماه تا یک سال می‌شود] همین‌ها است که قرائت کردم. حالا اگر آقایان، این ماده (۷) را دارای اشکال می‌دانند، بفرمایند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - یعنی اگر یک سرهنگی یا یک سرداری یکی از این کارها را کرد، او را سه ماه از خدمت منفصل می‌کنند.

**آقای ابراهیمیان** - بله، او را سه ماه از خدمت منفصل می‌کنند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - می‌گویند برای این جرم، مجازات شدید [در نظر گرفته شده است].

**آقای مدرسی یزدی** - خب خلاف نکند دیگر؛ چنین شخصی

خلاف کرده است. این افراد، وظیفه‌ی خودشان را انجام نداده‌اند. ماده (۷) فقط می‌گوید مجازات آنها انفسال از خدمت است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - مجازات انفسال از خدمت، خیلی سخت است.

**آقای علیزاده** - البته می‌توانند با اعمال تخفیف، این مجازات را به مجازات دیگری تبدیل بکنند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چطوری آن را به مجازات خفیف‌تری تبدیل بکنند؟ با چه تخفیفی؟

**آقای علیزاده** - جزای نقدی.

**آقای هاشمی شاهرودی** - معلوم نیست که [قانون مربوط به اعمال تخفیف] شما اینجا هم بشود؛ چون این، قانون خاص است.

**آقای ابراهیمیان** - تبدیل مجازات را در قانون مجازات اسلامی جدید نگاه کرده‌اید؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - نه، این قانون، قانون خاص نظامیان است.

**آقای علیزاده** - باشد، قانون خاص نظامیان است که قابل تخفیف است. آقای رئیس سازمان قضایی [= آقای سلیمی] شما در این موارد چه کار می‌کردید؟ مجازات‌ها را تبدیل می‌کردید یا نه؟

**آقای سلیمی** - آن وقت، ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی<sup>۲</sup>، دست قاضی را برای اعمال تخفیف باز می‌گذاشت.

۱. ایشان در مقطعی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان همدان بوده‌اند.

۲. ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۲- دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد، جهات مخففه عبارت هستند از:

۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی.

۲- اظهارات و راهنمایی‌های متهم که در شناختن شرکاء و معاونان جرم و یا کشف اثنبیایی که از جرم تحصیل شده است مؤثر باشد.

۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل: رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی‌علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.

۴- اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که مؤثر در کشف جرم باشد.

۵- وضع خاص متهم و یا سابقه او

۶- اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.

تبصره ۱- «...»

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - خوب حالا معلوم نیست که [با تغییر قانون مجازات اسلامی] همچنان این قانون تبدیل مجازات وجود داشته باشد.

آقای علیزاده - چرا.

آقای سلیمی - آن زمان، ماده (۲۲) دست قاضی را باز می گذاشت.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا این گونه نیست.

آقای ابراهیمیان - الان، قانون جدید، قاضی را محدود کرده است. الان اختیار قاضی در تخفیف، یک مقداری محدود شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، حالا به هر حال، آقایان اعضا به این ایراد، رأی نمی دهند.

منشی جلسه - [بند (۴) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان]: «۴- در ماده (۱۷)،<sup>۱</sup> تفویض اختیار

از سوی رئیس قوه قضائیه، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. همچنین اطلاق صدور ابلاغ مأموریت موقت از سایر استانها، مغایر اصل (۱۶۴) قانون اساسی می باشد. به علاوه، در تبصره این ماده، منوط نمودن تأمین قضات مورد نیاز از میان قضات دادگاه کیفری یک یا تجدیدنظر استان مربوط به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر بند (۳) اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.» الان ماده (۱۷) را اصلاح کرده اند و تبصره‌ی آن را هم حذف کرده اند. ماده (۱۷) جدید این می شود: «ماده ۱۷- با انتخاب رئیس سازمان قضایی استان، عضویت مستشاران دادگاه تجدیدنظر نظامی در دادگاه نظامی یک استان بلامانع است.»

آقای علیزاده - اینها گفته اند خود قضات [می توانند عضو دادگاه نظامی یک شوند]!

آقای شبزنده دار - معنای این ماده‌ی اصلاحی چیست؟ مجمع مشورتی فقهی در مورد این ماده یک اشکالی نوشته است؛ گفته است: «بررسی: ماده (۱۷) اصلاحی، خلاف بند سوم اصل (۱۵۸)

قانون اساسی دانسته شد. توضیح اینکه مستفاد از بند سوم اصل (۱۵۸) قانون اساسی آن است که «تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند آن» از وظایف رئیس قوه قضائیه می باشد و عضویت مستشاران دادگاه تجدیدنظر نظامی در دادگاه نظامی یک استان توسط رئیس سازمان قضایی نوعی اعطاء سمت قضایی بوده و خلاف ذیل بند سوم اصل (۱۵۸) (خلاف تعبیر «تعیین مشاغل» و تعبیر «مانند آن») می باشد.<sup>۲</sup>

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این ماده مربوط به اصل مستشاری قضات نیست؛ اصل مستشاری را رئیس قوه قضائیه به قضات می دهد. این ماده، درست است.

آقای شبزنده دار - عضویت مستشاران دادگاه تجدیدنظر نظامی در دادگاه نظامی یک، ترفیع حساب می شود یا نمی شود؟ آقای هاشمی شاهرودی - نه، ترفیع نیست. این قاضی، در این دادگاه مستشار می شود.

آقای مدرسی یزدی - [طبق بند (۳) اصل (۱۵۸)] جابه جا شدن قاضی هم در دست رئیس قوه قضائیه است دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، دست بقیه‌ی دادگاهها است.

آقای ره‌پیک - از اول، این امکان جابه جایی در حکم رئیس قوه قضائیه برای مستشار هست.

آقای علیزاده - دادگاه تجدیدنظر با دادگاه نظامی یک در یک سطح هستند. از قدیم هم به همین شکل بوده است. اگر ما بخواهیم صدور این احکام را هم برای رئیس قوه قضائیه بگذاریم، [وقت زیادی از رئیس قوه می گیرد].

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً این طور نیست. خود رئیس قوه قضائیه حکم مستشاری قاضی را می دهد، اما اینکه این حکم مستشاری را برای چه دادگاهی داده است، باید به دادگستری برود تا معلوم شود. این امر را رئیس قوه قضائیه [به تشکیلات اداری دادگستری] واگذار کرده است.

آقای علیزاده - بله، اینکه مثلاً مستشار به دادگاه نظامی یک برود، [در حکم او درج نشده است].

آقای هاشمی شاهرودی - همین طور است؛ وقتی مستشاری بتواند مثلاً به دادگاههای تجدیدنظر فلان استان برود، رئیس کل دادگستری آن استان می گوید که او در کدام دادگاه قرار بگیرد. رئیس کل دادگستری آن استان به عنوان مدیر آن استان، این کار را انجام می دهد.

۲. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۱۷۸/ف/۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۸، قابل دسترسی در نشانی زیر: [yon.ir/OznnO](http://yon.ir/OznnO)

۱. ماده (۱۷) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۷- در صورتی که تعداد اعضای دادگاه نظامی یک یا دادگاه تجدیدنظر نظامی به حد نصاب لازم نرسد، رئیس سازمان قضایی با تفویض اختیار از سوی رئیس قوه قضائیه، می تواند قضات دادگاههای مزبور را از میان قضات دادگاههای نظامی یک و یا تجدیدنظر همان استان و یا با ابلاغ مأموریت موقت از سایر استانها تأمین نماید. تبصره- در صورت نیاز، قضات موضوع این ماده با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه از میان قضات دادگاههای کیفری یک یا تجدیدنظر استان مربوط تأمین می شود.»

به پیشنهاد فرماندهان مرقوم و موافقت رئیس سازمان قضایی، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی می‌باشد.» الآن این ماده را این‌طور اصلاح کرده‌اند: «در سطر دوم ماده (۲۰)، عبارت «با تصویب رئیس قوه قضائیه» جایگزین عبارت «بنا به پیشنهاد فرمانده کل ارتش یا سپاه یا فرمانده نیروی انتظامی و موافقت رئیس سازمان قضایی» و در انتهای ماده، عبارت «یگان مربوطه» جایگزین عبارت «همان یگان» می‌شود.»

**آقای هاشمی شاهرودی -** خیلی خوب.

**آقای علیزاده -** این اشکال هم حل شده است.

**منشی جلسه -** [بند (۶) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان]: «۶- در ماده (۲۱)، منوط کردن تشکیل دادگاه‌های مذکور به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر بند یک اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. همچنین در تبصره یک این ماده، رسیدگی به جرائم ارتکاب‌یافته از سوی غیر نظامیان در زمان جنگ در مناطق جنگی، جرائم ارتكابی ساکنان سرزمین‌هایی که در زمان جنگ تحت تصرف نیروهای مسلح ایران در می‌آید و اطلاق جرائم نظامیان خودی علیه ساکنان مناطق



فرمانده کل ارتش یا سپاه یا فرمانده نیروی انتظامی و موافقت رئیس سازمان قضایی، شعبه یا شعبی از دادرسی نظامی در محل استقرار تیپ‌های مستقل رزمی و بالاتر و یا رده هم‌تراز آنها در سایر نیروها برای مدت معین تشکیل می‌شود. تأمین محل مناسب و امکانات مورد نیاز به عهده همان یگان است.»

۲. ماده (۲۱) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۱- در زمان جنگ دادگاه‌های نظامی زمان جنگ با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه، به تعداد مورد نیاز و به منظور رسیدگی به جرائم مربوط به جنگ، در محل قرارگاه‌های عملیاتی، مراکز استان‌ها یا سایر مناطق مورد نیاز تشکیل می‌شود.

تبصره ۱- رسیدگی به جرائم مذکور در بندهای (ب) و (پ) ماده (۲۲) این قانون که توسط غیر نظامیان در زمان جنگ در مناطق جنگی ارتکاب یابد و جرائم ارتكابی ساکنان سرزمین‌هایی که در زمان جنگ تحت تصرف نیروهای مسلح ایران در می‌آید علیه نیروهای مسلح خودی و جرائم نظامیان خودی علیه ساکنان مناطق یادشده نیز در صلاحیت دادگاه‌های نظامی زمان جنگ است.

تبصره ۲- حوزه قضایی دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، حسب مقتضیات و شرایط جنگی با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

تبصره ۳- تشخیص زمان جنگ بر عهده شورای عالی امنیت ملی می‌باشد.

تبصره ۴- ...»

**آقای علیزاده -** بله، یک روزی هم وقتی در یک محلی قاضی کم می‌آورند، [رئیس کل دادگستری] به قاضی می‌گوید شما که الآن اینجا هستید، به فلان شعبه برو. یعنی رئیس قوه قضائیه برای آن مستشار، شعبه تعیین نمی‌کند. در واقع، رئیس قوه قضائیه مستشار را برای فلان شعبه‌ی خاص تعیین نمی‌کند، بلکه فرد را به عنوان مستشار دادگاه آن محل تعیین می‌کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، یعنی اگر مثلاً فلان دادگاه، قاضی نداشته باشد، رئیس دادگستری این مستشار را به آنجا می‌فرستد. رئیس سازمان قضایی استان، مستشار هر شعبه‌ای را مشخص می‌کند.

**آقای ره‌پیک -** از اول در حکم رئیس قوه قضائیه، این سیالیت وجود دارد.

**آقای یزدی -** بله، این ترفیع درجه نیست.

**آقای مدرسی یزدی -** در صورتی که رئیس قوه قضائیه دست [مسئولان قضایی محلی] را باز گذاشته باشد، [ایرادی ندارد].

**آقای ره‌پیک -** اصلاً همین‌طور است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، همین‌طور است. آن حکمی که رئیس قوه قضائیه برای مستشاری می‌دهد، مستشاری عام است؛ یعنی نمی‌گوید که این قاضی مستشار دادگاه یک یا دو یا فلان دادگاه است.

**آقای مدرسی یزدی -** اگر چنین چیزی را گفت، چه می‌شود؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** نمی‌گوید.

**آقای ره‌پیک -** نه، مستشار مثل قاضی دادگاه نیست؛ حکم مستشاری باز است. رئیس قوه قضائیه که مستشار را برای استان می‌فرستد، خود رئیس دادگستری مستشار را در استان جابه‌جا می‌کند.

**آقای مدرسی یزدی -** اگر رئیس قوه قضائیه در حکمش گفته بود که ایشان مستشار فلان شعبه است چه می‌شود؟

**آقای علیزاده -** آن زمان می‌گوید آن قاضی را برای همان شعبه بفرستید. ما به این ماده، اشکالی نداریم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این اشکال، وارد نیست.

**منشی جلسه -** [بند (۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان]: «۵- در ماده (۲۰)،<sup>۱</sup> منوط نمودن امر

۱. ماده (۲۰) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۰- در صورت ضرورت، برای رسیدگی به جرائم ارتكابی نظامیان که در صلاحیت سازمان قضایی است، بنا به پیشنهاد





یادشده، مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی می‌باشد.

به علاوه در تبصره (۲) این ماده، منوط نمودن اقدام رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر بند یک اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد. مضافاً اینکه تبصره (۳) ماده (۲۱) نیز مغایر بند (۵) اصل (۱۱۰) قانون اساسی می‌باشد. «الآن مجلس اشکالات این ماده را این‌طور اصلاح کرده است: «با حذف تبصره‌های (۱) و (۳) ماده (۲۱)، متن ماده و تبصره (۲) آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۲۱- در زمان جنگ دادگاه‌های نظامی زمان جنگ با تصویب رئیس قوه قضائیه، به تعداد مورد نیاز و به منظور رسیدگی به جرائم مربوط به جنگ با رعایت ماده (۲۲) این قانون در محل قرارگاه‌های عملیاتی، مراکز استان‌ها یا سایر مناطق مورد نیاز تشکیل می‌شود.

تبصره ۲- حوزه قضایی دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، حسب مقتضیات و شرایط جنگی با تصویب رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شود. آقای علیزاده - حالا مجلس آمده است صلاحیت دادگاه نظامی زمان جنگ را همان صلاحیت‌هایی دانسته است که برای دادگاه نظامی است. خب اگر به صلاحیت دادگاه نظامی [مذکور در ماده (۲۸)] ایراد گرفتیم، باید بگوییم ماده (۲۱) هم مبنیاً بر ایراد آن ماده [= ماده (۲۸)] ایراد دارد. اگر هم به آن ماده ایراد نگرفتیم ایراد این ماده (۲۱) هم حل می‌شود. فعلاً این ماده بماند. سراغ ماده (۲۲) برویم.

آقای ابراهیمیان - حوزه قضایی را رئیس قوه قضائیه معلوم می‌کند؟

آقای علیزاده - بله، چه اشکالی دارد؟

آقای یزدی - مگر این کار از اختیارات رئیس قوه قضائیه نیست؟

آقای علیزاده - ما به تبصره ایرادی نداریم؛ می‌گوییم که اصل ماده آمده و گفته است با رعایت ماده (۲۲) این قانون [دادگاه‌های نظامی زمان جنگ در محل قرارگاه‌های عملیاتی، مراکز استان‌ها یا سایر مناطق مورد نیاز تشکیل می‌شود]. اجازه بدهید ببینیم ماده (۲۲) چه می‌گوید.

منشی جلسه - ماده (۲۲)، ماده‌ی بعدی است.

آقای هاشمی شاهرودی - خیلی خب، سراغ ماده‌ی بعدی برویم.

منشی جلسه - [بند (۷) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:] «۷- عموم بندهای (الف) و (ب) ماده (۲۲)،<sup>۱</sup> مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی شناخته شد.» [این

ماده را این‌طور اصلاح کرده‌اند:] «در انتهای بندهای (الف) و (ب) ماده (۲۲) عبارت زیر اضافه می‌شود: «در حدود صلاحیت سازمان قضایی»؛ یعنی مثلاً عبارت بند (الف) ماده (۲۲) این‌طور می‌شود: «کلیه جرائم ارتكابی در مناطق عملیاتی در حدود صلاحیت سازمان قضایی».

آقای مدرسی یزدی - این عبارت «در حدود صلاحیت سازمان قضایی»، آن اشکال مربوط به دادگاه‌های نظامی زمان جنگ را حل کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - خوب است دیگر.

آقای علیزاده - بله. حالا اگر آن اشکال مربوط به صلاحیت دادگاه‌های نظامی حل بشود، ایراد اینجا هم حل است.

منشی جلسه - [بند (۸) نظر شورای نگهبان:] «۸- در تبصره ماده (۲۶)،<sup>۲</sup> منوط کردن تصویب رئیس قوه قضائیه به پیشنهاد رئیس سازمان قضایی، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.» الآن این ایراد را این‌طور اصلاح کرده‌اند: «در تبصره ماده (۲۶)، عبارت «پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و» حذف می‌شود.»

آقای ره‌پیک - یعنی کلاً انحلال دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، با تصویب رئیس قوه قضائیه شد.

آقای علیزاده - این هم حل شد. برویم. اصل ایراد این مصوبه، صلاحیت‌های سازمان قضایی در ماده (۲۸) است. ایراد اصلی ما به آنجا بود. اگر ماده (۲۸) اصلاح شده باشد، اشکال آن دو تا ماده هم که در بالا ایراد آن خوانده شد [= مواد (۲۱) و (۲۲)]، اصلاح می‌شود.

منشی جلسه - [بند (۹) نظر شورای نگهبان:] «۹- در ماده (۲۸)،<sup>۳</sup>

→

مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۲- جرائم مربوط به جنگ که توسط نظامیان ارتكاب می‌یابد و در دادگاه زمان جنگ رسیدگی می‌شود، عبارتند از:

الف- کلیه جرائم ارتكابی در مناطق عملیاتی

ب- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی

پ- جرائم مربوط به امور جنگی مرتبط با اقدام عملیاتی، گرچه محل وقوع آن خارج از مناطق عملیاتی باشد.»

۲. ماده (۲۶) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۶- پس از انحلال دادسرا و دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، پرونده‌های مربوط حسب مورد در دادسرا و دادگاه‌های نظامی صالح برابر مقررات دادرسی زمان صلح رسیدگی می‌شود.

تبصره- دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، با پیشنهاد رئیس سازمان قضایی و تصویب رئیس قوه قضائیه منحل می‌شوند.»

۳. ماده (۲۸) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی

←

۱. ماده (۲۲) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی

←

ترتیب اصلاح کرده‌اند: «ماده (۲۸) و تبصره‌های آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۲۸- به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضایی رسیدگی می‌شود.

تبصره ۱- رسیدگی به جرائمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده‌اند در دادگاه‌ها و دادسراهای سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود، مادامی که از آن عدول نشده در صلاحیت این سازمان است.

تبصره ۲- «...»

**آقای علیزاده -** تبصره (۱) را بر اساس آن تذکری که در آخر نظرمات [= بند (۳۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷] داده بودیم اصلاح کرده‌اند. ما گفتیم: «۳۳- بدیهی است در خصوص صلاحیت محاکم سازمان قضایی نیروهای مسلح، در مواردی که امام علیه‌الرحمه و مقام معظم رهبری مدظله‌العالی اجازه فرموده‌اند، مادامی که از آن عدول نشده، کماکان به قوت خود باقی است.» چون سازمان قضایی بر اساس فرمان امام (ره) و مقام معظم رهبری، رسیدگی به برخی از جرائم را در دادگاه نظامی انجام می‌دادند. حالا مجلس آمد و این موضوع را در بحث صلاحیت سازمان قضایی، داخل قانون کرد. ما به بندهای ماده (۲۸) ایراد گرفته بودیم و در عین حال، گفتیم بدیهی است آن مواردی را که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده‌اند، مادامی که از آن عدول نشده است، می‌تواند به قوت خودش باقی باشد. اینها عین همان عبارت ما را در متن قانون آورده‌اند. می‌خواستند چیزهای دیگری را هم در این ماده بیاورند، ولی ما نگذاشتیم.

«... تبصره ۲- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی که طبق قانون و مقررات به عهده آنان است مرتکب گردند.

تبصره ۳- رهایی از خدمت، مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود.

تبصره ۴- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابط آن در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند.»

**آقای ره‌پیک -** تبصره (۴)، اشکال تائیدی دارد؛ کلمه «ضابطان» است، نه «ضابط آن».

عموم بند (ب)، عموم صدر بند (پ)، قسمت اخیر بند (پ)، بند (ت)، بند (ث)، عموم صدر بند (ج) نسبت به غیر موارد مذکور در اصل (۱۷۲) قانون اساسی و ذیل بند (ج)، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشد.

به علاوه بند (چ) این ماده، چون شامل کلیه افراد ولو افراد غیر نظامی و غیر انتظامی نیز می‌گردد اشکال دارد. همچنین چون عموم جرائم مرتبط شامل جرائم غیر موارد مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی هم می‌شود، اشکال دارد.

مضافاً بر این، اطلاق صدر بند (ح) این ماده، نسبت به مواردی که لازمه خدمت مقامات مذکور نیست نیز می‌گردد، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشد.

همچنین در تبصره یک این ماده، اطلاق آن به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم شامل جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی هم می‌شود، اشکال دارد.» الآن ماده (۲۸) را به این

→

الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۸- رسیدگی به جرائم زیر در صلاحیت سازمان قضایی است:

الف- جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضای نیروهای مسلح، به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری

ب- جرائم در حین اجرای وظیفه و یا در محل خدمت اعضای نیروهای مسلح، به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری

پ- جرائم اعضای نیروهای مسلح علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در زمان خدمت و نیز تا پنج سال پس از خاتمه خدمت

ت- کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر و روانگردان‌ها، ارتكابی توسط اعضای نیروهای مسلح

ث- جرائم کارکنان وزارت اطلاعات در صورتی که با وظایف خاص آنان یا اطلاعات طبقه‌بندی شده جمهوری اسلامی ایران مرتبط باشد.

ج- جرائم اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح در مدت اسارت و همچنین جرائم اسرای بیگانه در مدت اسارت آنان در ایران

چ- جرائم خاص مرتبط با وظایف انتظامی کارکنان یگان‌های حفاظت سازمان‌های مشمول دستورالعمل تشکیل یگان‌های حفاظت دستگاه‌های کشوری مصوب فرماندهی کل قوا

ح- کلیه جرائم کارکنان نیروهای مسلح با جایگاه نوزده به بالا به استثنای جرائم بر ضد حقوق و تکالیف خانواده.

تبصره ۱- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم با وظایف و مسئولیت‌هایی که طبق قانون و مقررات بر عهده آنان است مرتکب شوند.

تبصره ۲- رهایی از خدمت، مانع رسیدگی به جرائم زمان اشتغال در دادگاه نظامی نمی‌شود.

تبصره ۳- جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای مقام قضایی دادگستری مرتکب می‌شوند.»

**آقای ابراهیمیان -** اگر متن خاصی در قانون نباشد، وقتی آن فرد دیگر استاندار نیست، این سؤال پیش می‌آید که آیا الآن که دیگر استاندار نیست هم باید پرونده‌ی جرمی را که در زمان تصدی استانداری انجام داده است، به آنجا [= دادگاه رسیدگی‌کننده به جرائم استانداران] ببریم یا نه؟

**آقای عزیزاده -** آنچه که موجب این صلاحیت شده است، آن وظایف خاص نظامی است، نه نظامی بودن شخص؛ یعنی وظایف خاص نظامی آن فرد، اقتضای این را می‌کند که به جرم آن فرد، در سازمان قضایی رسیدگی بشود.

**آقای ابراهیمیان -** [موضوع اصل (۱۷۲)] جرائم خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

**آقای عزیزاده -** بله، جرائم نظامیان را آورده است؛ چون غیر نظامیان که وظایف خاص نظامی ندارند. این اصل، نظامیان را برای این هدف آورده است، نه اینکه بخواهد بگوید حتماً موقع رسیدگی هم باید نظامی باشد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای عزیزاده -** الآن این ماده (۲۸) اصلاحی اشکالی دارد؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، اشکالش رفع شده است.

**آقای ابراهیمیان -** نه، تبصره (۳)، در واقع دارد یک تفسیری از اصل (۱۷۲) قانون اساسی ارائه می‌دهد.

**آقای یزدی -** فرد، موقع ارتکاب جرم، نظامی بوده است ولی بعداً بازنشسته شده است. رسیدگی به این جرم در دادگاه نظامی، مشکلی ندارد.

**آقای عزیزاده -** بله، اصلاً اقتضای این عمل [= جرم مربوط به وظایف نظامی و انتظامی] این است که در دادگاه نظامی به آن رسیدگی بشود. شخص از حالت نظامی بودن درآمده است، ولی جرم که از حالت نظامی درنیامده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** جرم ارتكابی در حال نظامی بودن انجام شده است.

**آقای شب‌زنده‌دار -** مجمع مشورتی فقهی، به تبصره (۱) یک ایرادی گرفته است که من عرض می‌کنم.

**آقای عزیزاده -** بفرمایید.

**آقای شب‌زنده‌دار -** تبصره (۱) سابق این طور بوده است: «تبصره ۱- منظور از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، جرائمی است که اعضای نیروهای مسلح به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم با وظایف و مسئولیت‌هایی که طبق قانون و مقررات بر عهده آنان است مرتکب شوند.»

**منشی جلسه -** نه، [اشکالش این است که] فعل آن به صورت جمع آمده است.

**آقای ره‌پیک -** فعلش که «مرتکب می‌شوند» است دیگر.

**آقای عزیزاده -** اگر منظورتان این است که «ضابط آن در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط ...»

**آقای ره‌پیک -** «ضابط آن» غلط است؛ کلمه‌ی «ضابطان» درست است.

**آقای عزیزاده -** «ضابطان» درست است؛ باید این عبارت را اصلاح کنند. این، یک تذکر است؛ فعلاً یک تذکر در خصوص تبصره (۴) داریم.

**آقای ره‌پیک -** تاپ این کلمه اشکال دارد.

**آقای ابراهیمیان -** در مورد تبصره (۳)، از قانون اساسی چه بر می‌آید؟ آیا [از اصل (۱۷۲) قانون اساسی بر می‌آید که] اگر افراد نظامی از خدمت رها بشوند، باز باید به جرائم زمان اشتغالشان در دادگاه‌های نظامی رسیدگی شود؟

**آقای عزیزاده -** بله، خوب معلوم است؛ چون باید مجازات خاص همان زمان اشتغالشان را به آنها بدهند. اگر جرم ارتكابی مربوط به وظایف خاص نظامی این افراد باشد، چه اشکالی دارد؟

**آقای اسماعیلی -** اگر آن جرم، مربوط به وظایف خاصشان باشد، ایرادی ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** چرا آخر؟ اصل (۱۷۲) گفته است به جرائم خاص نظامی [در محاکم نظامی رسیدگی می‌شود]. حالا که اصل (۱۷۲) تعبیر «نظامیان» را گفته است، آیا ظهور در این ندارد که موقع رسیدگی هم آن شخص باید نظامی باشد؟ در اینجا بحث مشتق [= دلالت مشتق، بر تلبس به مبدأ در زمان حال] پیش می‌آید.

**آقای عزیزاده -** اگر گفتند یک استاندار در زمان استانداری جرمی را مرتکب شده است، به آن جرم در کجا رسیدگی می‌شود؟

۱. «... به عقیده اصولی‌ها، اطلاق مشتق بر افراد یا اشیاء در حال تلبس به مبدأ اشتقاق، حقیقت است و اطلاق آن بر افراد یا اشیایی که در آینده متلبس می‌شوند، مجاز است؛ ولی اطلاق مشتق در حال بر «ما انقضی عنه التلبس» یعنی ذاتی که قبلاً تلبس به مبدأ داشته و الآن ندارد، اختلافی است و اکثر اصولیون به مجاز بودن آن اعتقاد دارند. ...» جمعی از محققان، فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۱، ۱۳۸۹، ذیل عنوان «مشتق (اصول)»، ج ۱، ص ۷۳۵، قابل دسترسی در نشانی زیر: yon.ir/OVVXf

ندارد، بلکه تنها یک تعریف است. ما باید در موضوع مربوط به صلاحیت‌ها، این تعریف را درست بکنیم.<sup>۲</sup>

**منشی جلسه -** [بند (۱۰) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان]: «۱۰- ماده (۳۰) در خصوص نظامیان غیر ایرانی، مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی شناخته شد.» مجلس این ماده را حذف کرده است.<sup>۳</sup>

**آقای مدرسی یزدی -** این ایرادها را خیلی خوب اصلاح کرده‌اند.

**منشی جلسه -** [بند (۱۱) نظر شورای نگهبان]: «۱۱- اطلاق بند (ج) ماده (۳۱)،<sup>۴</sup> چون اشخاصی غیر از اعضای دستگاه‌های

۲. بند (۱) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ شورای نگهبان: «۱- در تبصره (۴) ماده (۲۸)، واژه «ضابط آن» به «ضابطان» اصلاح شود.»

۳. ماده (۳۰) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۰- چنانچه نظامیان غیر ایرانی در داخل و یا خارج از قلمرو حاکمیت ایران، مرتکب جرائم اقدام علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، یا امنیت داخلی و خارجی، تمامیت ارضی و یا استقلال کشور گردند و به موجب قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن جرائم را داشته باشند، به اتهام آنان در دادرسی و دادگاه نظامی تهران رسیدگی می‌شود.»

۴. اصلاحیهی ماده (۳۰) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۵/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده (۳۰) حذف می‌شود.»

۵. بند (ج) ماده (۳۱) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۱- اعضای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

الف- کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

ب- کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران

پ- کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ت- کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

ث- کارکنان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

ج- کارکنان سازمان‌های حفاظت اطلاعات، عقیدتی سیاسی و نمایندگی ولی فقیه نیروهای مسلح

چ- کارکنان سازمان‌های وابسته به نیروهای مسلح

ح- کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن

خ- محصلان موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح، مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

د- کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.

**آقای علیزاده -** الآن، این موضوع در تبصره (۲) آمده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** حالا به تبصره (۲) تبدیل شده است.

**آقای ره‌پیک -** جابه‌جا شده است.

**آقای شب‌زنده‌دار -** الآن تغییراتی که در این تبصره اعمال کرده‌اند، یکی آن عبارت «به سبب خدمت» برداشته شده است که از آن ناحیه، اشکال مرتفع شده است؛ اما اشکال عبارت «در ارتباط با وظایف مستقیم» حل نشده است. این عبارت هم مورد اشکال شورای نگهبان بوده است: «... همچنین در تبصره یک این ماده، اطلاق آن به سبب خدمت یا در ارتباط مستقیم شامل جرائم غیر مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی هم می‌شود، اشکال دارد.» لذا قسمت دوم اشکالمان، باقی مانده است.<sup>۱</sup>

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، آن اشکال شورا نسبت به قسمت اول این تبصره، یعنی عبارت «به سبب خدمت» بوده است.

**آقای شب‌زنده‌دار -** پس آن تمه را برای چه ذکر کردیم؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** چون در عبارت، کلمه‌ی «یا» بوده است، آن قسمت را در ایراد آورده‌اند.

**آقای شب‌زنده‌دار -** خب من هم در جلسه‌ی مجمع مشورتی فقهی این احتمال را دادم، ولی آقایان اعضا، حتی جناب آقای مؤمن، روی این ایراد اصرار داشتند و به من هم گفتند در جلسه‌ی شورای نگهبان هم نظر من را بگویند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، مقصود از این ارتباط، مربوط بودن به وظایف نظامی و انتظامی است. ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی، قدر متیقن از اصل (۱۷۲) است.

**آقای ره‌پیک -** عبارت «ارتباط مستقیم» را هم از این تبصره برداشته‌اند.

**آقای شب‌زنده‌دار -** بله، کلمه‌ی «مستقیم» را هم برداشته‌اند.

**آقای ره‌پیک -** بله، هم عبارت «به سبب» و هم کلمه‌ی «مستقیم» را از عبارت این تبصره برداشته‌اند. فقط عبارت «در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های نظامی و انتظامی» را نوشته‌اند. آن دفعه هم عرض کردیم که این تعریف واقعاً اثری

۱. «در مورد تبصره (۱) هر چند اشکال اول شورای محترم نگهبان در مورد اطلاق نسبت به سبب خدمت رفع شده است، آلا اینکه اشکال ایشان به سبب اطلاق «در ارتباط مستقیم» به قوت خود باقی است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/۱۷۸/ف مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۸، قابل دسترسی در نشانی زیر: [yon.ir/OznnO](http://yon.ir/OznnO)

قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن جرائم را داشته باشند، به اتهام آنان در دادسرا و دادگاه نظامی تهران رسیدگی می‌شود.»

**آقای علیزاده** - موضوع این ماده، نظامیان غیر ایرانی بوده است. **آقای هاشمی شاهرودی** - ولو خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب جرم شده باشند.

**آقای ابراهیمیان** - بله.

**آقای هاشمی شاهرودی** - رسیدگی به این جرائم هم در دادگاه‌های عادی است؟

**آقای علیزاده** - بله، در دادگاه عادی است.

**آقای ره‌پیک** - این افراد، در کشور ما که نظامی نیستند.

**آقای علیزاده** - اینها نظامی ما نیستند.

**آقای ره‌پیک** - اصل (۱۷۲) برای نظامیان ما است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - به هر حال، این نظامی فرق می‌کند.

**آقای علیزاده** - ما قبلاً به این ماده ایراد گرفتیم و گفتیم که خلاف (۱۵۹) قانون اساسی است؛ گفتیم [چون طبق اصل (۱۵۹)] مرجع رسمی تظلمات، دادگستری است، اینجا هم ایراد

دارد و رسیدگی به این جرائم باید به دادگستری برود.

**آقای هاشمی شاهرودی** - الآن که [دادگاه عمومی] دادگستری، قوانین نظامی را بلد نیست تا این جرائم را برای رسیدگی به دادگستری بدهید.

**آقای علیزاده** - دادگاه قرار است به جرائم نظامیان غیر ایرانی رسیدگی کند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بالاخره اینها نظامی هستند.

**آقای علیزاده** - [رسیدگی به یک جرم در دادگاه نظامی] گاهی به این دلیل است که به مرتکب می‌خواهیم بگویم شما کارهای خلاف شئون نظامی‌گری در خارج از ایران انجام داده‌اید؛ خوب این موضوع که [در خصوص نظامیان غیر ایرانی] به ما ربطی ندارد؛ چون آن فرد، نظامی ما نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله.

**آقای علیزاده** - ما در اینجا می‌خواهیم به نظامیان غیر ایرانی بگویم که شما مرتکب جرم عمومی شده‌اید که باید به آن در دادگاه عمومی رسیدگی کنیم.

**آقای ره‌پیک** - در این فرض، نظامی غیر ایرانی که نمی‌تواند جرم نظامی انجام دهد.

**آقای علیزاده** - ما به مجلس گفتیم این ماده، مغایر اصل (۱۷۲) است؛ یعنی این ماده را حذف کن و اصل (۱۵۹) را جایگزین آن کن.

مذکور در اصل (۱۷۲) قانون اساسی را نیز شامل می‌شود، مغایر اصل (۱۷۲) قانون اساسی می‌باشد. همچنین در تبصره (۲) این ماده، اطلاق این جرم نسبت به غیر موارد مضمول اصل (۱۷۲) قانون اساسی اشکال دارد. مجلس باز این ماده را هم حذف کرده است.<sup>۱</sup>

[بند (۱۲) نظر شورای نگهبان: «۱۲- مواد (۳۳)، (۳۴) و (۳۵)،<sup>۲</sup> مغایر اصول (۱۷۲) و (۱۵۹) قانون اساسی می‌باشند.»

**آقای هاشمی شاهرودی** - الآن در این مصوبه‌ی اصلاحی، ماده (۳۰) را حذف کرده‌اند. یعنی اگر واقعاً یک نظامی در خارج از قلمرو حاکمیت ایران جرمی را مرتکب شد، طبق آن عنوان به جرم او در دادگاه‌های عادی رسیدگی می‌شود؟

**آقای علیزاده** - ماده (۳۰) چه بوده است؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - «ماده ۳۰- چنانچه نظامیان غیر ایرانی در داخل و یا خارج از قلمرو حاکمیت ایران، مرتکب جرائم اقدام علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، یا امنیت داخلی و خارجی، تمامیت ارضی و یا استقلال کشور گردند و به موجب

→

تبصره ۱- جرائم در ارتباط با وظایف خاص نظامی و انتظامی کارکنان مذکور که در سازمان‌های دیگر خدمت می‌کنند در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود....

تبصره ۲- مقصود از اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این ماده، آن دسته از اعضای بسیج می‌باشند که با حکم رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به انجام مأموریت می‌پردازند و حین انجام مأموریت مرتکب جرم می‌شوند.»

۱. اصلاحیه‌ی ماده (۳۱) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۵/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده (۳۱) و تبصره‌های آن حذف می‌شود.»

۲. مواد (۳۳)، (۳۴) و (۳۵) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳۳- هرگاه رسیدگی به اتهام فردی در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، لکن با توجه به اوضاع و احوال و کیفیت ارتکاب، در عمل با رسیدگی به جرم دیگر همان متهم که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است ملازمه داشته باشد، به آن جرم نیز در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.»

ماده ۳۴- در جرائمی از قبیل رشاء و ارتشاء که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، به اتهام کلیه متهمان در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.

ماده ۳۵- در مورد جرائم گروه مجرمانه سازمان‌یافته، در صورتی که رسیدگی به جرائم تشکیل‌دهنده جمعیت، اداره‌کننده یا طراح یا سازماندهی‌کننده آن در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، به اتهام همه متهمان در دادگاه نظامی رسیدگی می‌شود.»

**منشی جلسه** - [بند (۱۴) نظر شورای نگهبان:] «۱۴- در تبصره (۲) ماده (۵۰)، عبارت «سایر مقررات مربوط» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. همچنین شمول تبصره نسبت به تعیین تکلیف در موارد غیر نظامی، اشکال دارد.» برای اصلاح این تبصره، گفته‌اند: «تبصره (۲) ماده (۵۰) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره ۲- شرایط و نحوه تعیین کارشناس در موارد مربوط به امور نظامی، تعداد و ترکیب هیئت‌های کارشناسی، نحوه رسیدگی به تخلفات و پرداخت هزینه آنان به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری سازمان قضایی تهیه می‌شود و به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد.»

**آقای مدرسی یزدی** - من نسبت به اینجا یک شبهه‌ای دارم و آن اینکه شرایط و نحوه‌ی تعیین کارشناس، نیاز به «قانون» دارد؛ نمی‌شود تعیین آن را به «آیین‌نامه» سپرد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این بر اساس دستور فرماندهی کل قوا است؛ اشکالی ندارد.

**آقای مدرسی یزدی** - مقصود از اینکه اینها را فرماندهی کل قوا به موجب آیین‌نامه تعیین کند چیست؟ این چه حرفی است که آقا [=مقام معظم رهبری] این آیین‌نامه را تصویب کند؟!

**آقای رهپیک** - این موضوع، به تصویب خود رهبری رسیده است.

**آقای علیزاده** - بله، این به تصویب آقا [=مقام معظم رهبری] رسیده است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله دیگر.

**آقای مدرسی یزدی** - خب اگر این‌طور باشد، معلوم است که اشکالی ندارد.

۲. تبصره (۲) ماده (۵۰) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۰- در مواردی که رسیدگی به امری از نظر علمی، فنی، مالی، نظامی و یا سایر جهات نیاز به کارشناسی داشته باشد، مرجع رسیدگی‌کننده از کارشناس یا هیئت کارشناسی کسب نظر می‌نماید.  
تبصره ۱- ...

تبصره ۲- نحوه تعیین کارشناس، تعداد و ترکیب هیئت‌های کارشناسی، پرداخت هزینه و سایر مقررات مربوط، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری سازمان قضایی تهیه می‌شود و به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد.»

**آقای سلیمی** - رسیدگی به جرائم نظامیان غیر ایرانی در اینجا، به شرطی است که علیه امنیت داخلی ما اقدامی انجام دهند.

**آقای علیزاده** - بله.

**آقای رهپیک** - اگر جرمشان علیه امنیت باشد.

**آقای علیزاده** - بله، حالا هم با این اصلاحیه، نگفته‌اند که دادگستری یا دادگاه انقلاب یا هر دادگاه دیگر [به جرائم این نظامیان غیر ایرانی رسیدگی کنند].

**آقای رهپیک** - به طور کلی، دادگاه عمومی و انقلاب [حسب مورد، به جرائم اینها رسیدگی می‌کنند].

**منشی جلسه** - اصلاحیه‌ی مربوط به ماده (۳۱) را خواندم. ماده (۳۱) حذف شده است. مواد (۳۳)، (۳۴) و (۳۵) هم در این اصلاحیه، حذف شده است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - همه‌ی موادی را که به آنها ایراد گرفته بودیم، حذف کرده‌اند؛ «أصالة‌الحذفي» شده‌اند!

**آقای مدرسی یزدی** - در مصوبه‌ی قبلی برای دادگاه‌های نظامی، وظایف اضافی گذاشته بودند که خلاف قانون اساسی بود؛ به همین خاطر، در این اصلاحیه، همه‌ی آن مواد را حذف کرده‌اند.

**آقای رهپیک** - بعضی از آن مواد، واقعاً تکراری بود؛ مثل ماده (۳۱) که در سه تا ماده، مفاد آن را نوشته بودند.

**منشی جلسه** - [بند (۱۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:] «۱۳- اطلاق تبصره ماده (۴۴)؛ چون شامل اموری می‌شود که تحقیق و رسیدگی منوط به آن موارد نمی‌باشد، اشکال دارد و باید به مواردی که احتمالاً در تصمیم‌گیری قاضی مؤثر باشند، مقید گردد.» این ماده را این‌طور اصلاح کرده‌اند: «تبصره- تعرفه خدمتی متهمان مانند سوابق کیفری، انضباطی، تشویقات، آموزش‌های طی شده، سوابق پزشکی و سایر اموری که می‌تواند در تصمیم مقام قضایی مؤثر باشد به مراجع قضایی ارسال می‌شود.»

**آقای هاشمی شاهرودی** - خوب است.

۱. تبصره ماده (۴۴) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۴- ...

تبصره- تعرفه خدمتی متهمان مشتمل بر اطلاعاتی از قبیل تاریخ استخدام یا اعزام، آموزش‌های طی شده، تاریخ ترفیعات، وضعیت تأهل، تبیهات، تشویقات، محل‌های خدمت، مشاغل خدمتی، سوابق کیفری، سوابق پزشکی، وضع خاص اجتماعی و نظریه فرماندهی، توسط مقامات فوق به مراجع قضایی ارسال می‌شود.»

**آقای علیزاده -** در این آیین‌نامه می‌خواهند بگویند که این کارشناس باید این شرایط را داشته باشد.

**آقای ره‌پیک -** بله، مربوط به آن مسائل است.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** اگر تصویب فرماندهی کل قوا مقصود باشد، اشکالی ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** مقصود، مشخص است.

**منشی جلسه -** [در بند (۲) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان] تذکری داده بودیم که در مصوبه‌ی اصلاحی اعمال نشده است. گفته بودیم: «۲- در بند (ح) ماده (۵۴)، واژه «شرار» باید به واژه «اشرار» اصلاح گردد.»

**آقای علیزاده -** این را درست کرده‌اند.

**منشی جلسه -** نه، درست نکرده‌اند.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** درست می‌کنند.

**آقای ره‌پیک -** درست نکرده‌اند.

**آقای علیزاده -** این تذکر را دوباره بنویسید؛ اشکالی ندارد.

**آقای ره‌پیک -** کلمه‌ی «شرار» هم جمعش [«اشرار» است].

**منشی جلسه -** خود کلمه‌ی «شرار» جمع نیست؟

**آقای علیزاده -** «شرار» هم جمع است؛ منتها در فارسی این جمع را به‌کار نمی‌برند. در عربی این کلمه را داریم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، جمع است.

**آقای ره‌پیک -** بله، مثلاً می‌گویند «شیرازهم»؛ منتها در فارسی می‌گویند «اشرار»؛ یعنی این «شیرار»، به «اشرار» تبدیل شده است.

**آقای شب‌زنده‌دار -** کلمه‌ی «شرار» اسم جنس است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ظاهراً «اشرار»، جمع و اسم جمع است.<sup>۲</sup>  
**منشی جلسه -** باز، ماده (۶۸)<sup>۳</sup> هم در این مصوبه‌ی اصلاحی،

۱. ماده (۵۴) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۴- در زمان جنگ، صدور قرار بازداشت موقت با رعایت مقررات مندرج در این قانون در موارد زیر الزامی است:  
الف- ...

ح- فرار از محل مأموریت یا منقطع‌درگیری در جریان عملیات علیه عوامل خرابکار، ضد انقلاب، شرار و قاچاقچیان مسلح

خ- ...»

۲. بند (۲) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ شورای نگهبان: «۲- در بند (ح) ماده (۵۴)، واژه «شرار» به «اشرار» اصلاح گردد.»

۳. ماده (۶۸) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی

←

حذف شده است.<sup>۴</sup>

**آقای مدرس‌ی یزدی -** حکم غیر علنی بودن دادگاه زمان جنگ، حذف شده است.

**آقای ره‌پیک -** آن ایراد [بند (۱۵)]<sup>۵</sup> ما را درست کرده‌اند.

**منشی جلسه -** [بند (۱۶) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان]: «۱۶- ماده (۷۴)،<sup>۶</sup> از این حیث که جهات اعاده دادرسی و اینکه این حق تا چه حدی است مشخص نمی‌باشد، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» که در این مصوبه‌ی اصلاحی گفته‌اند: «ماده ۷۴- علاوه بر اشخاص مندرج در ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری،<sup>۷</sup> رئیس سازمان قضایی نیز نسبت به احکام قطعی دادگاه‌های نظامی، حق درخواست اعاده دادرسی را دارد.»

**آقای علیزاده -** یعنی اینکه در ماده (۴۷۵) گفته شده دادستان و چند نفر دیگر، حق اعاده‌ی دادرسی دارند، الآن در اینجا می‌خواهند رئیس سازمان قضایی را هم به جمع آنها اضافه کنند.

**آقای ابراهیمیان -** خوب است.

→

الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶۸- رسیدگی در دادگاه نظامی زمان جنگ غیر علنی است، مگر آنکه دادگاه، علنی بودن آن را ضروری تشخیص دهد.»

۴. اصلاحیه‌ی ماده (۶۸) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۵/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده (۶۸) حذف می‌شود.»

۵. بند (۱۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۱۵- در ماده (۶۸)، از آنجا که بر اساس اصل (۱۶۵) قانون اساسی، اصل بر برگزاری محاکمات به صورت علنی است، مگر اینکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد، لذا این ماده، مغایر اصل (۱۶۵) قانون اساسی شناخته شد.»

۶. ماده (۷۴) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۴- علاوه بر اشخاصی که مطابق مقررات مربوط، حق درخواست اعاده دادرسی دارند، رئیس سازمان قضایی نیز حق درخواست اعاده دادرسی نسبت به احکام قطعی دادگاه‌های نظامی را دارد.»

۷. ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۷۵- اشخاص زیر حق درخواست اعاده دادرسی دارند:

الف- محکوم‌علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او و در صورت فوت او غیبت محکوم‌علیه، همسر و وراث قانونی و وصی او

ب- دادستان کل کشور

پ- دادستان مجری حکم.»

**آقای رهپیک -** نه، لازم است به این ماده یک دقتی بشود. ایراد شورای نگهبان به این ماده این بوده است: «ماده (۷۴)، از این حیث که جهات اعاده دادرسی و اینکه این حق تا چه حدی است مشخص نمی‌باشد، ابهام دارد.» الآن این ماده دارد می‌گوید: علاوه بر اشخاصی که طبق ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری می‌توانند درخواست اعاده دادرسی کنند، رئیس سازمان قضایی هم می‌تواند.

**آقای علیزاده -** بله، این اصلاحیه آمده است و عبارت قبلی را حذف کرده است و آن را اصلاح کرده است. آن عبارت قبلی که الآن دیگر وجود ندارد.

**آقای رهپیک -** نه، اصل ماده، این بوده است: «ماده ۷۴- علاوه بر اشخاصی که مطابق مقررات مربوط حق درخواست اعاده دادرسی دارند، رئیس سازمان قضایی نیز حق درخواست اعاده دادرسی نسبت به احکام قطعی دادگاه‌های نظامی را دارد.» اشکال ما این بود که حدود این اعاده دادرسی چقدر است؟ اشکال دادرسی که نمی‌تواند بدون ضابطه باشد.

**آقای علیزاده -** حالا این ماده را به کلی تغییر داده‌اند و به این شکل آورده‌اند.

**آقای رهپیک -** نه دیگر؛ این عبارت، جای آن «مطابق مقررات مربوط» در ماده (۷۴) سابق آمده است.

**آقای علیزاده -** نه، این جای آن نیامده است.

**آقای رهپیک -** الآن نوشته‌اند: «علاوه بر اشخاص مندرج در ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری».

**آقای علیزاده -** این ماده (۷۴) اصلاحی، ماده‌ای جدید است؛ نگفته‌اند که این ماده، به جای آن می‌آید؛ گفته‌اند: «ماده (۷۴) به شرح زیر اصلاح می‌شود: ...»

**آقای رهپیک -** خیلی خوب، اصلاح ماده (۷۴) به چه صورت انجام شده است؟ اصلاح این ماده، به این صورت بوده است که عبارت «مطابق مقررات مربوط» را برداشته‌اند و آن را به «علاوه بر اشخاص مندرج در ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری» تبدیل کرده‌اند.

**آقای علیزاده -** علاوه بر اشخاصی که مطابق [ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری می‌توانند اعاده دادرسی انجام دهند]، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح هم می‌تواند اعاده دادرسی را در این قبیل موارد انجام دهد. حالا این ماده (۷۴) اصلاحی، موضوع مبهم قبلی را مشخص کرده است.

**آقای رهپیک -** جهت این اعاده دادرسی چیست؟ اشکال ما به «جهت اعاده دادرسی» بود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** [این ماده، الآن] مطلق شد.

**آقای ابراهیمیان -** اعاده دادرسی در برخی از جاها، مربوط به حقوق شخصی است.<sup>۱</sup>

**آقای علیزاده -** همان‌جا در آن ماده [= (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری]، جهت اعاده دادرسی هم مشخص شده است.

**آقای رهپیک -** در آن ماده، صحبتی از جهت اعاده دادرسی نیست.

**آقای علیزاده -** نباشد؛ اصلاً به طور کلی گفته است و جهات اعاده دادرسی را نگفته است.

**آقای رهپیک -** اشکال ما چه بوده است؟ اشکال ما را ببینید.

**آقای علیزاده -** ما اشکال را این‌طور گفتیم که شما جهات اعاده دادرسی را روشن نکرده‌اید. حالا مجلس آمده است و کل ماده را عوض کرده است.

**آقای رهپیک -** خوب.

**آقای علیزاده -** جهات اعاده دادرسی، همان است که در قانون آیین دادرسی کیفری آمده است. در اینجا فقط رئیس سازمان قضایی به جمع افراد واجد صلاحیت برای درخواست اعاده دادرسی، اضافه شده است و چیز دیگری را اضافه نکرده‌اند.

**آقای سلیمی -** در اینجا هم طبق آن قانون عمل می‌کنند. در

۱. ماده (۴۷۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۷۴- درخواست اعاده دادرسی در مورد احکام محکومیت قطعی دادگاه‌ها اعم از آنکه حکم مذکور به اجراء گذاشته شده یا نشده باشد در موارد زیر پذیرفته می‌شود: الف- کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شود و سپس زنده بودن وی محرز گردد.

ب- چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب آن جرم به‌گونه‌ای باشد که نتوان بیش از یک مرتکب برای آن قائل شد.

پ- شخصی به علت انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد، به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بی‌گناهی یکی از آنان احراز گردد.

ت- درباره شخصی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شود.

ث- در دادگاه صالح ثابت شود که اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است.

ج- پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم‌علیه یا عدم تقصیر وی باشد.

چ- عمل ارتكابی جرم نباشد و یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد.»



واژه «مجازات»، واژه «قانونی» اضافه شود.» این تذکر، در ماده (۷۵) فعلی، اصلاح شده است.<sup>۲</sup>

**آقای علیزاده -** خیلی خوب.

**منشی جلسه -** درباره‌ی ایراد ماده (۸۰) گفته بودیم: «۱۷- در ماده (۸۰)،<sup>۳</sup> اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی از سوی دژبان نیروهای مسلح، مغایر بندهای (۴) و (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی شناخته شد. ماده (۸۱)<sup>۴</sup> نیز مبنیاً بر اشکال مذکور، واجد ایراد است. همچنین ماده (۸۴)<sup>۵</sup> با توجه به اشکال مزبور باید اصلاح گردد.» حالا ماده (۸۰) را این‌طور اصلاح کرده‌اند: «ماده ۸۰- متهمان و محکومان داسرا و دادگاه‌های نظامی با رعایت مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در بازداشتگاه‌های رسمی و زندان‌های مستقل از سایر متهمان و زندانیان نگهداری می‌شوند. نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است.»

**آقای علیزاده -** در این مصوبه‌ی اصلاحی می‌گویند محکومان

۲. اصلاحیه‌ی ماده (۷۵) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۵/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «در انتهای ماده (۷۵) بعد از کلمه «مجازات»، کلمه «قانونی» اضافه می‌شود.»

۳. ماده (۸۰) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۰- متهمان و محکومان داسرا و دادگاه‌های نظامی با رعایت مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در بازداشتگاه‌های رسمی و زندان‌های مستقل نگهداری می‌شوند. اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی بر عهده دژبان نیروهای مسلح است. سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور بر اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی نظارت دارد. نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان ممنوع است.»

۴. ماده (۸۱) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۱- اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های نظامی در هر استان یا شهرستان با تشخیص ستاد کل نیروهای مسلح بر عهده یکی از دژبان‌های نیروهای مسلح است.»

۵. ماده (۸۴) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۴- شیوه اداره بازداشتگاه‌ها و زندان‌های موضوع این فصل بر اساس آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور است. نحوه نظارت این سازمان بر بازداشتگاه‌ها و زندان‌های مزبور و سایر مقررات اختصاصی مربوط به اداره این بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها، برابر آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط ستاد کل نیروهای مسلح با همکاری سازمان قضایی و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»

قانون آیین دادرسی کیفری، جهات اعاده‌ی دادرسی را ذکر کرده‌اند. در اینجا هم طبق همان جهات که در ماده (۴۷۵) آن قانون آمده، عمل می‌شود.

**آقای ره‌پیک -** ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری مربوط به جهات اعاده‌ی دادرسی نیست؛ مربوط به اشخاص است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این ماده (۷۴) اصلاحی، مثل همان ماده‌ی قبلی‌اش است.

**آقای علیزاده -** در آن قانون، جهات اعاده‌ی دادرسی معلوم است. اصلاً جهات اعاده‌ی دادرسی در همان قانون آمده است.

**آقای ابراهیمیان -** حالا اگر این‌طور باشد، برخی از این جهات مربوط به حقوق شخصی افراد است. خوب در این صورت، آیا اشکالی ندارد ولو اینکه من نخواهم دادستان یا سازمان قضایی نیروهای مسلح تقاضای اعاده‌ی دادرسی نماید، اینها درخواست اعاده‌ی دادرسی کنند؟

**آقای علیزاده -** این ایراد را باید به آن قانون می‌گرفتید. این ماده که نیامده است جهات اعاده‌ی دادرسی را بگوید.

**آقای ابراهیمیان -** در قانون آیین دادرسی کیفری که رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح را [به عنوان یکی از افراد واجد صلاحیت برای درخواست اعاده‌ی دادرسی] ذکر نکرده است.

**آقای علیزاده -** در ماده (۴۷۵) قانون آیین دادرسی کیفری گفته است آقای دادستان کل کشور و دادستان مجری حکم، حق درخواست اعاده‌ی دادرسی را دارند. حالا این ماده گفته است علاوه بر آن اشخاص، رئیس سازمان قضایی هم اضافه می‌شود. این چه اشکالی دارد؟ جهات اعاده‌ی دادرسی، همان است که در قانون آیین دادرسی کیفری گفته شده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** درست است.

**آقای ره‌پیک -** خیلی خوب.

**منشی جلسه -** درباره‌ی ماده (۷۵)، [در بند (۳) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان] تذکر داده بودیم؛ گفته‌ایم: «۳- در سطر آخر ماده (۷۵)،<sup>۱</sup> پس از

۱. ماده (۷۵) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۵- در صورتی که مجازات مندرج در حکم دادگاه به لحاظ وضعیت خاص خدمتی محکوم‌علیه مانند محرومیت از ترفیع کارکنان بازنشسته، قابل اجراء نباشد، دادستان نظامی مطابق ضوابط، حسب مورد حق درخواست تجدید نظر یا فرجام را دارد. در این صورت، مرجع تجدیدنظر یا فرجام جهت تعیین مجازات دیگر اقدام می‌کند.»

**آقای مدرسی یزدی** - باشد؛ حالا رئیس قوه قضائیه می‌خواهد با هم‌فکری کسان دیگری این آیین‌نامه را تهیه و تصویب کند.

**آقای یزدی** - رئیس قوه قضائیه در ارتباط با این آیین‌نامه [با اینها مشورت می‌کند].

**آقای علیزاده** - تهیه و تصویب آیین‌نامه در همه جا همین طور است. در دولت هم همیشه تهیه و تصویب آیین‌نامه‌ها به همین شکل است؛ یعنی با اینکه تصویب آیین‌نامه با هیئت دولت است، ولی می‌گویند آیین‌نامه‌ی انجام فلان امر یا وظیفه را فلان دستگاه و فلان دستگاه تهیه کنند [و برای تصویب، به هیئت دولت ارائه دهند]. این کار، اشکالی دارد؟!

**آقای هاشمی شاهرودی** - منافاتی ندارد.

**آقای ره‌پیک** - خود رئیس قوه که نمی‌تواند آیین‌نامه تهیه کند.

**آقای مدرسی یزدی** - اگر این امر، [استقلال رئیس قوه را] نفی نکند، [ایرادی ندارد].

**آقای علیزاده** - این ماده، استقلال رئیس قوه قضائیه را نفی نکرده است. این ماده دارد به رئیس قوه قضائیه می‌گوید اینها این آیین‌نامه را برای شما تهیه می‌کنند، بعداً هر جایی از آن را که جناب‌عالی خواستید تغییر بدهید.

**آقای ره‌پیک** - رئیس قوه قضائیه هم که نمی‌تواند تهیه‌ی آیین‌نامه مربوط به اینجا را به یک جای بی‌ربطی بدهد. این ماده هم دارد تهیه‌ی این آیین‌نامه را به یک جایی که به این مسئله ارتباط دارد می‌دهد.

**آقای علیزاده** - این ماده می‌گوید این نهادهایی که این آیین‌نامه به آنها مربوط است، آیین‌نامه‌ی پیشنهادی را تهیه کنند.

**آقای ابراهیمیان** - این عبارت «با رعایت آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی» هم اشکال دارد؛ چون شاید رئیس قوه قضائیه بخواهد آیین‌نامه‌ی سازمان زندان‌ها را در اینجا رعایت نکند. مثلاً شاید رئیس قوه قضائیه بخواهد مقررات سازمان زندان‌ها را در مواردی نسخ کند، نمی‌تواند چنین کاری بکند؟! این عبارت «با رعایت آیین‌نامه ...» اشکال دارد؛ چون شاید رئیس قوه قضائیه بخواهد برخی از آن مقررات را تخصیص بزند یا نسخ کند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - [اگر رئیس قوه قضائیه بخواهد،] می‌تواند این کار را بکند.

**آقای ابراهیمیان** - خب در این ماده نوشته است نحوه‌ی نگهداری محکومان و متهمان دادرسی و دادگاه‌های نظامی، «با

دادگاه‌های نظامی، در داخل همین زندان‌ها [که زیر نظر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اداره می‌شود] نگهداری شوند؛ یعنی نگفته است که حتماً این بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها زیر نظر دژبان نیروهای مسلح بروند.

**منشی جلسه** - در مورد ماده (۸۱) که مبنیاً بر ایراد ماده (۸۰) ایراد داشته است، گفته‌اند: «ماده (۸۱) حذف می‌شود». در مورد ماده (۸۴) که گفتیم باید بر این اساس، اصلاح شود، این‌طور اصلاح کرده‌اند: «ماده (۸۴) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۸۴- نحوه نگهداری محکومان و متهمان دادرسی و دادگاه‌های نظامی با رعایت آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور برابر آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور با همکاری سازمان قضایی تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»

**آقای مدرسی یزدی** - این ایراد ندارد که رئیس قوه قضائیه را به واسطه‌ی بقیه محدود می‌کند؟

**آقای اسماعیلی** - سازمان زندان‌ها و سازمان قضایی فقط پیشنهاد می‌دهند.

**آقای علیزاده** - اینکه می‌گوید این آیین‌نامه «با رعایت آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها» تهیه می‌شود، برای این است سازمان قضایی یک چیز مستقلی نداشته باشد؛ یعنی [مقررات نحوه‌ی نگهداری محکومان و متهمان دادرسی و دادگاه‌های نظامی با آیین‌نامه‌ی سازمان زندان‌ها در این خصوص] همگن باشد؛ ولی با توجه به این وضعیت، باز هم گفته است رئیس قوه قضائیه این آیین‌نامه را تصویب می‌کند.

**آقای مدرسی یزدی** - من منظورم این موضوع نبود. این ماده می‌گوید آیین‌نامه‌ی اجرایی [مربوط به نحوه‌ی نگهداری محکومان و متهمان دادرسی و دادگاه‌های نظامی] با همکاری سازمان قضایی تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. شبهه‌ی من این است که حالا اگر رئیس قوه نخواست با همکاری آنها آیین‌نامه را تصویب کند، یا با کس دیگری خواست این کار را انجام دهد، چه می‌شود؟

**آقای علیزاده** - همکاری سازمان قضایی در تهیه‌ی آیین‌نامه که اشکالی ندارد.

**آقای مدرسی یزدی** - چرا؛ این ماده، دارد رئیس قوه قضائیه را محدود می‌کند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - این آیین‌نامه، مربوط به خود سازمان قضایی است.

رعایت آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها» نوشته می‌شود.

**آقای علیزاده -** این مسئله را به این جهت در اینجا گفته‌اند که در هنگام تدوین این آیین‌نامه، به آن آیین‌نامه توجه داشته باشند و با آن تطبیق بدهند. ضمن اینکه اگر رئیس قوهی قضائیه بخواهد این آیین‌نامه را بدون توجه به آیین‌نامهی اجرایی سازمان زندان‌ها بنویسد، تبعیض است؛ منتها تطبیق دادن این دو آیین‌نامه، به معنای این نیست که مقرراتی را که مختص به محکومان و متهمان دادرسی و دادگاه نظامی است و نمی‌شود با آیین‌نامهی سازمان زندان‌ها تطبیق داد، نیاورد.

**آقای ابراهیمیان -** عبارت «با رعایت...»، یعنی هر چه که در آن آیین‌نامه گفته است، به عنوان یک اصل مسلم فرض شود و در این آیین‌نامهی جدید هم آن موارد رعایت شود.

**آقای اسماعیلی -** نه، به این معنا نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** آن آیین‌نامهی سازمان زندان‌ها را هم خود رئیس قوهی قضائیه تأیید کرده است.

**آقای ابراهیمیان -** عرض همین است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** آیین‌نامهی اجرایی سازمان زندان‌ها را هم رئیس قوهی قضائیه تصویب می‌کند.

**آقای علیزاده -** شما به ماده (۸۴) مصوبه‌ی قبلی که گفته بود «شیوهی اداره‌ی بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها»ی موضوع این مصوبه، بر اساس آیین‌نامهی اجرایی سازمان زندان‌ها است، چنین ایرادی نگرفتید؛ با اینکه آن بالاتر بود [و گستره‌ی موضوعی ماده‌ی سابق، بسیار وسیع‌تر از ماده‌ی فعلی بود]، اما حالا که در ماده (۸۴) اصلاحی فقط گفته‌اند «نگهداری محکومان و متهمان» با رعایت آیین‌نامهی سازمان زندان‌ها باشد، ایراد می‌گیرید؟!

**آقای ابراهیمیان -** خب، حالا منظور من این است که شما با این مصوبه، دارید خود رئیس قوهی قضائیه را که اختیاراتش مطلق است به تصمیمات قبلی‌اش مقید می‌کنید. شاید ایشان نخواهد اصلاً آن آیین‌نامه را رعایت کند.

**آقای رهپیک -** اختیارات رئیس قوهی قضائیه با این ماده، مقید نمی‌شود. اصلاً خود رئیس قوهی قضائیه این آیین‌نامهی اجرایی سازمان زندان‌ها را تصویب کرده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** یعنی در حقیقت، دارد تصویب خودش را رعایت می‌کند.

**آقای علیزاده -** هر جایی که آقای رئیس قوهی قضائیه نخواهد آن آیین‌نامهی سازمان زندان‌ها را رعایت نکند، همان آیین‌نامه را هم می‌تواند تغییر بدهد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، تغییر می‌دهد.

**آقای علیزاده -** این ماده نمی‌گوید که آن آیین‌نامه قابل تغییر نیست.

**آقای ابراهیمیان -** مجلس دارد الزام به رعایت آیین‌نامهی سازمان زندان‌ها را در این مصوبه می‌گوید. این قانون است یا آیین‌نامه است؟

**آقای علیزاده -** این مصوبه می‌خواهد بگوید آقای رئیس قوهی قضائیه، این زندانیان نظامی، تافته‌ی جداافته نیستند؛ هر چه در مورد عموم زندانیان در آن آیین‌نامهی سازمان زندان‌ها رعایت می‌کنید، در اینجا هم رعایت بکنید، مگر آن مواردی که وضعیت این متهمان و محکومان نظامی اقتضای خلاف آن را دارد.

**آقای ابراهیمیان -** این تفسیر شما از این ماده، نیازمند این است که، من و شما را ضمیمه‌ی این ماده کنند تا درست فهمیده شود.

**آقای علیزاده -** نه، نیازی به ضمیمه نیست. من ضمیمه‌ی این ماده هستم؛ فکر من ضمیمه‌ی این ماده است؛ چون تصویب آن آیین‌نامهی سازمان زندان‌ها هم به دست خود رئیس قوهی قضائیه است و هر جا نخواست طبق آن آیین‌نامه عمل کند، اصلاً همان آیین‌نامه را هم تغییر می‌دهد.

**آقای ابراهیمیان -** خب منظورم این است که با این حکم قانونی، به هر حال تصویب مفاد این آیین‌نامه را به آن آیین‌نامهی اجرایی سازمان زندان‌ها مقید کرده‌اند.

**آقای علیزاده -** نه.

**آقای رهپیک -** مفهوم این ماده، مثل مصوباتی است که قانون‌گذار به دولت می‌گوید با توجه به قانون تنظیم مقررات مالی دولت، فلان کار را انجام بده. [معنای چنین مصوبه‌ای این است که] به رئیس دولت توجه می‌دهد و می‌گوید توجه داشته باش که قبلاً یک چنین چیزی تصویب شده است، لذا با رعایت آن، اقدام کن.

**آقای علیزاده -** بله، یعنی هر آیین‌نامه‌ای که در این زمینه دارند، آن را رعایت بکنند؛ نمی‌خواهد بگوید که آن آیین‌نامه را عیناً رعایت بکنند.

**منشی جلسه -** [بند (۱۸) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:] «۱۸- در بند (ص) ماده (۸۷)،<sup>۱</sup>

۱. ماده (۸۷) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی:

در سطر آخر، کلمه «قانون» جایگزین عبارت «آیین نامه فوق الذکر» می شود. یعنی تبصره (۲) این طور می شود: «اسناد، مدارک و اطلاعات این مرکز با رعایت قوانین و مقررات به موجب آیین نامه ای است که ظرف سه ماه به تصویب شورا و تأیید رئیس قوه قضائیه می رسد...». در انتها هم این طور می شود: «... انتشار اطلاعات مربوط به هویت افراد مرتبط با دادرسی از قبیل نام، نام خانوادگی، کد پستی و کد ملی آنان جز در مواردی که قانون تجویز کند، ممنوع است.»

**آقای شب زنده دار -** ما به کلمه ای «کد» هم اشکال وارد کردیم که آن را به «شناسه» تغییر داده اند.

**آقای عزیززاده -** ما در نظرمان گفته بودیم: «همچنین در قسمت اخیر تبصره (۲) این ماده، ضابطه را باید قانون معین نماید و تعیین آن توسط آیین نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می باشد.» ما در کمیسیون قضایی و حقوقی به نمایندگان گفتیم که شما باید بگویید که به موجب این قانون، آیین نامه اجرایی این موضوع نوشته می شود، اما الآن اینها در این تبصره ای اصلاحی گفته اند انتشار این اطلاعات، با رعایت قانون مجاز است. بله، البته قید «با رعایت قانون» را آورده اند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، این ایراد را درست کرده اند.

**آقای عزیززاده -** بله.

**آقای هاشمی شاهرودی -** می گویند کلمه ای «کُد» را هم باید عوض کنند. «کُد» کلمه ای خارجی است؛ لذا باید عبارت «کد ملی» را عوض کنند.

**آقای شب زنده دار -** دفعه ای قبل به این موضوع، اشکال وارد کردید. الآن این کلمه را عوض کرده اند.

**آقای ره پیک -** این ایراد را در بعضی موارد اعمال نکرده اند. چند کلمه ای دیگر هم هست؛ مثل پست الکترونیکی و غیره. بعضی از این کلمات را درست کرده اند، ولی نسبت به بعضی دیگر، اعمال نکرده اند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ایراد ما در قالب «تذکر» بود.

**آقای عزیززاده -** دوباره تذکر بدهید که این کلمه ای «کد» را اصلاح کنند.<sup>۳</sup>

**منشی جلسه -** [بند (۲۰) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:] «۲۰- در تبصره یک ماده (۸۹)،<sup>۴</sup>

۳. بند (۳) تذکرات مندرج در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ شورای نگهبان: «۳- در تبصره (۲) ماده (۸۸)، واژه های «کد پستی» و «کد ملی»، با توجه به اصل (۱۵) قانون اساسی باید اصلاح گردد.»

۴. تبصره (۱) ماده (۸۹) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و آنان جز در مواردی که آیین نامه فوق الذکر تجویز کند، ممنوع است.»

انتخاب نماینده به عنوان ناظر از سوی مجلس شورای اسلامی صورت گیرد، و الا اشکال دارد.» همین اصلاح را نسبت به این بند انجام داده اند.<sup>۱</sup>

[بند (۱۹) نظر شورای نگهبان:] «۱۹- ذیل ماده (۸۸)،<sup>۲</sup> با توجه به مصون بودن حیثیت اشخاص باید قید گردد که این امر از سوی افراد موثق انجام پذیرد، و الا مغایر اصل (۲۲) قانون اساسی است. همچنین در قسمت اخیر تبصره (۲) این ماده، ضابطه را باید قانون معین نماید و تعیین آن توسط آیین نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می باشد.» این ماده را این طور اصلاح کرده اند: «در سطر آخر ماده (۸۸)، عبارت «با استفاده از افراد موثق» قبل از کلمه «راه اندازی» اضافه می شود و در سطر اول تبصره (۲) آن، بعد از عبارت «این مرکز»، عبارت «با رعایت قوانین و مقررات» اضافه و

→

«ماده ۸۷- به منظور سیاست گذاری و تدوین راهبردهای ملی، برنامه ریزی میان مدت و بلندمدت و تدوین آیین نامه های لازم برای توسعه و ارتقای دادرسی الکترونیکی و نظارت بر حسن اجرای آنها، «شورای راهبردی دادرسی الکترونیکی» که در این بخش به اختصار شورا نامیده می شود به ریاست رئیس قوه قضائیه و عضویت افراد زیر تشکیل می شود:

الف- ...

ص- یک نفر نماینده مجلس به انتخاب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به عنوان عضو ناظر.

ض- ...»

۱. اصلاحیه بند (ص) ماده (۸۷) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۵/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «بند (ص) ماده (۸۷) به شرح زیر اصلاح می شود:

ص- یک نفر نماینده عضو کمیسیون قضایی و حقوقی به انتخاب مجلس شورای اسلامی به عنوان عضو ناظر.»

۲. ماده (۸۸) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۸- به منظور ساماندهی پرونده ها و اسناد قضایی و ارائه بهتر خدمات قضایی و دستیابی روزآمد به آمار و گردش کار قضایی در سراسر کشور و همچنین ارائه آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرائم، متهمان، بزه دیدگان و مجرمان و سایر اطلاعات قضایی، «مرکز ملی داده های قوه قضائیه» در مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه راه اندازی می شود.

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- اسناد، مدارک و اطلاعات این مرکز به موجب آیین نامه ای که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون به تصویب شورا و تأیید رئیس قوه قضائیه می رسد، در اختیار مراکز علمی، پژوهشگاه ها و پژوهشگران قرار می گیرد. استفاده از اسناد، مدارک و اطلاعات مزبور نباید موجب هتک حرمت و حیثیت اشخاص شود. انتشار اطلاعات مربوط به هویت افراد مرتبط با دادرسی از قبیل نام، نام خانوادگی، کد پستی و کد ملی آنان جز در مواردی که آیین نامه فوق الذکر تجویز کند، ممنوع است.»

←

آن قانون، ضوابط نحوه‌ی دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی ذکر شده باشد]. اما در این مسئله، ما که قانونی نداریم. اینها در این اصلاحیه، فقط به صورت صوری، «آیین‌نامه» را تبدیل به «آیین‌نامه اجرایی» کرده‌اند. خب آیین‌نامه‌ی اجرایی، یعنی آیین‌نامه‌ی اجرایی چه قانونی؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** عبارت را باید این‌گونه بخوانیم: «آیین‌نامه اجرایی نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه توسط آن قوه تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.» این عبارت، اشکالی ندارد. **آقای ابراهیمیان -** ما بیشتر از این، قانونی نداریم.

**آقای رهپیک -** نه، اشکال ما این بود که این آمده است و [نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه را فقط به تدوین یک آیین‌نامه‌ی اجرایی منوط کرده است].

**آقای علیزاده -** اگر آیین‌نامه‌ی، آیین‌نامه‌ی اجرایی شد، باید کلیات قانون در آن رعایت بشود.

**آقای رهپیک -** کدام قانون؟

**آقای علیزاده -** هر قانونی که مربوط به نحوه دسترسی به اطلاعات سرّی و محرمانه است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بین تشکیلات داخل قوه قضائیه، تفاوت هست. اینجا گفته‌اند آیین‌نامه‌ی اجرایی نحوه دسترسی به اطلاعات خود قوه قضائیه در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه را به تصویب رئیس قوه قضائیه برسانند.

**آقای رهپیک -** نه، این اطلاعات، مربوط به خود قوه قضائیه نیست.

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا؟!

**آقای رهپیک -** چون این اطلاعات، اطلاعات مردم است. این اطلاعات، در این مرکز جمع شده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** باشد؛ یعنی اطلاعات پرونده‌ها است.

**آقای رهپیک -** بله، پرونده‌های مردم از کل کشور است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** باشد.

**آقای علیزاده -** چه اشکالی دارد؟

**آقای رهپیک -** نه، من اشکالش را دارم می‌گویم. اشکال ما به این تبصره چه بوده است؟

**آقای ابراهیمیان -** اول باید [در ضمن تصویب یک قانون] یک سری قواعد کلی، نوع دسترسی و حق دسترسی را تعریف کند، بعد شما برای آن قانون، آیین‌نامه بنویسید. عرض من این است که همین قدر کافی است و لازم نیست که بیشتر از این [در این

ظاهراً منظور از آیین‌نامه، آیین‌نامه اجرایی بوده که باید مطابق با قانون باشد. بنابراین تبصره مذکور باید با رعایت این امر اصلاح شود.» برای اصلاح این تبصره گفته‌اند: «در ابتدای تبصره (۱) ماده (۸۹)، عبارت «آیین‌نامه اجرایی» اضافه و در سطر دوم، عبارت «توسط آن قوه تهیه می‌شود و» جایگزین عبارت «به موجب آیین‌نامه‌ای است که» می‌شود.» یعنی تبصره‌ی اصلاحی، این‌طور می‌شود: «آیین‌نامه اجرایی نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه توسط آن قوه تعیین می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»

**آقای رهپیک -** کلمه‌ی «آیین‌نامه» را به «آیین‌نامه‌ی اجرایی» تغییر داده‌اند. ظاهراً اشکال ما این بوده است که اگر مقصود از این آیین‌نامه، آیین‌نامه‌ی اجرایی است، این آیین‌نامه، باید آیین‌نامه‌ی اجرایی یک قانون باشد؛ چون نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی نیازمند قانون است و کل آن نمی‌تواند به موجب یک آیین‌نامه باشد. مقصود، آیین‌نامه‌ای است که باید برای یک قانونی نوشته شود.

**آقای علیزاده -** اگر از اول همین عبارت فعلی را می‌آوردند که ما به آن ایراد نمی‌گرفتیم. ما در نظرمان گفتیم که باید این قید «اجرایی» را در متن تبصره بیاورید؛ آنها هم نوشتند: آیین‌نامه‌ی اجرایی نحوه دسترسی به اطلاعات فلان نوشته می‌شود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** همین کار را انجام داده‌اند.

**آقای شب‌زنده‌دار -** همین‌طور است.

**آقای علیزاده -** این تبصره، اشکالی ندارد.

**آقای رهپیک -** نه، اشکال ما به این تبصره چه بوده است؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** الان دارند می‌گویند این آیین‌نامه بایستی مطابق قانون باشد.

**آقای رهپیک -** اشکال ما به این تبصره این بود که اصلاً این آیین‌نامه یعنی چه؟ چون آیین‌نامه باید آیین‌نامه‌ی اجرایی یک قانون باشد؛ چون سطح این بحث با آیین‌نامه حل نمی‌شود، اما شما می‌خواهید تمام ضوابط نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی را با تدوین یک آیین‌نامه حل و فصل کنید. ما گفتیم این باید آیین‌نامه‌ی اجرایی برای یک قانونی باشد [که در

→

دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۹ - ...

تبصره ۱- نحوه دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی در مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه به موجب آیین‌نامه‌ای است که به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»

قانون، جزئیات را بنویسند.]

**آقای سلیمی -** این تبصره، به همین شکل جایز است.

**آقای رهپیک -** نه، اشکال ما به این تبصره چه بوده است؟ اشکال ما این بوده است که ظاهراً منظور این آیین‌نامه، آیین‌نامه‌ی اجرایی بوده است که آن آیین‌نامه‌ی اجرایی باید مطابق با قانونش باشد. قانون آن چه بوده است؟ قانونی در این زمینه وجود ندارد.

**آقای اسماعیلی -** چرا؛ در این رابطه قانون داریم.

**آقای رهپیک -** نداریم.

**آقای اسماعیلی -** ما در دو جا قانون داریم.

**آقای رهپیک -** نه، لایحه‌ی بعضی از قوانین در مورد طبقه‌بندی اسرار و اسناد طبقه‌بندی شده موادی داریم؛ ولی ما قانونی در مورد نحوه‌ی دسترسی به اطلاعات محرمانه و سرّی نداریم.

**آقای اسماعیلی -** این چیزها را در قالب یک قانون نداریم ولی [به طور پراکنده، در بین قوانین، ضوابطش آمده است].

**آقای رهپیک -** خب این آیین‌نامه، طبق کدام قانون باید نوشته شود؟

**آقای اسماعیلی -** یک قانون، مربوط به قبل از انقلاب است که راجع به نحوه‌ی طبقه‌بندی اسناد و دسترسی به آنها است.<sup>۱</sup> یک قانون هم داریم تحت عنوان «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» که مصوب ۱۳۸۸ است. در این دو جا در این زمینه، قانون داریم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** هر آیین‌نامه‌ی اجرایی، یک «قانون» دارد.

**آقای سوادکوهی -** بله، اشکال ما این بود؛ گفتیم آیین‌نامه دو جور است: یکی آیین‌نامه‌ی مستقل است؛ یعنی فارغ از اینکه قانون داریم یا نداریم، برای موضوعی یک آیین‌نامه نوشته می‌شود. [یکی هم آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون است که] این تبصره می‌گوید نه، آیین‌نامه‌ی اجرایی یک قانون نوشته بشود. خب طبیعتاً این آیین‌نامه باید برود و آن قوانین را لحاظ کند.

**آقای رهپیک -** بله.

**آقای علیزاده -** و بعد با رعایت این قانون به آن قوانین عمل کنند.

**آقای اسماعیلی -** بله.

**آقای علیزاده -** آقایانی که می‌فرمایند با اصلاح به عمل‌آمده،

۱. اشاره به «قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سرّی دولتی مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹ مجلس شورای ملی» دارد.

ایراد رفع نشده است بفرمایند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ایراد شورای نگهبان رفع شده است.

**آقای یزدی -** بالاخره این موضوع، «قانون» دارد.

**آقای رهپیک -** نه، قانون ندارد؛ اگر قانون دارد، بنویسند [که قانونش، کدام قانون است].

**آقای هاشمی شاهرودی -** چرا دیگر، قانون دارد. اینکه گفته است باید اسناد کذا را با اذن رئیس قوه‌ی قضائیه در اختیار بگذارند، قانون دارد.

**آقای اسماعیلی -** بله، این موضوع، قانون دارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** همه‌ی این موضوعات قانون دارند. خیلی از اسرار را فقط رئیس قوه‌ی قضائیه حق دارد بنویسد [که در دسترس چه کسی قرار بگیرد].

**آقای علیزاده -** خود این اطلاعات مذکور در این تبصره، از اسناد است. حضرات آقایانی که می‌گویند با اصلاح به عمل‌آمده، کماکان اشکال به قوت خود باقی است یا اشکال جدیدی به تبصره‌ی اصلاحی دارند بفرمایند.

**منشی جلسه -** یک رأی آورد.

**آقای علیزاده -** خیلی خب.

**منشی جلسه -** [بند (۲۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ

۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:] «۲۱- در تبصره یک ماده (۹۰)،<sup>۲</sup>

الزام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی به فراهم نمودن سامانه‌های الکترونیکی لازم با دستور مقام قضایی صالح، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد.

در تبصره (۲) این ماده، تعیین حدود اختیارات و صلاحیت مقام

۲. ماده (۹۰) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹۰- قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به‌کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند.

تبصره ۱- دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی موظفند سامانه‌های الکترونیکی لازم برای تأمین اطلاعات یا ارتباطات مورد نیاز مراجع قضایی را با دستور مقام قضایی صالح از طریق شبکه ملی عدالت فراهم آورند. مستتکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است.

تبصره ۲- بخش خصوصی موظف است اطلاعات فوق را با دستور مقام قضایی صالح از طریق شبکه ملی عدالت در اختیار قوه قضائیه قرار دهد. حدود اختیارات و صلاحیت مقام قضایی به موجب آیین‌نامه‌ای است که به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»

**آقای مدرسی یزدی** - نه، اینجا دارد می‌گوید که دستگاه‌ها اطلاعات را به مراجع قضایی بدهند؛ مقصود اطلاعات دادن است.

**آقای علیزاده** - نه، منظور این است که اطلاعات را از این طریق بدهند؛ این طریقتش، بار مالی داشت.

**آقای مدرسی یزدی** - هزینه ندارد.

**آقای ابراهیمیان** - در اینجا گفته‌اند اگر این دستگاه‌ها بخواهند جواب استعلام مرجع قضایی را بدهند، باید از طریق این شبکه‌ی مورد نظر جواب بدهند. لذا به هر حال این دستگاه‌ها مجبورند برای اینکه جواب بدهند، به این شبکه متصل شوند، ولی مجلس در این مصوبه‌ی اصلاحی، یک مقداری این مطلب را برگردانده است و بحث را عوض کرده است.

**آقای ره‌پیک** - بله دیگر.

**آقای علیزاده** - نه، قبلاً [در تبصره (۱) ماده (۹۰)، الزام به ایجاد این شبکه برای دستگاه‌ها] بود، اما الآن آن الزام را برداشته‌اند.

**آقای ابراهیمیان** - الآن بحث را عوض کرده‌اند.

**آقای علیزاده** - این اصلاحیه دارد می‌گوید اگر آن دستگاه‌ها شبکه‌ی ملی عدالت دارند، از آن طریق به استعلامات جواب بدهند.

**آقای ره‌پیک** - تبصره (۱) ماده (۹۰) قبلی گفته بود دستگاه‌ها موظفند آن سامانه‌های الکترونیکی را ایجاد کنند، اما این اصلاحیه می‌گوید قوه‌ی قضائیه این سامانه را ایجاد کرده است و حالا فقط باید یک پسرورد یا یک کدی به شما بدهد تا شما از طریق این سامانه به مرجع قضایی جواب بدهید. این مثل همین کاری است که الآن دولت دارد انجام می‌دهد.

**آقای مدرسی یزدی** - الآن این تبصره حکم کرده است که قاضی قوه‌ی قضائیه از طریق شبکه‌ی ملی عدالت [اطلاعاتی که می‌خواهد را از دستگاه‌ها استعلام کند و بگیرد].

**آقای ره‌پیک** - الآن سامانه‌ی عمومی دولت همین‌طوری است و بین همه‌ی دستگاه‌ها وجود دارد.

**آقای علیزاده** - این شبکه، مربوط به دستگاه‌های دولتی است؛ مربوط به مردم که نیست.

**آقای مدرسی یزدی** - باشد.

**آقای علیزاده** - تبصره (۱) سابق می‌گفت: «دستگاه‌های دولتی و

قضایی به موجب آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی می‌باشد.» [ایراد تبصره‌های این ماده را این‌طور اصلاح کرده‌اند؛ گفته‌اند: «متن زیر جایگزین تبصره‌های (۱) و (۲) ماده (۹۰) می‌شود:

تبصره- مراجع قضایی می‌توانند استعلامات قضایی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به عمل آورند. در این صورت دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی غیر دولتی و شخصیت‌های حقوقی بخش خصوصی موظفند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند. مستکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی- کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ است.»

**آقای شب‌زنده‌دار** - اشکال باقی است.

**آقای علیزاده** - نه، اشکال حل شده است. چرا می‌فرمایید اشکال باقی است؟!

**آقای ره‌پیک** - اشکال حل شده است؛ می‌گوید اگر مراجع قضایی در آن شبکه استعلام کردند، دستگاه‌های دولتی و غیره هم موظفند در آن شبکه جواب بدهند.

**آقای علیزاده** - این اصلاحیه دارد می‌گوید قوه‌ی قضائیه که شبکه‌ی ملی عدالت را دارد، مراجع قضایی‌اش می‌توانند از طریق این شبکه، استعلاماتشان را بپرسند. دستگاه‌های دولتی و غیره هم موظفند از طریق همین شبکه به آنها جواب بدهند. این ماده که نمی‌گوید مراجع قضایی بیرون از شبکه استعلاماتشان را انجام دهند تا بگوییم آنها [دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی و شخصیت‌های حقوقی بخش خصوصی] چگونه از این استعلامات مطلع می‌شوند. معنای این عبارت، این است که دستگاه‌های مقابل، یک چنین امکانی را دارد که مراجع قضایی می‌توانند از طریق شبکه‌ی ملی عدالت از آنها استعلام کنند و آنها هم باید از همان طریق به آنها جواب دهند. این، اشکالی ندارد.

**آقای مدرسی یزدی** - مفاد این تبصره مثل این است که اگر اصلاً چنین الزامی را هم در این تبصره نگفته بودند، آن دستگاه‌ها موظف بودند که پاسخ استعلام مرجع قضایی را بدهند.

**آقای علیزاده** - البته ما در نظر سابقمان گفتیم که ایجاد این شبکه، بار مالی دارد.<sup>۱</sup> آن اشکال وارد بود.

→

می‌انجامد و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.»

۱. بند (۳۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۳۲- ... ماده (۹۰) و تبصره یک آن ... که به افزایش هزینه عمومی

←

طرح برخی واژه‌های بیگانه نظیر «IP» در تبصره (۲) ماده (۱۰۵)،<sup>۳</sup> «کپی‌برداری» در ماده (۱۱۳)، «پست الکترونیکی» در ماده (۱۲۱)، «الکترونیکی» در ماده (۱۲۴) و ... آمده، لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و الا مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد. برای اصلاح این ایراد گفته‌اند: «در تبصره (۲) ماده (۱۰۵) قبل از کلمه «(IP)»، عبارت «قرارداد اینترنت» اضافه می‌شود.»

**آقای مدرسی یزدی** - دوباره کلمه‌ی «اینترنت» را هم [که کلمه‌ای غیر فارسی است] در این اصلاحیه، داریم.

**منشی جلسه** - [بند (۲۴) نظر شورای نگهبان]: «۲۴- در ماده (۱۱۰)، عبارت «در غیر این صورت ...» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» این ماده را این‌طور اصلاح کرده‌اند: «در سطر سوم ماده (۱۱۰)، عبارت «در صورت عدم حضور یا امتناع از حضور این افراد» جایگزین عبارت «در غیر این صورت» می‌شود.» این ماده با این اصلاح، به این شکل تغییر پیدا می‌کند: «تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سامانه‌ها انجام می‌شود. در صورت عدم حضور یا امتناع از حضور این افراد، قاضی با ذکر دلایل، دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور را صادر می‌کند.»

**آقای هاشمی شاهرودی** - این اصلاحیه، اشکالی ندارد؟

**آقای علیزاده** - گفته است در صورت عدم حضور یا امتناع از حضور این افراد [قاضی دستور تفتیش و توقیف بدون حضور آنها را صادر می‌کند].

**آقای ره‌پیک** - حالا [بر اساس نظری که ما داده‌ایم] اصل حضور متصرف قانونی که لازم نبوده است. مگر اصل حضور

۳. تبصره (۲) ماده (۱۰۵) طرح آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹۱- قوه قضائیه موظف است اطلاعات زیر را از طریق «درگاه ملی قوه قضائیه» ارائه کند و آنها را روزآمد نگه دارد:

الف- ...

ت- آراء صادره از سوی محاکم به صورت برخط (آنلاین) برای تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان با حفظ حریم خصوصی اشخاص

ث- ...

۴. ماده (۱۱۰) طرح آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱۰- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سامانه‌ها انجام می‌شود. در غیر این صورت، قاضی با ذکر دلایل، دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور را صادر می‌کند.»

نهادهای عمومی غیر دولتی موظفند سامانه‌های الکترونیکی لازم برای تأمین اطلاعات یا ارتباطات مورد نیاز مراجع قضایی را با دستور مقام قضایی صالح از طریق شبکه ملی عدالت فراهم آورند.» ما گفتیم شما دارید می‌گویید با درخواست مقام صالح قضایی، این شبکه به وجود آید؛ این، اشکال دارد. الآن می‌گویید این نهادها و دستگاه‌ها، شبکه‌ی ملی عدالت را دارند و مراجع قضایی هم از طریق این شبکه، اطلاعاتشان را از دستگاه‌ها می‌خواهند. خوب بگذارید دستگاه‌ها اطلاعاتشان را از این طریق برای مراجع قضایی بفرستند؛ [چه اشکالی دارد؟]

**منشی جلسه** - [بند (۲۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان]: «۲۲- اطلاق بند (ت) ماده (۹۱)، نسبت به مواردی که ارائه اطلاعات مذکور در آراء، خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی باشد، اشکال دارد.» در رابطه با اصلاح این بند، گفته‌اند: «در بند (ت) ماده (۹۱)، بعد از عبارت «از سوی محاکم»، عبارت «در صورتی که به تشخیص قاضی اجرای احکام خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی نباشد» اضافه می‌شود.»

[بند (۴) تذکرات مندرج در نظر شورای نگهبان]: «۴- در ماده (۱۰۳)، با توجه به اینکه تصمیمات مربوط به مراحل بعد از صدور قرار تا رسیدگی دادگاه مشخص نمی‌باشد، باید روشن شود.» این ماده را هم این‌طور اصلاح کرده‌اند: «در انتهای ماده (۱۰۳) بعد از عبارت «صدور قرار»، عبارت «و در صورت اقتضاء صدور کیفرخواست» اضافه می‌شود.»

**آقای علیزاده** - درست شد.

**منشی جلسه** - [بند (۲۳) نظر شورای نگهبان]: «۲۳- در این

۱. بند (ت) ماده (۹۱) طرح آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹۱- قوه قضائیه موظف است اطلاعات زیر را از طریق «درگاه ملی قوه قضائیه» ارائه کند و آنها را روزآمد نگه دارد:

۲. ماده (۱۰۳) طرح آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۰۳- چنانچه جرم رایانه‌ای در صلاحیت دادگاه‌های ایران در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، دادرسی محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. در صورتی که محل وقوع جرم مشخص نشود، دادرسی پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار می‌کند و دادگاه مربوط نیز رأی متقاضی را صادر می‌کند.»



**آقای ابراهیمیان -** در اینجا باید مصالح دادگاه را هم در نظر گرفت. **آقای مدرسی یزدی -** خب در مواردی، آن بنده‌ی خدا حضور ندارد، ولی امکان حضور او هست. به قول ایشان یک سال، دو سال یا یک روز یا دو روز دیگر می‌آید.

**آقای هاشمی شاهرودی -** در صورت عدم امکان حضور یا امتناع از حضور و ضرورت [تفتیش، ایرادی ندارد که قاضی دستور توقیف اطلاعات را بدهد]. ضرورت باید چنین دستوری را ایجاب کند.

**آقای ابراهیمیان -** در مواردی ضرورت فوری نسبت به تفتیش یا توقیف داده‌ها وجود دارد.

**آقای علیزاده -** حالا بگوییم اطلاق عدم حضور یا امتناع از حضور در صورتی که تفتیش ضروری و فوری نباشد، اشکال شرعی دارد. آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، بفرمایند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این ماده، اشکال شرعی دارد. ما به این اشکال رأی می‌دهیم.

**آقای علیزاده -** این ایراد، رأی آورد.<sup>۱</sup> تا اینجا، فقط یک اشکال گرفته‌ایم. واقع امر این است که این مصوبه خیلی خوب اصلاح شده است که تا به حال اشکال چندانی به آن نگرفته‌ایم.

**منشی جلسه -** گفته بودیم که ماده (۱۱۳)،<sup>۲</sup> مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی است.<sup>۳</sup> مجلس برای اصلاح این ایراد این ماده گفته است: «در ماده (۱۱۳)، عبارت «کپی‌برداری یا» حذف می‌شود.»

**آقای هاشمی شاهرودی -** این جزء تذکرات ما بوده است.

**منشی جلسه -** نه، گفته بودیم که مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی است.

این متصرفان لازم دانسته شده است؟ ما گفته بودیم که این ماده، ابهام دارد؛ اشکال که نگرفته بودیم که بگوییم حضور این متصرفان حتماً لازم است. ما گفته بودیم که این ماده، ابهام دارد و عبارت «در غیر این صورت» ابهام داشت؛ چون این عبارت «در غیر این صورت»، اصلاً در جمله معنا نمی‌داد.

**آقای علیزاده -** بله، آمدند گفتند: «در صورت عدم حضور یا امتناع از حضور این افراد»، ما می‌توانیم بدون حضور اینها وارد بشویم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** عبارت «عدم حضور» باید قید بخورد. اگر عدم حضور، بدون عذر باشد، حکم تفتیش و توقیف بدون حضور این افراد اشکالی ندارد، اما اگر فرد معذور باشد و عذرش هم موجه باشد، [قاضی نمی‌تواند دستور توقیف و تفتیش اطلاعات بدون حضور این افراد را بدهد]؛ لذا باید قید «بدون عذر موجه» را هم اضافه کنند.

**آقای علیزاده -** بله، ما باید آن طرف این مسئله را بگوییم. الآن ما باید بگوییم که خود عدم حضور موجب جواز حکم به تفتیش نمی‌شود، بلکه باید این تفتیش بدون حضور، ضروری باشد. باید این نکته را در اینجا بگویند.

**آقای رهپیک -** یعنی برای تفتیش لازم است که شخص حضور داشته باشد؟

**آقای علیزاده -** بله، باید این را بگوییم.

**آقای رهپیک -** نه، مگر اصل تفتیش لازم است با حضور شخص باشد؟

**آقای مدرسی یزدی -** بله، چون ممکن است اصلاً کسی نخواهد [دیگری برخی اطلاعات شخصی‌اش را ببیند]؛ مثلاً عکس زن و بچه‌اش در سیستم هست و او نمی‌خواهد دیگران آن عکس‌ها را ببینند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ممکن است خیلی از اسرار فرد، در آن سیستم وجود داشته باشد. بالاخره بایستی این ماده قید بخورد. اطلاق این ماده، اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** بله، [این ماده، باید به این نحو اصلاح شود]: «در صورت عدم حضور یا امتناع از حضور این افراد در صورتی که تفتیش ضروری باشد ...»

**آقای هاشمی شاهرودی -** تفتیش ضروری و لازم باشد و امکان حضور متصرف یا متصدی قانونی نباشد.

**آقای مدرسی یزدی -** در صورت عدم امکان حضور فرد و لزوم تفتیش، آن وقت تفتیش یا توقیف انجام بشود.

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۹۳/۶/۲۳ شورای نگهبان: «۱- در ماده (۱۱۰)، اطلاق «عدم حضور یا امتناع از حضور»، در صورتی که تفتیش، ضروری و فوری نباشد، اشکال شرعی دارد.»

۲. ماده (۱۱۳) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱۳- در توقیف داده‌ها، با رعایت تناسب، نوع، اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم، به روش‌هایی از قبیل چاپ داده‌ها، کپی‌برداری یا تصویربرداری از تمام یا بخشی از داده‌ها، غیر قابل دسترس کردن داده‌ها با روش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه یا رمزنگاری و ضبط حامل‌های داده عمل می‌شود.»

۳. بند (۲۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲۳- در این طرح برخی واژه‌های بیگانه نظیر ... «کپی‌برداری» در ماده (۱۱۳) ... آمده، لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و آلاً مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.»

تبصره ماده (۱۲۱)، عبارت «پیام‌نگار (ایمیل)» جایگزین عبارت «پست الکترونیکی» می‌شود.

**آقای ره‌پیک** - عبارت «پست الکترونیک» را به واژه‌ی «پیام‌نگار» تبدیل کرده‌اند، در حالی که فرهنگستان [زبان و ادب فارسی] می‌گوید معادل واژه‌ی «پست الکترونیک»، «رایانامه» است.

**آقای مدرسی یزدی** - بله، به جای «پست الکترونیکی»، «رایانامه» گفته‌اند.

**منشی جلسه** - باز در ماده (۱۲۴)<sup>۶</sup> به کلمه‌ی «الکترونیکی» ایراد داشتیم<sup>۷</sup> که آن را دیگر اصلاح نکرده‌اند.

**آقای مدرسی یزدی** - «الکترونیک» که کلمه‌ی مبهمی نیست.

**آقای ره‌پیک** - «پست الکترونیکی» [هم مبهم نیست].

**آقای اسماعیلی** - عبارت «پست الکترونیکی» بد نیست.

**منشی جلسه** - نه، در این ماده، عبارت «ادله الکترونیکی» بوده است.

**آقای مدرسی یزدی** - عوام راجع به استفاده از خود کلمه‌ی «الکترونیک»، [مشکلی ندارند].

**منشی جلسه** - نه، در این ماده، «ادله الکترونیکی» بوده است.

**آقای علیزاده** - [بند (۲۷) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان]: «۲۷- در ماده (۱۲۵)،<sup>۸</sup> از آنجا که

**منشی جلسه** - [بند (۲۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان]: «۲۵- بند (ج) ماده (۱۱۴)،<sup>۱</sup> از این حیث که این شرایط باید به موجب قانون مشخص گردد، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.»

**آقای هاشمی شاهرودی** - بند (ج) حذف شده است. این ماده، اصلاح شده است.

**منشی جلسه** - بله، [مجلس در راستای اصلاح ایراد این ماده گفته است]: «بند (ج) ماده (۱۱۴) حذف می‌شود.» بند (ت) این ماده [که آن را مغایر اصل (۱۵) اعلام کرده بودیم<sup>۲</sup>، این‌طور اصلاح شده است: «در بند (ت) ماده (۱۱۴)، عبارت «تصویب‌برداری» جایگزین عبارت «کپی‌برداری» می‌شود.»

**منشی جلسه** - [بند (۲۶) نظر شورای نگهبان]: «۲۶- در ماده (۱۱۷)،<sup>۳</sup> اطلاق ممنوعیت نسبت به مواردی که امر اهمی نظیر امنیت کشور در میان باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد.» این ایراد را به این شکل اصلاح کرده‌اند: «عبارت زیر به انتهای ماده (۱۱۷) اضافه می‌شود: مگر اینکه توقیف برای اجرای موضوع اهم نظیر حفظ امنیت کشور ضرورت داشته باشد.»

ایراد بعدی ما به واژه‌ی «پست الکترونیکی» در تبصره‌ی ماده (۱۲۱)<sup>۴</sup> بوده است.<sup>۵</sup> برای اصلاح ایراد این ماده گفته‌اند: «در

۱. ماده (۱۱۴) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱۴- در شرایط زیر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف می‌شوند:

الف- داده‌های ذخیره‌شده به سهولت در دسترس نباشد یا حجم زیادی داشته باشد.

ب- تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سامانه سخت‌افزاری امکان‌پذیر نباشد.

پ- متصرف قانونی سامانه رضایت داده باشد.

ت- کپی‌برداری از داده‌ها به لحاظ فنی امکان‌پذیر نباشد.

ث- تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود.

ج- سایر شرایطی که قاضی تشخیص دهد.»

۲. بند (۲۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲۳- در این طرح برخی واژه‌های بیگانه نظیر ... «کپی‌برداری» در ماده (۱۱۳) ... آمده، لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و آلاً مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.»

۳. ماده (۱۱۷) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱۷- توقیف داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که موجب ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اخلال در ارائه خدمات عمومی شود، ممنوع است.»

۴. تبصره‌ی ماده (۱۲۱) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی

→

الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۲۱- ...

تبصره- دسترسی به محتوای ارتباطات غیر عمومی ذخیره‌شده، نظیر پست الکترونیکی یا پیامک در حکم کنترل و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.»

۵. بند (۲۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲۳- در این طرح برخی واژه‌های بیگانه نظیر ... «پست الکترونیکی» در ماده (۱۲۱) ... آمده، لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و آلاً مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.»

۶. ماده (۱۲۴) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۲۴- کلیه مقررات مندرج در این بخش، علاوه بر جرائم رایانه‌ای شامل سایر جرائمی که ادله الکترونیکی در آنها مورد استناد قرار می‌گیرند نیز می‌شود.»

۷. بند (۲۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان: «۲۳- در این طرح برخی واژه‌های بیگانه نظیر ... «الکترونیکی» در ماده (۱۲۴) و ... آمده، لازم است معادل فارسی آنها ذکر گردد و آلاً مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی می‌باشد.»

۸. ماده (۱۲۵) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس

←

**آقای علیزاده -** بله، به نمایندگان گفتم شما یک قسمت از ایراد ما را حل کرده‌اید، اما ایراد مغایرت با اصل (۸۵) قانون اساسی را حل نکرده‌اید. می‌گویند ما قبلاً نمونه‌ی این را داشته‌ایم؛ ولی من گفتم که این اصلاحیه، اشکال دارد. اشکال این است که آیین‌نامه‌ی نمی‌تواند راجع به نحوه‌ی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله تعیین تکلیف کند. این موضوعی است که در قانون باید مشخص شود و قانون است که باید بگوید این ادله در کجا استنادپذیر است. هر چه ما با نمایندگان چانه زدیم، قبول نکردند. قرار بود دو سه مورد کلیات ضوابط مربوط به این موضوع را در این ماده بیاورند تا من ببینم و بگویم ایرادش حل شده یا نه، ولی آقایان نمایندگان رفتند و خودشان این ماده را به این شکل اصلاح کردند.

**آقای رهپیک -** بله، این موضوع باید قانون داشته باشد.

**آقای ابراهیمیان -** قانون آیین دادرسی و مباحث مربوط به ادله‌ی اثبات دعوا باید این مسائل را مشخص کند، نه آیین‌نامه. **آقای رهپیک -** فرق این ماده‌ی اصلاحی با ماده‌ی سابق فقط این است که موضوع «واگذاری شرایط» را از این ماده حذف کرده‌اند. اشکال قبلی این ماده، همچنان باقی است.

**آقای علیزاده -** بله، پس این اشکال مربوط به اصل (۸۵) قانون اساسی رفع نشده است، ولی آن اشکال دیگر این ماده رفع شده است. اشکال مربوط به مخالفت با اصل (۸۵) رفع نگردیده است.

**آقای رهپیک -** قسمت دوم ایراد ما این بود که [اطلاق تصویب آیین‌نامه از سوی هیئت وزیران در] آن قسمت‌هایی که جنبه‌ی قضایی دارد، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** حالا در این ماده‌ی اصلاحی، تصویب آیین‌نامه در همه‌ی موارد را به رئیس قوه‌ی قضائیه داده‌اند. این جهت، هم اشکال دارد.

**آقای رهپیک -** بله، تصویب آیین‌نامه در همه‌ی موارد را به رئیس قوه‌ی قضائیه داده است. این هم باز اشکال دارد؛ چون یک بخشی از این موارد به دولت ارتباط دارد.

**آقای علیزاده -** نه، موضوع این ماده، آیین‌نامه مربوط به چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی است.

**آقای مدرسی یزدی -** این، یک آیین‌نامه‌ی اجرایی است. اینجا گفته است آیین‌نامه‌ی اجرایی این موضوعات را رئیس قوه‌ی قضائیه تصویب کند.

**آقای رهپیک -** اشکال ما چه بوده است؟ اشکال ما این بوده

وظایف وزیر دادگستری در قانون اساسی به نحو حصر تصریح گردیده است، انجام اقدامات مذکور در این ماده از سوی وزیر دادگستری، مغایر اصل (۱۶۰) قانون اساسی می‌باشد.

**آقای رهپیک -** این ماده حذف شده است.<sup>۱</sup>

**منشی جلسه -** [بند (۲۸) نظر شورای نگهبان:] «۲۸- در ماده (۱۲۷)،<sup>۲</sup> واگذاری شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی به آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد. و ماده (۱۲۲)<sup>۳</sup> نیز مبنیاً بر ایراد مذکور، اشکال دارد. به علاوه اطلاق تصویب آیین‌نامه مزبور در قسمت اخیر این ماده از سوی هیئت وزیران در مواردی که آیین‌نامه مربوط جنبه قضایی دارد، مغایر اصل (۱۵۸) قانون اساسی شناخته شد.» ماده (۱۲۷) را به این شکل اصلاح کرده‌اند: «ماده ۱۲۷- آیین‌نامه اجرایی مربوط به چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.»

**آقای علیزاده -** البته من در مورد این ماده، به نمایندگان مجلس [در جلسه با کمیسیون قضایی و حقوقی] گفتم که با این تغییر، ایراد شورای نگهبان رفع نمی‌شود.

**آقای رهپیک -** این ماده، اشکال دارد.

→

شورای اسلامی: «ماده ۱۲۵- به منظور ارتقای همکاری‌های بین‌المللی در زمینه جرائم رایانه‌ای، وزارت دادگستری موظف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اقدامات لازم را در زمینه تدوین لوایح و پیگیری امور مربوط جهت پیوستن ایران به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای و معاهدات راجع به همکاری و معاضدت دوجانبه یا چندجانبه قضایی انجام دهد.»

۱. اصلاحیه‌ی ماده (۱۲۵) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۵/۱۹ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده (۱۲۵) حذف می‌شود.»

۲. ماده (۱۲۷) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۲۷- شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

۳. ماده (۱۲۲) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۲۲- به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری ادله الکترونیکی جمع‌آوری شده، لازم است از آنها مطابق آیین‌نامه موضوع ماده (۱۲۷) این قانون، نگهداری و مراقبت به عمل آید.»

**آقای ره‌پیک -** عبارت «پست الکترونیک» معادل فارسی داشت، ولی ما معادل فارسی «ادله الکترونیکی» که نداریم.

**آقای ابراهیمیان -** واژه‌ی «الکترونیکی» معادل نداشته است.

**آقای ره‌پیک -** «الکترونیکی» معادل ندارد.

**منشی جلسه -** اگر معادل فارسی ندارد، پس در بالا هم این ایراد را نگوئیم.

**آقای ره‌پیک -** نه، «پست الکترونیکی» یک واژه‌ی علم بود که یک معادلی برایش ساخته‌اند، ولی برای «ادله الکترونیکی» معادل فارسی نداریم. حالا باید از این ایراد اغماض کنیم. پس تصویب آیین‌نامه [توسط رئیس قوه‌ی قضائیه] اشکالی نداشت؟

**آقای ابراهیمیان -** چرا؛ [تعیین شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی به موجب] آیین‌نامه اشکال داشت؛ چون «قانون» باید این موضوعات را تعیین کند.

**آقای علیزاده -** این ایراد را که گفتیم.

**آقای ره‌پیک -** بله، ولی اینکه رئیس قوه‌ی قضائیه کل آیین‌نامه را تصویب کند، اشکال دارد یا ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** به نظرم، اشکالی ندارد.

**آقای علیزاده -** ما به نظرمان، این قسمت ایراد ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** نظر من هم همین‌طور است. اگر قرار است در مورد جمع‌آوری و استنادپذیری ادله، قانون تصویب کنند [تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، توسط رئیس قوه‌ی قضائیه ایرادی ندارد].

**آقای علیزاده -** بعد، آن وقت اگر قانونی که تصویب کردند، ربطی به رئیس قوه‌ی قضائیه نداشت، این ایراد را در آنجا می‌گیریم.

**آقای ابراهیمیان -** بله.

**آقای علیزاده -** پس اشکال مربوط به مخالفت با اصل (۸۵) قانون اساسی، کماکان به قوت خود باقی است. آقایان، اگر این ایراد را قبول دارید، رأی دهید.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، درست است. این ایراد، رأی آورد. آقایان رأی دادند.

**آقای ره‌پیک -** بله، رأی آورد.

**آقای علیزاده -** ما می‌گوییم که تعیین ضوابط مربوط به استنادپذیری آن ادله‌ی الکترونیکی باید به موجب قانون باشد.

**آقای مدرسی یزدی -** این آیین‌نامه، آیین‌نامه‌ی اجرایی است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خب، قانون مربوط به این موضوع را نداریم.

**آقای مدرسی یزدی -** در جایی، قانونی در این زمینه داشتیم.

است که اطلاق تصویب آیین‌نامه در مواردی [که جنبه‌ی قضایی دارد، از سوی هیئت وزیران، مغایر اصل (۱۵۸) است].

**آقای علیزاده -** نه، این آیین‌نامه‌ی است که شرایط و چگونگی استنادپذیری ادله الکترونیکی را مشخص می‌کند.

**آقای ره‌پیک -** این ایراد، فرق می‌کند.

**آقای ابراهیمیان -** موضوع جمع‌آوری و استنادپذیری ادله، هر دو مسئله‌ی قضایی است.

**آقای علیزاده -** بله، قضایی است.

**آقای ره‌پیک -** اگر موضوع، این‌طوری باشد که شما می‌فرمایید، بقیه‌ی مسائل هم همین‌طور است؛ چون اصل این بحث، قضایی است. این موضوع، چون بحث الکترونیک بود و به شبکه‌ی مخابراتی ارتباط دارد، از این جهت به دولت هم ارتباط پیدا می‌کند.

**آقای علیزاده -** این موضوع که مربوط به هر ادله‌ی الکترونیکی نیست.

**آقای ره‌پیک -** نه، این به شبکه‌ی ارتباطات کشور ارتباط دارد.

**آقای ابراهیمیان -** الآن در آیین دادرسی کیفری هم مقرراتی داریم که دولت ما نزد سایر نهادها و ادارات، قوه‌ی مجریه است.

**آقای اسماعیلی -** اشکال خودمان را درست می‌کنیم.

**آقای ره‌پیک -** به هر حال ما در اشکالمان گفتیم که بعضی از موارد این آیین‌نامه، جنبه‌ی قضایی دارد؛ یعنی همه‌ی مواردش این‌طور نیست. ما این را گفتیم؛ حالا الآن اگر بگوییم همه‌ی موارد آیین‌نامه قضایی است، [نقض اشکال سابق خودمان است].

**آقای علیزاده -** حالا مجلس دارد می‌گوید همه‌ی این موارد، قضایی است.

**منشی جلسه -** آن ایراد ماده (۱۲۲) که مبنیاً بر این ایراد بود هم باقی است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، آن اشکال مبنیاً باقی است.

**آقای علیزاده -** آن ایراد که مبنی بر ایراد اینجا بود، کجا بود؟

**منشی جلسه -** گفتیم که ماده (۱۲۲) نیز مبنیاً بر ایراد مذکور، اشکال دارد.

**آقای علیزاده -** بله، آن ایراد باقی است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** لفظ «الکترونیک» هم اشکال دارد. باز تذکر بدهید که لفظ «الکترونیکی» را تغییر بدهند.

**آقای سلیمی -** معادل این لفظ چیست؟

**منشی جلسه -** ذکر معادل برای آن، سخت است.

اتفاق «بطلان عملیات حقوقی» نسبت به مواردی که عامل اختیار قانونی برای اعمال این امر را دارد، تحقق آن با صرف نهی قاضی، خلاف موازین شرع است.» که این ایراد را به این شکل اصلاح کرده‌اند: «در انتهای بند (ب) ماده (۱۳۰)، بعد از عبارت «تخلف از این ممنوعیت» متن زیر جایگزین می‌شود:

«موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است و اقدامات انجام‌شده بر خلاف قرار مزبور، فاقد اثر قانونی است.» یعنی بند (ب) به این صورت تغییر می‌کند: «ب- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است و اقدامات انجام‌شده بر خلاف قرار مزبور، فاقد اثر قانونی است.»

**آقای ره‌پیک -** جای کلمه «بطلان»، عبارت «فاقد اثر قانونی» را نوشته‌اند. اگر مقصود از اثر قانونی، صحت معامله است، خب این عبارت هم یعنی بطلان معامله.

**آقای علیزاده -** بله، اشکال این ماده، رفع نشده است.

**آقای شب‌زنده‌دار -** مجمع مشورتی فقهی هم گفته است که اشکال، رفع نشده است.<sup>۳</sup>

**آقای علیزاده -** بگوئیم «علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است.» آقایان فقها باید برای این اشکال، رأی بدهند. اگر رأی می‌دهید، این ایراد را بنویسم. واقعاً عبارت «فاقد اثر قانونی»، یعنی اینکه معامله باطل است.

**آقای ره‌پیک -** یعنی حداقل فاقد اثر قانونی بودن، بطلان معامله

→

شورای اسلامی: «ماده ۱۳۰- در صورت وجود دلیل کافی دایر بر توجه اتهام به شخص حقوقی و در صورت اقتضاء منحصرأ صدور قرارهای تأمینی زیر امکان‌پذیر است. این قرارها ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه صالح است.

الف- ...

ب- قرار منع تغییر ارادی در وضعیت شخص حقوقی از قبیل انحلال، ادغام و تبدیل که باعث دگرگونی یا از دست دادن شخصیت حقوقی آن شود. تخلف از این ممنوعیت علاوه بر بطلان عملیات حقوقی، موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های درجه هفت یا هشت برای مرتکب است.»

۳. «با تغییر لفظ «بطلان عملیات حقوقی» به لفظ «فاقد اثر قانونی»، محتوای بند (ب) تغییر نکرده و اشکال به قوت خود باقی است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۳/ف/۱۷۸ مورخ

۱۳۹۳/۶/۱۸، قابل دسترسی در نشانی زیر: [yon.ir/OznmO](http://yon.ir/OznmO)

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، قانون نداریم.

**آقای علیزاده -** پس چطور شما به خلاف بودن این ماده با اصل (۸۵) قانون اساسی رأی دادید؟! [به هر حال، این ایراد، رأی آورد. ما به این موضوع، اشکال گرفته بودیم، ولی آن اشکال را رفع نکرده‌اند.

**آقای یزدی -** یعنی می‌فرمایید هیچ استناد به ادله‌ی الکترونیکی هیچ اعتباری ندارد؟!

**آقای علیزاده -** ما می‌گوییم این ادله اعتبار دارد، اما استنادپذیری آن ادله‌ی الکترونیکی، مثل ادله‌ی اثبات دعوی است. همان‌طور که شما در فلان قانون می‌گویید که این دلیل معتبر است، برای ادله‌ی الکترونیکی هم باید بگویند کجا این دلیل معتبر است و در چه صورتی معتبر است تا بعداً بتوانند بگویند این ادله، استنادپذیر است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله، باید بگویند که این ادله، کجا معتبر است و کجا معتبر نیست.

**آقای یزدی -** شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی.

**آقای سوادکوهی -** مطالبتان را طرح کنید.

**آقای علیزاده -** مگر ما نگفتیم که این ماده، خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی است؟ خب الان اینها هیچ تغییری در این مورد داده‌اند یا نداده‌اند؟ هیچ تغییری نداده‌اند.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** قبلاً این ماده، عبارت «آیین‌نامه اجرایی» نداشت، اما الان دارد.

**آقای علیزاده -** نه، ایرادمان را بخوانید. ما در نظردان چه گفته بودیم؟ گفتیم واگذاری شرایط و چگونگی جمع‌آوری و استنادپذیری ادله به آیین‌نامه مغایر اصل (۸۵) است. الان هم این ماده‌ی اصلاحی، همین را گفته است. آقایان اعضای که این ماده‌ی اصلاحی را همچنان خلاف اصل (۸۵) می‌دانند، رأی بدهند.

**منشی جلسه -** هفت رأی دارد.<sup>۱</sup>

**منشی جلسه -** [بند (۲۹) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ

۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان:] «۲۹- در بند (ب) ماده (۱۳۰)،<sup>۲</sup>

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ شورای نگهبان:

۲- قسمت اول اشکال بند (۲۸) قبلی این شورا در خصوص مغایرت ماده (۱۲۷) با اصل (۸۵) قانون اساسی کماکان به قوت خود باقی است.»

۲. ماده (۱۳۰) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس

←

است؛ چون ممکن است که آثار دیگری هم داشته باشد.

**آقای علیزاده** - «فاقد اثر قانونی بودن»، یعنی بطلان؛ حالا آمده‌اند و مجازات را هم اضافه کرده‌اند. آن «بطلان» را حذف نکردند، مجازات را هم به این ماده اضافه کرده‌اند.

**آقای ره‌پیک** - نه، در ماده‌ی قبلی هم مجازات وجود داشت.

**آقای علیزاده** - اثر قانونی یعنی همان صحت یا نفوذ معامله. در این اصلاحیه، گفته‌اند که این معامله صحت و نفوذ ندارد. قرار نبود این را بیاورند. [در جلسه‌ی کمیسیون قضایی و حقوقی که] ما با نمایندگان توافق کردیم، قرار بود صرفاً همان مجازات را بیاورند. حالا شما [فقه‌های شورای نگهبان] قبول دارید که اشکال رفع نشده است؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - ظاهراً که اشکال رفع نشده است.

**آقای یزدی** - نوشته‌اند که «موجب یک یا دو نوع از مجازات‌های تعزیری درجه هفت یا هشت برای مرتکب است ...»

**آقای علیزاده** - این عبارت که در ماده‌ی سابق نیز بود.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، این قسمت از عبارت قبلاً هم بود.

**آقای علیزاده** - آقایان فقها در خصوص آن قسمت دیگر این ماده، یعنی عبارت «علاوه بر بطلان عملیات حقوقی» فرمودند: «اتفاق «بطلان عملیات حقوقی» نسبت به مواردی که عامل، اختیار قانونی برای اعمال این امر را دارد، تحقق آن با صرف نهی قضایی، خلاف موازین شرع است.» حالا خود قانون آمده است و دارد می‌گوید که این اقدامات اعتبار ندارد. اعتبار ندارد، یعنی اینکه عملی که صحیحاً انجام شده است، معتبر نیست.

**آقای ره‌پیک** - مگر اینکه بگویند بطلان شرعی با آثار قانونی فرق می‌کند؛ یعنی اینکه بگوییم عامل مسئول یک آثار دیگری غیر از این است، که این هم صحیح نیست و نمی‌شود این‌طوری گفت.

**آقای علیزاده** - نه.

**آقای ابراهیمیان** - ذکر صرف مجازات هم مشکل را حل نمی‌کند؛ یعنی مجلس می‌خواسته است که وضعیت شخص حقوقی تغییر نکند.

**آقای علیزاده** - یکی از موارد آثار قانونی، «صحت» است.

**آقای یزدی** - اینکه می‌گوید فاقد اثر قانونی است، یعنی صحت ندارد.

**آقای علیزاده** - یکی از آثار قانونی، نفوذ معامله است که طبق

این اصلاحیه، هیچ کدام از اینها را نداریم؛ مثل [حکم به] بطلان است.

**آقای سلیمی** - نمی‌شود که این ماده خود به خود [صحت معامله را] بردارد.

**آقای علیزاده** - فعلاً سه نفر به باقی بودن این ایراد رأی داده‌اند.

**آقای ره‌پیک** - مهمترین اثر قانونی این است که [معامله صحیح باشد].

**آقای علیزاده** - مهمترین اثر قانونی، صحت و نفوذ است.

**آقای یزدی** - یعنی می‌فرمایید قرار منع تعقیب هیچ اثری نداشته باشد؟

**آقای علیزاده** - بله. حضرت آیت الله مدرسی، شما [در مرحله‌ی قبلی بررسی این مصوبه] فرمودید که بطلان چنین معامله‌ای درست نیست؛ حالا در اصلاح این ماده گفته‌اند که این معامله اعتبار ندارد.

**آقای مدرسی یزدی** - فرقی نمی‌کند؛ معنای این دو عبارت یکی است.

**آقای علیزاده** - بله. خیلی خوب پس این ایراد، چهار تا رأی دارد. پس در خصوص عبارت «فاقد اثر قانونی است» می‌گوییم: «علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال به قوت خود باقی است.»

**آقای مدرسی یزدی** - البته می‌شود این عبارت را به یک نحوی توجیه کرد، ولی مقصود اینها این است که معامله باطل باشد.

**آقای علیزاده** - بله، منظورشان بطلان است.

**آقای مدرسی یزدی** - [یا باید به این بند از ماده (۱۳۰) مجدداً ایراد بگیریم] یا اینکه ابهام بگیریم تا مقصودشان روشن تر شود. **آقای علیزاده** - ما می‌گوییم اشکال رفع نشده است؛ مقصودشان را بگویند و آن را روشن کنند یا اگر منظور دیگری دارند بیان بکنند. وقتی به آنجا [= جلسه‌ی کمیسیون قضایی و حقوقی] رفتیم، درستش می‌کنیم.<sup>۱</sup>

**منشی جلسه** - [بند (۳۰) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۹۳/۱۰/۲۳ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان]: «(۳۰- ماده (۱۳۶)، اشکال عبارتی

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۹۳/۶/۲۳ شورای نگهبان:

«(۳- در بند (ب) ماده (۱۳۰)، علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق

این شورا کماکان به قوت خود باقی است.»

۲. ماده (۱۳۶) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۳۶- سایر مقررات آیین دادرسی کیفری در مورد اشخاص حقوقی مطابق مقررات این قانون است.»

که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷)<sup>۱</sup> هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند. این ماده، را این‌طور اصلاح کرده‌اند: «ماده ۱۳۷- دولت موظف است به تکالیف مقرر در اجرای احکام مواد (۸۸)، (۹۰) و (۹۲) تا (۹۴) با توجه به بندهای (ح) و (ف) ماده (۲۱۱) در مدت باقی‌مانده قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران<sup>۲</sup> اقدام نماید. بار مالی اضافی

→

سامانه‌های الکترونیکی لازم برای تأمین اطلاعات یا ارتباطات مورد نیاز مراجع قضایی را با دستور مقام قضایی صالح از طریق شبکه ملی عدالت فراهم آورند. مستنکف از مفاد این تبصره مشمول ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است.

تبصره ۲- ...

۵. ماده (۹۲) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹۲- قوه قضائیه موظف است برای دادگستری استان‌های سراسر کشور و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه، تارنمای (وب‌سایت) اختصاصی راه‌اندازی کند و مراجع مزبور موظفند اطلاعات ذیل را در آن ارائه کنند و آنها را روزآمد نگه دارند: ...»

۶. تبصره (۳) ماده (۹۳) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹۳- ...»

تبصره ۳- مراجعان به قوه قضائیه موظفند پست الکترونیکی و شماره تلفن همراه خود را در اختیار قوه قضائیه قرار دهند و در صورت عدم دسترسی به پست الکترونیک، مرکز آمار موظف است برای شهروندان و متقاضیان، امکانات لازم برای دسترسی به پست الکترونیکی ملی قضایی جهت امور قضایی ایجاد کند.»

۷. تبصره‌ی ماده (۹۴) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹۴- ...»

تبصره- قوه قضائیه موظف است مرکز صدور گواهی ریشه برای امضای الکترونیکی را جهت ایجاد ارتباطات و مبادله اطلاعات امن راه‌اندازی نماید.»

۸. ماده (۱۳۷) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۳۷- بار مالی این قانون از محل هزینه‌های دادرسی به شرح مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ تأمین خواهد شد.»

۹. بندهای (ح) و (ف) ماده (۲۱۱) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۲۱۱- ...»

ح- به منظور افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی و قضایی، قوه قضائیه مکلف است اقدامات زیر را برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام دهد:

۱- سامانه‌های عملیاتی و توسعه سطح استفاده از فناوری اطلاعات و

←

دارد و باید اصلاح گردد.» برای اصلاح این ایراد، گفته‌اند: «ماده (۱۳۶) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱۳۶- در مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرائم اشخاص حقوقی مقرر نشده است، مطابق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری که در مورد این اشخاص قابل اجراء است اقدام می‌شود.»

**آقای علیزاده -** خیلی خب، این اشکال درست شد؟

**منشی جلسه -** [بند (۳۲) نظر شورای نگهبان: «۳۲- تبصره ماده (۱۱)، بند (پ) ماده (۱۲)، ماده (۸۸)، ماده (۹۰) و تبصره یک آن، ماده (۹۲)، تبصره (۳) ماده (۹۳) و تبصره ماده (۹۴)»]

۱. تبصره‌ی ماده (۱۱) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱- ...»

تبصره- گروه شغلی، حقوق و مزایای قضات شاغل در سازمان قضایی همان است که برای هم‌تراز آنان در دادگستری پیش‌بینی شده است. و لیکن با توجه به معافیت قضات نظامی از پرداخت مالیات، هم‌ترازی آنان با محاسبه کسر مالیات می‌باشد.»

۲. ماده (۱۲) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۲- دادگاه‌های نظامی که به موجب این قانون تشکیل می‌شوند، عبارتند از:

الف- دادگاه نظامی دو

ب- دادگاه نظامی یک

پ- دادگاه تجدیدنظر نظامی

ت- دادگاه نظامی دو زمان جنگ

ث- دادگاه نظامی یک زمان جنگ

ج- دادگاه تجدیدنظر نظامی زمان جنگ.»

۳. ماده (۸۸) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۸- به منظور ساماندهی پرونده‌ها و اسناد قضایی و ارائه بهتر خدمات قضایی و دستیابی روزآمد به آمار و گردش کار قضایی در سراسر کشور و همچنین ارائه آمار و اطلاعات دقیق و تفصیلی در خصوص جرائم، متهمان، بزه‌دیدگان و مجرمان و سایر اطلاعات قضایی، «مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه» در مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه راه‌اندازی می‌شود.

تبصره ۱- ...»

۴. ماده (۹۰) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۹۰- قوه قضائیه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است، «شبکه ملی عدالت» را با به‌کارگیری تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه‌اندازی کند.

تبصره ۱- دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی موظفند

←

ناشی از اجرای این قانون از محل افزایش درآمدهای قانون آیین دادرسی کیفری تأمین می‌گردد.»

**آقای اسماعیلی** - این ماده که مثل همان ماده‌ی سابق است. **آقای علیزاده** - نه، من با آقایان نمایندگان در مورد آنچه که شما فرمودید صحبت کردم. آقایان نمایندگان فرمودند آنچه که در این مصوبه آورده‌اند، وظایفی است که در قانون برنامه‌ی پنجم مشخص شده است و در مدت باقی‌مانده باید اجرا شود. نمایندگان در آن جلسه گفتند که الآن این مصوبه، دولت را الزام به آن وظایف نمی‌کند، بلکه دولت را برای مدت باقی‌مانده از پایان قانون برنامه‌ی پنجم، ملزم می‌کند که بیاید و آن مواد

→

ارتباطات به ویژه سامانه مدیریت پرونده های قضایی، راه‌اندازی مرکز ملی داده‌های قوه قضائیه، اجراء و تکمیل سامانه مدیریت امنیت اطلاعات، عرضه خدمات حقوقی الکترونیک به مردم، استفاده از فناوری اطلاعات در برقراری ارتباط بین مراجع قضایی و سایر نهادهای تابعه یا مرتبط از قبیل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان‌ها زندان‌ها، سازمان پزشکی قانونی راه‌اندازی، گسترش و ارتقاء یابد.

۲- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است به منظور ارتقاء ضریب امنیت در اسناد مالکیت، کاهش پرونده‌های مرتبط با اسناد در محاکم قضایی، رقومی نمودن اقلام اطلاعاتی سند و اجرایی نمودن ثبت نوین با استفاده از فناوری اطلاعات، نسبت به تعویض اسناد مالکیت اقدام کند.

تبصره- وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و راه و شهرسازی و سازمان اوقاف و امور خیریه مکلفند در طول برنامه پنجم، ضمن شناسایی و ارائه مستندات کلیه اراضی ملکی و تحت تولید خویش، با سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برای تهیه نقشه املاک مذکور بر اساس استاندارد حدنگاری (کاداستر) همکاری نمایند.

۳- به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود بر اساس آیین‌نامه‌ای که توسط وزیر دادگستری با همکاری دادستانی کل کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تأیید رئیس قوه قضائیه می‌رسد، اسناد و اوراق پرونده‌های قضایی که نگهداری سوابق آنها ضروری می‌باشد را با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی روز، به اسناد الکترونیکی تبدیل و سپس نسبت به امحاء آنها اقدام نماید مشروط بر آنکه حداقل سی سال از مدت بایگانی قطعی آنها گذشته باشد. اطلاعات و اسناد تبدیلی در کلیه مراجع قضایی و اداری سندیت داشته و قابل استناد خواهد بود. اصل پرونده‌های مهم و ملی که جنبه سندیت تاریخی دارد، توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران حفظ و نگهداری خواهد شد.

۴- سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی موظف است نسبت به ایجاد سامانه‌های الکترونیکی برای اجرای محکومیت‌های حبس و قرارهای تأمینی، اقدام نماید.

ط- ...

ف- دولت در طول برنامه، اعتبارات لازم برای اجرای تکالیف مقرر در این ماده را در قالب بودجه سنواری پیش‌بینی می‌نماید.»

قانون برنامه‌ی پنجم را اجرا بکند. دولت طبق قانون برنامه، به اجرای آن مواد ملزم است. در قانون برنامه‌ی پنجم گفته‌اند که دولت این کارها را تا پایان سال اجرای قانون برنامه‌ی پنجم [= سال ۱۳۹۴] انجام دهد. هم این مصوبه نگفته است که این وظایف را همین الآن انجام بدهند، بلکه گفته است بیاید و وظیفه‌تان را انجام بدهید. اگر وظیفه‌شان را مطابق قانون برنامه‌ی پنجم انجام دادند، آن مواد مربوط به تکالیف قانون برنامه که در این مصوبه، ایراد بار مالی داشت [= مواد (۸۸)، (۹۰)، (۹۲)، (۹۳) و (۹۴)] اجرا می‌شود. دو مورد از مواد مورد اشکال باقی می‌ماند. یکی از دو موردی را که شما فرمودید اضافه شدن دادگاه تجدیدنظر نظامی [مذکور در بند (پ) ماده (۱۲)] بود. یکی هم آن حقوق اضافه‌ی آقایان قضات سازمان قضایی [مذکور در تبصره‌ی ماده (۱۱)] بود. این دو مورد باقی می‌ماند. نمایندگان می‌گویند بار مالی این دو مورد را از درآمد اضافی که با اجرای قانون آیین دادرسی کیفری به دست می‌آید، تأمین کنند.

**آقای رهپیک** - اولاً همیشه ما گفته‌ایم که وجود تکالیف قانونی در قانون برنامه، مشکل بار مالی مصوبه را حل نمی‌کند.

**آقای علیزاده** - این قانون برنامه‌ی پنجم مگر این وظایف را ذکر نکرده است؟ گفته است [دولت یا قوه‌ی قضائیه] بیاید و این کارها را انجام بدهد. آن وقت، اگر دولت هزینه‌ی اجرای این تکالیف را داد که داد [و آن تکالیف قانونی انجام می‌شود]؛ اگر هم نداد، خب نداده است.

**آقای رهپیک** - تکالیف قانون برنامه که قبل از این مصوبه بوده است. **آقای ابراهیمیان** - این مصوبه، تأکید بر تکالیف مقرر در قانون برنامه‌ی پنجم است.

**آقای علیزاده** - بله، تأکید بر قانون برنامه است. **آقای رهپیک** - تأکید بر قانون برنامه که مشکل بار مالی این مصوبه را حل نمی‌کند.

**آقای علیزاده** - این اصلاحیه، اشکالی ندارد.

**آقای ابراهیمیان** - مشکل بار مالی هم ندارد.

**آقای رهپیک** - این اصلاحیه چه تأثیری در ایراد ما دارد؟ ما به این مصوبه ایراد گرفتیم و گفتیم بار مالی این مصوبه، تأمین نشده است.

**آقای مدرسی یزدی** - یک مقداری از آن بار مالی پیش بینی شده است. بعضی از مواد این مصوبه، همان وظایف مقرر در قانون برنامه‌ی پنجم است.



**آقای هاشمی شاهرودی -** این ماده (۱۳۷) اصلاحی دارد می‌گوید ما همان وظایف قانون برنامه‌ی پنجم را داریم می‌گوییم؛ طبق قانون برنامه‌ی پنجم عمل کن. پس این قسمت از ماده، اشکالی ندارد.

**آقای ابراهیمیان -** بله، ایراد بار مالی ندارد.

**آقای علیزاده -** با این اصلاحیه، ایراد بار مالی آن مواد [که تأکید مواد قانون برنامه پنجم است] رفع شده است؛ اما حالا دولت در عمل، یا آن وظایف را انجام می‌دهد یا نمی‌دهد. بنابراین، دو مورد از مواد مورد ایراد باقی می‌ماند. یک بار دیگر ایرادمان را بخوانیم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این قانون آیین دادرسی کیفری، درآمد اضافی ندارد.

**آقای علیزاده -** گفته‌ایم: «۳۲- تبصره ماده (۱۱)، بند (پ) ماده (۱۲)، ماده (۸۸)، ماده (۹۰) و تبصره یک آن، ماده (۹۲)، تبصره (۳) ماده (۹۳) و تبصره ماده (۹۴) که به افزایش هزینه عمومی می‌انجامند و طریق پیش‌بینی شده در ماده (۱۳۷) هزینه‌های مذکور را تأمین نمی‌نماید، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می‌باشند.» با آن عبارت صدر ماده (۱۳۷) اصلاحی، تعدادی از مواد را از ایراد ما خارج کرده‌اند. فقط دو مورد دیگر باقی مانده است.

**آقای ابراهیمیان -** کدام مواد است؟

**آقای علیزاده -** این آقایان نمایندگان می‌گویند که یک کاری نکنید دادرسی جرائم نیروهای مسلح، غیر از آنچه که در همه جا معمول است، یک قانون جداگانه‌ای پیدا کند. الآن اختیار هزینه‌ی دادرسی با مجلس است. مجلس می‌آید و هر سال هزینه‌ی دادرسی را تعیین می‌کند. جناب عالی استحضار دارید. با در نظر گرفتن این موضوع و خارج کردن آن مواد، درآمد ناشی از اخذ هزینه‌ی دادرسی، بار مالی این دو ماده‌ی باقی مانده را تأمین می‌کند.

**آقای ره‌پیک -** خوب باید این هزینه‌ها را در بودجه‌ی سنواتی هم پیش‌بینی کنند. ما قبلاً گفتیم بار مالی این قانون از محل اخذ هزینه‌ی دادرسی در این قانون تعریف می‌شود.

**آقای علیزاده -** شما نگفتید این قانون آیین دادرسی کیفری جدید، درآمدی ندارد. شما گفتید با توجه به این همه وظایفی که در این مصوبه گفته‌اند، این محل درآمدی، این هزینه‌ها را تأمین نمی‌نماید. الآن از هفت مورد، پنج مورد آن، یعنی ماده (۸۸)، (۹۰) تا (۹۴) که ایرادش با احاله‌ی به قانون برنامه‌ی

**آقای ره‌پیک -** نه، پیش‌بینی نشده است. دولت باید بار مالی تکالیف مقرر در قانون برنامه را در بودجه‌ی سالانه پیش‌بینی کند که الآن در قانون بودجه پیش‌بینی نشده است.

**آقای علیزاده -** این وظایف، همان وظایف مقرر در قانون برنامه است. نمایندگان می‌گویند اگر به این تکالیف قانونی عمل کردند، که کردند؛ اگر هم عمل نکردند، ما حرفی نداریم.

**آقای ره‌پیک -** [این مصوبه، اجرای این مواد را به اختیار و خواست دولت] منوط که نکرده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** یعنی با این اصلاحی که کرده‌اند، این مواد را به قانون برنامه‌ی پنجم مربوط کرده‌اند؛ گفته‌اند همان وظایف را اجرا کنید. یعنی این تکالیف را از اطلاق بیرون آورده‌اند.

**آقای علیزاده -** بله، از اطلاق درآورده‌اند؛ یعنی تا آخر زمان اجرای قانون برنامه‌ی پنجم، آن وظایف را اجرا کنند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** پس فقط آن ذیل ماده (۱۳۷) باقی می‌ماند. آیا واقعاً ذیل این ماده، یک درآمد اضافی دارد؟ این اشکال باقی می‌ماند.

**آقای ره‌پیک -** من باز معتقدم این ماده دارای دو اشکال است. یک اشکال اینکه قانون برنامه‌ی پنجم، درآمدی را اضافه نمی‌کند. دوم اینکه ما قبلاً هم گفته‌ایم که این قانون آیین دادرسی کیفری نمی‌خواهد درآمد اضافه‌ای تولید کند.

**آقای یزدی -** یک بحث، زمان اجرای قانون برنامه‌ی پنجم است. [قوه‌ی قضائیه و دولت] باید در مدت زمان پنج‌ساله‌ی قانون برنامه، آن کارها را انجام دهند.

**آقای علیزاده -** یک سال و نیم تا انتهای اجرای قانون برنامه‌ی پنجم مانده است. این مصوبه می‌گوید اینها باید این مواردی را که در این مصوبه گفته‌اند باید الکترونیکی بشود، در مدت یک سال و نیم انجام دهد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بعد از اتمام آن یک سال و نیم، چه می‌شود؟

**آقای یزدی -** دوباره باید برنامه بدهند.

**آقای اسماعیلی -** این وظایف، در قانون برنامه آمده است.

**آقای علیزاده -** بله، این وظایف در قانون برنامه آمده است، ولی تا به حال [قوه‌ی قضائیه و دولت این وظایف را] اعمال نکرده‌اند. این مصوبه می‌گوید شما بیا و این وظایف را اعمال کن. به اینها می‌گوید وظیفه‌تان را طبق قانون برنامه انجام بدهید.

به بار مالی آن توجه نمی‌کنیم.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** کلاً محدود کرده‌ایم.

**آقای ابراهیمیان -** اگر «طرح» اصلاح قانون برنامه بیاید و اضافه کردن چیزی باشد، به آن ایراد مغایرت با اصل (۷۵) می‌گیریم.

**آقای ره‌پیک -** نه.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** به خود مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه برنامه ایراد مغایرت با اصل (۷۵) می‌گرفتید؟

**آقای ره‌پیک -** ما اصلاً می‌گفتیم که قانون برنامه، لاشرط از اصل (۷۵) است.

**آقای ابراهیمیان -** نه، هستند.

**آقای ره‌پیک -** این را نوشته‌ایم.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** به هر حال، حداقل من به سهم خودم ایراد بار مالی به قانون برنامه پنجم داشتم.

**آقای ابراهیمیان -** به لایحه که ایراد مغایرت با اصل (۷۵) نمی‌گیرند.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** ولی چون اصل آن مصوبه، به صورت لایحه بوده است، شورای نگهبان ایراد اصل (۷۵) به آن مصوبه نگرفت.

**آقای ره‌پیک -** الآن ایشان [= آقای علیزاده] هم حرف من را تأیید می‌کنند؛ چون آن مصوبه، برنامه‌ی پنج‌ساله بوده است [ایراد اصل (۷۵) به آن نمی‌گرفتیم].

**آقای مدرس‌ی یزدی -** به هر حال، هر چه که هست، الآن ما می‌گوییم چون قانون برنامه، به صورت «لایحه» بوده است ایراد اصل (۷۵) به آن نمی‌گرفتیم. خوب الآن اگر قانون برنامه را تغییر بدهند و دولت درآمدی برای اجرای آن نداشته باشد، تکالیف آن را چگونه انجام بدهد؟

**آقای ره‌پیک -** نه، به خاطر اینکه اصلاً قانون برنامه فارغ از بودجه است.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** چه کسی گفته است؟ کجا نوشته است؟

**آقای ره‌پیک -** قانون برنامه را برای پنج سال آینده می‌نویسند.

**منشی جلسه -** تکالیف قانون برنامه در ضمن قانون بودجه‌ی سالانه اجرا می‌شود.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** باید در همان حدی که تکلیفی در قانون برنامه آمده است، در همان حد درآمد هم پیش‌بینی بشود.

**آقای ره‌پیک -** اصلاً چنین چیزی امکان ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** آخر، قانون برنامه که سالانه نیست.

پنجم توسعه رفع شده است. دو مورد، یکی تبصره‌ی ماده (۱۱) و دیگری بند (پ) ماده (۱۲) می‌ماند. غیر از این چیز دیگری می‌ماند؟

**آقای سوادکوهی -** ماده (۱۲).

**آقای علیزاده -** بله، بند (پ) ماده (۱۲). فقط همین دو تا می‌ماند. مجلس می‌گوید شما گفتید این منبع، بار مالی این موارد را با آن کلیت تأمین نمی‌کند. حالا هم که ما ماده (۱۳۷) را اصلاح کرده‌ایم، باز می‌فرمایید این منبع و محل پیش‌بینی شده، بار مالی این دو ماده‌ی باقی‌مانده را تأمین نمی‌کند! پس با آن [درآمدهای اضافی ناشی از اخذ هزینه‌ی دادرسی در قانون آیین دادرسی جدید] چه کرده‌اند؟

**آقای ابراهیمیان -** [بار مالی این دو مورد،] زیاد نیست.

**آقای ره‌پیک -** نه، اگر می‌خواهیم اغماض کنیم، اغماض کنیم، اما این منبع، بار مالی این مصوبه را تأمین نمی‌کند. حالا اگر می‌خواهیم بگوییم که از این ایراد بگذریم و رد شویم، بگذریم دیگر. آخر، آن چهار مورد چیست [که می‌گویید با این اصلاح به عمل آمده، مشکل بار مالی‌اش حل شده است]؟! این اصلاحیه دارد می‌گوید قانون برنامه‌ی پنجم توسعه دولت را موظف کرده است؛ خوب این یعنی دولت پول بدهد یا برود برنامه بنویسد؟! ما همیشه گفته‌ایم که برنامه‌ی پنج‌ساله که ربطی به پول و تأمین بار مالی ندارد، بلکه فقط ایجاد تکلیف است.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** چه کسی گفته است؟

**آقای ره‌پیک -** قانون برنامه، فقط ایجاد تکلیف می‌کند، ولی ما هیچ موقع به بار مالی آن تکالیف رسیدگی نکرده‌ایم؛ چون تأمین بار مالی آن تکالیف، باید در ضمن قانون بودجه‌ی سنواتی بیاید. در قوانین برنامه، تا به حال هزار جور تکالیف تصویب کرده‌اند، ولی ما هیچ موقع نسبت به قانون برنامه ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی نگرفته‌ایم، چرا؟ چون گفته‌ایم قانون برنامه بحث مالی ندارد.

**آقای مدرس‌ی یزدی -** جزء لایحه‌ی دولت بوده است.

**آقای ره‌پیک -** نه، دلیل ایراد نگرفتن ما، این نبوده است که اصل این قانون، لایحه بوده است، بلکه می‌گفتیم چون قانون برنامه، پنج‌ساله است و برای پنج سال آینده دارد تکالیفی را پیش‌بینی می‌کند [ما ایراد بار مالی به آن نمی‌گیریم]. تمام استدلال ما نسبت به قانون برنامه پنج‌ساله همین است. ما عین همین را نوشته‌ایم. ما گفته‌ایم نسبت به قانون برنامه پنج‌ساله، ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی را نمی‌گیریم و اصلاً

**آقای یزدی -** قانون برنامه برای پنج سال است، برای ده سال است.

**آقای مدرسی یزدی -** باشد؛ قانون برنامه همیشه از طرف دولت به صورت لایحه به مجلس ارائه می‌شود. این مطلب معلوم است.

**آقای ره‌پیک -** قانون برنامه، سالانه نیست.

**آقای یزدی -** در بودجه‌ی سالانه، برای اجرای تکالیف مقرر در قانون برنامه، سهمیه در نظر می‌گیرند.

**آقای مدرسی یزدی -** بله، آن حرف درست است. آن بحث، مربوط به تخصیص اعتبارات است. اعتبارات مربوط را در قانون بودجه‌ی سالانه تخصیص می‌دهند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** هیچ وقت ایراد مغایرت با اصل (۷۵) را به قوانین برنامه نگرفته‌ایم.

**آقای مدرسی یزدی -** چنین ایرادی نگرفتیم؛ چون اصل آن، لایحه بوده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، بعضی مواد قانون برنامه، اصلاً در لایحه‌ی دولت هم نبوده است، بلکه از طرف مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده است.

**آقای مدرسی یزدی -** آن مصوبه‌ی مجمع تشخیص، بالاتر از لایحه است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، یعنی چه که مصوبه‌ی مجمع بالاتر از لایحه است؟!

**آقای یزدی -** قانون برنامه، پنج‌ساله است.

**آقای مدرسی یزدی -** اصلاً چنین مطلبی که شما می‌گویید معقول نیست. مگر می‌شود که بدون توجه به بودجه‌ی دولت، در یک‌جایی، تکالیفی را برای پنج سال یا ده سال ایجاد کنند و اصلاً هیچ فکری در مورد بار مالی اجرای آن نکنند؟!

**آقای هاشمی شاهرودی -** قانون برنامه، سالانه نیست. خود دولت اجرای قانون برنامه را در طول سال‌ها تقسیم می‌کند و در هر سال، بودجه‌اش را تصویب می‌کنند.

**آقای مدرسی یزدی -** [عدم ایراد بار مالی به قوانین برنامه]، به خاطر این است که اصل آن مصوبه، به صورت لایحه ارائه می‌شود.

**آقای ره‌پیک -** بعضی از تکالیف قانون برنامه، مربوط به سال چهارم قانون برنامه است. خوب الآن که نمی‌توانند هزینه‌های مالی اجرای آن تکلیف را پیش‌بینی کنند. لذا به دولت می‌گویند سال چهارم که لایحه‌ی بودجه را ارائه می‌دهی در همان لایحه،

هزینه‌های مالی آن تکلیف را پیش‌بینی کن.

**آقای مدرسی یزدی -** اگر تکلیفی از طرف مجلس در قانون برنامه گنجانده شده باشد و زمان اجرای آن هم دراز مدت باشد، مثلاً دوساله یا سه‌ساله باشد، آیا باز ما می‌گفتیم ایراد بار مالی ندارد؟

**آقای ره‌پیک -** ما تا کنون چنین ایرادی به قوانین برنامه نگرفته‌ایم.

**آقای مدرسی یزدی -** حالا شما را نمی‌دانم، ولی من ایراد می‌گیرم.

**آقای هاشمی شاهرودی -** خیلی‌خب، فقط شما در موقع بررسی قانون برنامه، چنین ایرادی بگیرید.

**آقای مدرسی یزدی -** اصل (۷۵) نگفته است که قوانین برنامه از شمول این اصل استثنایند. در این اصل گفته است هر چه که برای دولت هزینه‌زا است، باید محل تأمین هزینه‌هایش تعیین شود. اگر به صورت تقلیل درآمد هم باشد، باید محل جبران آن را تعیین کنند؛ چه قانون برنامه باشد و چه هر قانون دیگری.

**آقای ره‌پیک -** ولی ما تا کنون نسبت به قوانین برنامه، ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی وارد نکرده‌ایم.

**آقای مدرسی یزدی -** این بحث، در طرح‌ها مطرح است.

**آقای یزدی -** در طرح‌ها، نمایندگان باید محل تأمین بار مالی را تعیین کنند و در لوایح هم دولت باید تعیین کند.

**آقای مدرسی یزدی -** بله، هر چه که بار مالی دارد، باید محل تأمین هزینه‌هایش را مشخص کنند دیگر؛ ولی چون قانون برنامه، به صورت لایحه ارائه می‌شده است، ما به آن ایراد اصل (۷۵) نگرفته‌ایم.

**آقای یزدی -** در قانون برنامه چون نمی‌شود گفت پنج سال دیگر وضعیت چگونه است [نمی‌توان محل تأمین هزینه‌های اجرای تکالیف را در آن مشخص کرد]. دولت باید تکالیف قانون برنامه را در طی پنج سال انجام دهد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** آقای علیزاده، باید بگوییم که این [=] تأمین بار مالی این مصوبه از محل اخذ هزینه‌های دادرسی] را در ضمن قانون بودجه بیاورند.

**آقای ره‌پیک -** به طور کلی گفته‌اند که اجرای این قانون با قانون آیین دادرسی کیفری از سال ۱۳۹۴ انجام شود. تاریخ اجرای این قانون را از سال ۱۳۹۴ مقرر کرده‌اند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای سلیمی** - این اصلاً بودجه ندارد.

**آقای رهپیک** - خوب بیایند و تأمین هزینه‌های اجرای این مصوبه را در قانون بودجه ۱۳۹۴ پیش‌بینی کنند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - بله، این هزینه‌ها را در قانون بودجه ۹۴ اضافه کنند و آنجا پیش‌بینی کنند.

**آقای مدرسی یزدی** - باید درآمدی داشته باشند تا بتوانند این هزینه‌ها را در بودجه پیش‌بینی کنند. وقتی درآمدی ندارند، چطور پیش‌بینی کنند؟

**آقای علیزاده** - هر ساله میزان این هزینه‌های دادرسی را در قانون بودجه می‌آورند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - اینها را هر سال در بودجه معین می‌کنند. خوب به مجلس بگویید که شما همین مطلب را در این ماده اشاره کنید و این مطلب را در این ماده بیاورید.

**آقای علیزاده** - این را هم گفته‌اند؛ گفته‌اند که بار مالی اضافی ناشی از اجرای این قانون، از محل [افزایش درآمدهای قانون آیین دادرسی کیفری تأمین می‌گردد].

**آقای سوادکوهی** - ما زمانی که ایراد اصل (۷۵) را به این گرفتیم، این موضوع را لحاظ نکردیم؟

**آقای علیزاده** - چه چیزی را؟

**آقای سوادکوهی** - همین قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم را.

**آقای علیزاده** - نه.

**آقای سوادکوهی** - چرا؛ ما با لحاظ اینکه این تکالیف در قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم آمده است، ایراد اصل (۷۵) به این مصوبه گرفتیم.

**آقای علیزاده** - نه، من این موضوع را از شما پرسیدم. آقایان دیگر هم بودند. شما گفتید این تکالیف در قانون برنامه هم آمده است، اما این مصوبه این وظایف را مطلقاً اعمال کرده است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - حالا این تکالیف، در این مصوبه‌ی اصلاحی، مقید شده است.

**آقای علیزاده** - حالا این ماده‌ی اصلاحی، این تکالیف را به قانون برنامه وابسته کرده است.

**آقای هاشمی شاهرودی** - مقید شد و اشکال بار مالی این مواد، رفع شد.

**آقای علیزاده** - این جهت از ایراد رفع شد. آنچه که باقی می‌ماند این دو مورد [= تبصره‌ی ماده (۱۱) و بند (پ) ماده (۱۲)] است. بار مالی این دو مورد هم از محل افزایش هزینه‌ی دادرسی که در

قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده، تأمین می‌گردد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - در خصوص این دو مورد باقی‌مانده هم، اگر عبارتی به این ماده اضافه کنند که بگوید تأمین هزینه‌هایش «در بودجه» دیده شود، حل می‌شود.

**آقای علیزاده** - در این صورت، دیگر به آن ایراد نمی‌گیرید؟

**آقای هاشمی شاهرودی** - نه دیگر.

**آقای یزدی** - نه، ایرادی ندارد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چون اجرای این دو مورد، مربوط به دو سال دیگر است.

**آقای علیزاده** - اجازه دهید تا جدا جدا رأی‌گیری کنیم. اول در مورد آن موادی که گفته است با توجه به قانون برنامه پنج‌ساله پنجم اقدام نمایند، رأی‌گیری می‌کنیم؛ اگر آقایان اعضای شورا معتقدند که این اصلاحیه، خلاف قانون اساسی است، بفرمایند.

**آقای اسماعیلی** - نه، خلاف نیست؛ اشکال رفع شده است.

**آقای علیزاده** - حالا می‌ماند آن دو مورد.

**آقای مدرسی یزدی** - خواهش می‌کنم آن دو مورد را دوباره بخوانید تا بفهمیم اصلاً چقدر هزینه دارد.

**آقای رهپیک** - الان معلوم نیست که چقدر هزینه دارد.

**آقای مدرسی یزدی** - حدس که می‌شود زد.

**آقای رهپیک** - ما [در خصوص بار مالی] ایراد کلی به این مصوبه گرفتیم. الان هم برای رفع ایراد، باید نظرم را به طور کلی بگوییم. چون این قانون می‌خواهد از سال دیگر اجرا بشود و باید هزینه‌های اجرای آن را در قانون بودجه سال آینده پیش‌بینی کنند.

**آقای هاشمی شاهرودی** - یکی در مورد تشکیل دادگاه تجدیدنظر نظامی بود.

**آقای علیزاده** - یک مورد هم تبصره‌ی ماده (۱۱) است.

**آقای مدرسی یزدی** - اضافه کنید که [درآمد حاصل از هزینه‌ی دادرسی] باید به اندازه‌ی مساوی [با هزینه‌های ناشی از این تکالیف] باشد.

**آقای رهپیک** - نه، نیست. درآمدهای ناشی از اخذ هزینه‌ی دادرسی قبلاً به خزانه می‌رفته است و الان هم به خزانه می‌رود. تمام شد. من مرتب دارم می‌گویم که این درآمد، از سال‌های قبل هم در قانون آیین دادرسی بوده و هم‌اکنون مصرف می‌شده است. خوب ببینید دیگر.

**آقای هاشمی شاهرودی** - یک مورد، تشکیل دادگاه تجدیدنظر نظامی بود و یکی هم تبصره‌ی ماده (۱۱) است.

**آقای علیزاده - تبصره‌ی ماده (۱۱)** این است: «تبصره- گروه شغلی، حقوق و مزایای قضات شاغل در سازمان قضایی همان است که برای هم‌تراز آنان در دادگستری پیش‌بینی شده است. و لیکن با توجه به معافیت قضات نظامی از پرداخت مالیات، هم‌ترازی آنان با محاسبه کسر مالیات می‌باشد.»

**آقای مدرسی یزدی -** این تبصره، خیلی هزینه دارد.

**آقای علیزاده -** همه می‌گویند که همین الآن هم به این قضات، این حقوق پرداخت می‌شود.

**آقای اسماعیلی -** ظاهراً به آنها این مقدار حقوق را می‌دهند.

**آقای علیزاده -** و الآن این قضات مالیات هم نمی‌دهند. این تبصره گفته است که مالیات را از میزان حقوقشان کم کنند.

**آقای یزدی -** یعنی [به اندازه‌ی کسر مالیات،] کمتر به اینها حقوق بدهند.

**آقای مدرسی یزدی -** باز درآمد دولت کم می‌شود.

**آقای علیزاده -** نه.

**آقای اسماعیلی -** بر عکس است.

**آقای علیزاده -** الآن این تبصره می‌خواهد بگوید از این قضات سازمان قضایی مالیات بگیرید. الآن از آنها مالیات نمی‌گیرند. این تبصره می‌گوید از آنها مالیات بگیرید. آقایان نمایندگان می‌گویند الآن این موضوع، در عمل دارد اجرا می‌شود.

**آقای اسماعیلی -** الآن این قضات، همین قدر حقوق می‌گیرند.

**آقای علیزاده -** در این مصوبه تنها جایی که شما گفتید به تشکیلات سازمان فعلی قضایی دارد اضافه می‌شود، دادگاه تجدیدنظر نظامی است. آقایان نمایندگان می‌گویند الآن مرجع تجدیدنظر آرای دادگاه‌های نظامی دو، دادگاه نظامی یک است. یعنی می‌گویند الآن دادگاه تجدیدنظر داریم، متنها داخل دادگاه نظامی یک است. این دادگاه نظامی یک از یک قاضی تشکیل می‌شود و گاهی مشاور هم دارد. حالا با پیش‌بینی دادگاه تجدیدنظر در این مصوبه، باید هر دادگاه سه قاضی داشته باشد.

**آقای رهپیک -** هم باید شعبه تأسیس کنند و هم قاضی اضافه کنند.

**آقای علیزاده -** با این حساب، بار شعب دادگاه نظامی یک که به تجدیدنظرخواهی‌های دادگاه نظامی دو رسیدگی می‌کرد، کم می‌شود، ولی به نسبتی، دادگاه نظامی تجدیدنظر اضافه می‌شود. بالاخره ما این موضوع را قبول کردیم که تشکیل این دادگاه‌های تجدیدنظر، [به تشکیلات سازمان قضایی] اضافه می‌کند. این دو تا مطلب هست.

**آقای رهپیک -** ما که تأمین بار مالی را قبول نداریم.

**آقای علیزاده -** در مورد بند (پ) [ماده (۱۲)] در ماده (۱۳۷) این مصوبه‌ی اصلاحی آمده است که دولت این کارها را طبق قانون برنامه انجام دهد.

**آقای شب‌زنده‌دار -** یعنی به نوعی به آنها [= دولت] رخصت داده‌اید.

**آقای مدرسی یزدی -** قانون برنامه، رخصت است یا اجبار است؟

**آقای سوادکوهی -** قانون برنامه می‌گوید در ظرف پنج سال این وظایف انجام شود؛ یعنی فرصت دارند که در طی پنج سال این کارها را انجام دهند.

**آقای مدرسی یزدی -** خب همین؛ این ماده (۱۳۷) اصلاحی هم بیشتر از این نگفته است.

**آقای ابراهیمیان -** ما هم همین را گفتیم.

**آقای سوادکوهی -** یعنی ما هم رخصت دادیم.

**آقای علیزاده -** این را هم گفته است که وظایف مقرر را در داخل برنامه اجرا کنند یا به آن اضافه نکنند. پس این مواد مربوط به قانون برنامه‌ی پنجم که تمام شد. حضرات آقایان، الآن اگر اجازه بدهید من این قسمت دوم را هم رأی بگیرم. این قسمت دوم را هم رأی بگیریم تا ببینیم آیا با این فرضی که آقایان می‌گویند برای این دو تا ماده، یعنی تبصره‌ی ماده (۱۱) و بند (پ) ماده (۱۲)، اشکال بار مالی رفع شده است یا نه؟

**آقای مدرسی یزدی -** اگر این کار را بکنند که هر سال خود مجلس هزینه‌ی دادرسی را به تناسب اضافه بکند، [بار مالی این دو ماده هم تأمین می‌شود و] مشکلی ندارد؛ ولی اگر اضافه نکند، مشکل دارد.

**آقای یزدی -** معمولاً در قانون برنامه این گونه است.

**آقای علیزاده -** حضرات آقایانی که می‌گویند با این وضع، هنوز این اشکال بار مالی در این مصوبه وجود دارد، رأی بدهند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** ما نمی‌دانیم.

**آقای مدرسی یزدی -** برای من هم مجهول است.

**آقای رهپیک -** اشکال این اصلاحیه این است که اشکال قبلی رفع نشده است. اشکال این ماده، این است.

**آقای علیزاده -** پس این اشکال، باقی است. آقایان می‌گویند این اشکال باقی است، مگر اینکه بروند و آنجا [= محل تأمین هزینه‌های اجرایی این دو ماده را در قانون بودجه] مقید کنند.

**آقای رهپیک -** بله.

**آقای علیزاده** - به این موضوع، رأی بدهید.

**آقای مدرس یزدی** - این الآن خیلی خوب است؛ اگر این طور بشود، ایراد حل می شود.

**آقای اسماعیلی** - چگونه مقید می شود؟

**آقای رهپیک** - بگویید با توجه به اجرای قانون آیین دادرسی کیفری در سال بعد، [باید محل تأمین هزینه های اجرای این موارد در قانون بودجه بیاید].

**آقای علیزاده** - خب این هم رأی نیاورد. پس نتیجه اش این است که ایراد بار مالی رفع شده است. با اینکه من هم به این موضوع رأی دادم و گفتیم این ماده، ایراد دارد و به این طریق اصلاح بشود، ولی باز هم رأی نیاورد.

**آقای هاشمی شاهرودی** - چهار تا رأی آورد. بنده و آقای مدرس و دو نفر دیگر رأی دادند.

**آقای سلیمی** - حاج آقای علیزاده هم رأی دادند.

**آقای علیزاده** - چهار تا رأی شد. دیگر بحث راجع به این موضوع تمام شد. این ایراد، رأی نیاورد. در هر صورت اگر بگویند این هزینه در بودجه هم پیش بینی بشود، اشکال دارد.

**منشی جلسه** - [بند (۳۱) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۲۹۴ مورخ ۱۳۹۳/۴/۷ شورای نگهبان]: «۳۱- در ماده (۱۳۸)،<sup>۱</sup> نسخ قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون تفسیر ماده (۳) قانون مذکور مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام،<sup>۲</sup> با توجه به اینکه موارد مزبور به عنوان معضل

مطرح و مقررات آن به تصویب رسیده است، مغایر بند (۸) اصل (۱۱۰) قانون اساسی شناخته شد.» این ایراد را به این صورت اصلاح کرده اند: «ماده ۱۳۸- از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، ماده واحده قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنایی مصوب ۱۳۳۹/۳/۲، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ به جز مواد (۴)، (۸) و (۹) آن قانون، قانون تشکیل دادگاه های کیفری (یک و دو) و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰، قانون تجدیدنظر آرای دادگاه ها مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۶، مواد (۷۵۶) الی (۷۷۹) الحاقی مورخ ۱۳۸۸/۳/۵ به قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) و ماده (۵۶۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴<sup>۳</sup> و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها ملغی است. این ماده پس از لازم الاجراء شدن در ماده (۵۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴<sup>۴</sup> ادغام می شود.»



دادگاه های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶» مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «موضوع استفساریه:

نظر به اینکه، ماده (۳) «قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه های نظامی کشور» مقرر می دارد: «کلیه جرائم نظامیان دارای درجه سرتیپی و بالاتر در مراجع قضایی ذی ربط در تهران رسیدگی می شود» بعضی از قضات عقیده دارند که نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی از شمول این ماده مستثنی می باشند و باید جرائم آنان در محل وقوع بزه رسیدگی شود، و بعضی دیگر عقیده دارند عنوان سرتیپی برای کسانی که درجه سرتیپ دومی هستند نیز اطلاق می شود و به جرائم آنان باید در تهران رسیدگی شود.

برداشت های متفاوت از مصوبه مذکور موجب تعویق رسیدگی به پرونده های مربوطه شده است. مستدعی است نظریه مجمع تشخیص مصلحت نظام در این خصوص اعلام شود.

نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام:

ماده واحده: کلیه نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی که شاغل در محل های سرلشکری و فرماندهی تیپ های مستقل هستند نیز مشمول ماده (۳) «قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه های نظامی کشور» مصوب ۱۳۷۳/۵/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشند.»

۳. ماده (۵۶۹) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۶۹- این قانون شش ماه پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم الاجراء می شود.»

۴. ماده (۵۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۷۰- از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۲۹۱/۵/۳۰، قانون راجع به محاکمه و مجازات مأموران به خدمات عمومی مصوب ۱۳۱۵/۲/۶، لایحه مربوط به تشکیل دیوان کیفر کارکنان دولت و طرز تعقیب مأموران دولتی در محل خدمت مصوب ۱۳۳۴/۲/۱۹، مواد (۶)، (۱۵)، (۱۷)، (۱۸)، (۲۱)، (۲۲)، (۲۳)،



۱. ماده (۱۳۸) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۳۸- از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۲۹۱/۵/۳۰، ماده واحده قانون راجع به تجویز دادرسی غیابی در امور جنایی مصوب ۱۳۳۹/۳/۲، قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲ به جز مواد (۴)، (۸) و (۹) این قانون، قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون تفسیر ماده (۳) «قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و دادگاه های نظامی کشور مصوب ۱۳۷۳/۵/۶» مصوب ۱۳۷۴/۶/۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون تشکیل دادگاه های کیفری (یک و دو) و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۴/۲۰، قانون تجدیدنظر آراء دادگاه ها مصوب ۱۳۷۲/۵/۱۶، ماده (۱) از قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰، و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها و سایر قوانین در موارد مغایر، ملغی است.»

۲. قانون تفسیر ماده (۳) «قانون تعیین حدود صلاحیت دادرسی و



**آقای رهپیک -** [اداره‌ی تنقیح مجلس] نمی‌تواند چنین دخل و تصرفی در مصوبه بکند؛ چون ممکن است عبارت را یک طوری ادغام کنند که معنایش عوض شود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** اینها می‌خواهند بگویند این دو تا ماده، یکی است.

**آقای رهپیک -** نه، گفته‌اند این دو ماده ادغام می‌شوند؛ یعنی ماده (۵۷۰) هست و این ماده را هم در ذیل آن ادغام کنید. اما حالا اینکه نحوه‌ی ادغام چگونه است، چه می‌دانیم. چون ممکن است این را طوری بنویسند که مفهوم داشته باشد و یا برخی قوانین را تخصیص بزنند. اینها باید متن ادغام‌شده را به مجلس بدهند، بعداً مجلس آن متن را ببیند و تصویب کند.

**آقای علیزاده -** ما بایم بگویم شما متن ادغام‌شده را برایمان بفرستید.

**آقای رهپیک -** بله.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بگویم باید نتیجه‌ی ادغام را برای ما بفرستید.

**آقای اسماعیلی -** چون نتیجه‌ی «ادغام» قانون است، باید برای ما بفرستند.

**آقای مدرسی یزدی -** وقتی تغییر ایجاد کردند، احتمال می‌دهید که فرقی داشته باشد؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای رهپیک -** بله، مثلاً در تنقیح قانون مجازات اسلامی یک ماده را تبدیل به تبصره کردند و یا یک تبصره را به ماده تبدیل کردند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بالاخره این حرف خوبی است.

**آقای علیزاده -** الان ما به مجلس این‌طور بگویم که اگر منظور از عبارت «ادغام می‌شود» این است که وقتی ادغام شد، متن را می‌آورید تا ما نسبت به آن اظهار نظر کنیم یا نه، اگر می‌خواهید انجام این ادغام را به آینده موکول کنید، باز اشکال دارد.

**آقای مدرسی یزدی -** یا اینکه این ماده را، به ماده (۵۷۰) آن قانون ملحق کنید.

**آقای رهپیک -** نه.

**آقای علیزاده -** این کار، ادغام نیست؛ ادغام اضافه کردن یا الحاق کردن نیست. هر کدام از اینها یک اصطلاح مجزایی است. ما می‌گوییم اگر منظور از ادغام ...

**آقای هاشمی شاهرودی -** الحاق باشد ...

**آقای علیزاده -** نه، می‌گوییم اگر منظور از ادغام می‌شود این است که متن این دو ماده، ادغام شده است، متن ادغام‌شده را بفرستید تا ما نسبت به آن اظهار نظر کنیم.

**آقای علیزاده -** آن دو موردی را که ما گفته بودیم، آن دو مورد را حذف کرده‌اند.

**آقای رهپیک -** حالا اینکه [در انتهای این ماده‌ی اصلاحی گفته است، این ماده در ماده (۵۷۰) قانون آیین دادرسی کیفری] ادغام می‌شود، یعنی چه؟ چه کسی ادغام می‌کند؟ اینها دوباره می‌خواهند این مصوبه را به دست اداره‌ی تنقیح مجلس بدهند؟

**آقای هاشمی شاهرودی -** این ادغام، جزء خود قانون است.

**آقای رهپیک -** نه، دارد می‌گوید این دو تا ماده با هم ادغام می‌شود؛ یعنی نگفته است آیا بعداً مجلس آنها را با هم ادغام می‌کند یا اداره‌ی تنقیح قرار است این دو تا را در هم ادغام کند.

**آقای هاشمی شاهرودی -** همین، قانون است. خود این عبارت «ادغام می‌شود» قانون است؛ یعنی ما این دو تا ماده را با هم ادغام کردیم.

**آقای رهپیک -** نه، در مواد بعدی گفته است که بروند و موادش را هم درست کنند. تنظیم ترتیب مواد و اصلاح ماده (۵۷۰) را به صورت شکلی، به غیر مجلس واگذار کرده است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** تنظیم ترتیب مواد در اینجا نیامده است.

**آقای رهپیک -** در ماده‌ی بعدی آمده است.

**آقای ابراهیمیان -** در اینجا نگفته‌اند که این مواد را تغییر دهند؛ یعنی اختیار تغییر مواد را [بر عهده اداره‌ی تنقیح مجلس نگذاشته است].

→

(۲۴) و (۲۵) از قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶/۳/۲۵، لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۱۳۵۸/۷/۱۰ شورای انقلاب، لایحه قانونی راجع به مأموران سازمان قند و شکر که مأمور کشف و تعقیب جرائم مربوط به اخلال‌کنندگان در امر عرضه، توزیع و یا فروش قند و شکر می‌شوند مصوب ۱۳۵۹/۴/۲۱ شورای انقلاب، قانون تشکیل دادگاه‌های سیار مصوب ۱۳۶۶/۶/۱، مواد (۱)، (۷)، (۸)، (۹)، (۱۶)، (۱۷)، (۲۲) و (۲۶) و تبصره (۱) از ماده (۲۸) در رابطه با امور کیفری و مواد (۳)، (۵) و بند (ج) و تبصره‌های (۱) و (۲) از ماده (۱۴) و ماده (۱۸) و تبصره (۱) تا (۶) از ماده (۲۰) از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵، ماده (۱) از قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸، ماده (۲۱) قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۲/۳۱، ماده (۳۲) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون تفسیر ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۰ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها و سایر قوانین در موارد مغایر، نسخ می‌شود».

**آقای ره‌پیک -** مجلس، حتماً باید بعداً [تغییرات اعمال شده در قانون را] ببیند [و آنها را تصویب کند].

**منشی جلسه -** آقای دکتر ابراهیمیان، این قانون تنقیح قوانین، اختیار ادغام مواد قانون را به آنها نداده است؛ فقط اختیار تنقیح قوانین را به آنها داده است.

**آقای علیزاده -** آقایانی که می‌گویند همین متنی را که عرض کردم بنویسیم، بفرمایند.

**آقای سلیمی -** بنویسید هر ماده‌ای که ماحصل ادغام شد، بفرستید تا اظهار نظر کنیم.

**آقای علیزاده -** متن ادغام شده را بفرستید تا ما اظهار نظر کنیم.<sup>۲</sup>  
**منشی جلسه -** «ماده (۱۳۹)<sup>۳</sup> به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می‌شود: ...»

**آقای هاشمی شاهرودی -** آن ماده‌ی دیگر چه شد؟

**منشی جلسه -** نمی‌دانم چه شد.

**آقای هاشمی شاهرودی -** بنا شد که مجلس متن ادغام شده را برای اظهار نظر برای ما بفرستد.

**آقای مدرسی یزدی -** این ماده، یک ماده‌ی دیگر است.

**منشی جلسه -** این، ماده‌ی بعدی است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** نه، این ماده، همان است.

**منشی جلسه -** آن ماده، ماده (۱۳۸) بود، اما این ماده، ماده (۱۳۹) است. «... ماده ۱۳۹- این قانون با رعایت ترتیب شماره مواد به‌عنوان بخش‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ الحاق و بخش هفتم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ به‌عنوان بخش یازدهم تعیین می‌شود و مقررات هر دو قانون از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ لازم‌الاجراء است.

تبصره- در اجرای حکم این ماده، شماره مواد این قانون و بخش هفتم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ در زمان ابلاغ به دولت تعیین و اصلاح می‌شود.»

**آقای مدرسی یزدی -** باید این تغییرات را هم برای ما بفرستند.

**آقای ره‌پیک -** ایرادات را مشروط بنویسید؛ بنویسید متن ادغام شده‌ی آن را برای ما بفرستند.

**آقای علیزاده -** بگویم «متن ادغام شده ارسال شود تا اظهار نظر ممکن شود و چنانچه بعداً باید توسط مرجع دیگری ادغام صورت گیرد مشخص شود.»

**آقای مدرسی یزدی -** یک بار متن مصوبه را بخوانید. اصلاً این مسائل در آن نیست. در این ماده می‌گوید: «این قانون با رعایت ترتیب شماره مواد ...»؛ یعنی فقط شماره مواد را تغییر می‌دهند.

**آقای ره‌پیک -** آن ماده، ماده‌ی بعدی است.

**آقای مدرسی یزدی -** حالا همه‌ی آن را بخوانید. «ماده ۱۳۹- این قانون با رعایت ترتیب شماره مواد به‌عنوان بخش‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ الحاق و بخش هفتم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ به‌عنوان بخش یازدهم تعیین می‌شود و مقررات هر دو قانون از تاریخ ۱۳۹۴/۴/۱ لازم‌الاجراء است.»

**آقای ره‌پیک -** ماده‌ی قبلی را بخوانید. این ماده‌ای که خواندید، ماده‌ی بعدی است. حالا البته ما می‌خواستیم به ماده (۱۳۹) هم ایراد بگیریم.

**آقای علیزاده -** ما الآن می‌نویسیم: «در ماده (۱۳۸)، متن ادغام شده ارسال تا اظهار نظر ممکن گردد.»

**آقای هاشمی شاهرودی -** بله.

**آقای ره‌پیک -** این بهتر است؛ همین را بنویسید.

**آقای علیزاده -** «متن ادغام شده ارسال تا اظهار نظر ممکن گردد.»

**آقای ره‌پیک -** آن متن ادغام شده، قانون می‌شود؛ اما این ماده که قانون نمی‌شود.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این ایراد را به همین صورت بگویید. بقیه‌ی مواد هم که با قانون آیین دادرسی کیفری الحاق شده است و از این جهت، اشکالی ندارد.

**آقای ره‌پیک -** نه، آن هم اشکال دارد. خاطراتان هست که قانون مجازات اسلامی به اداره‌ی تنقیح مجلس رفت و در آنجا ماده را به تبصره تبدیل کرده بودند و تبصره را به ماده؟

**آقای ابراهیمیان -** اداره‌ی تنقیح مجلس اختیارات قانونی دارد؛ یک قانونی دارد<sup>۱</sup> که بر اساس آن اختیارات می‌تواند در قانون اعمال بکند؛ چون شما چنین چیزی را پیش‌بینی نکرده‌اید. شما این قانون را تأیید کرده‌اید.

۱. قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ مجلس شورای اسلامی.

۲. بند (۴) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ شورای نگهبان: «۴- در ماده (۱۳۸)، متن ادغام شده ارسال تا اظهار نظر ممکن گردد.»

۳. ماده (۱۳۹) طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳/۲/۲۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۳۹- با توجه به ارتباط مقررات این قانون با قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، این قانون به‌عنوان بخشی از قانون مذکور به آن الحاق می‌شود و تمام مقررات آن شش ماه پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم‌الاجراء است.»



**آقای ره‌پیک -** در اینجا هم معلوم نیست این تعیین شماره‌ی مواد توسط چه کسی انجام می‌شود؟ این کار هم تعیین و اصلاح مواد است.

**آقای هاشمی شاهرودی -** این ماده، درست است.

**آقای ابراهیمیان -** این کار، تنقیح است؛ ما یک قانونی در این زمینه داریم که شما آن قانون را تأیید کرده‌اید.<sup>۱</sup>

**آقای مدرسی یزدی -** قبول است؛ تبصره‌ی این ماده درست است. باید تبصره‌ی این ماده را بپذیریم.

**آقای اسماعیلی -** شماره مواد تغییر می‌کند.

**آقای ره‌پیک -** ذیل تبصره می‌گوید شماره مواد تعیین و اصلاح خواهد شد. چه کسی اصلاح خواهد کرد؟ حالا اگر مواد را کم یا زیاد کم کردند، چه کسی نظر می‌دهد؟

**آقای علیزاده -** بله.<sup>۲</sup>

۱. قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۳- وظایف معاونت در امور تنقیح به شرح زیر است:

۱- ...

۷- شناسه‌گذاری (کدگذاری) قوانین و اصلاح فصول و شماره مواد آن بدون تغییر در متن آن بعد از اقدامات تنقیحی.

۸- ...»

۲. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲۳ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۰۱/۳۹۷۷۵ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۲ و پیرو نامه شماره ۹۳/۱۰۲/۲۰۰۱ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹، طرح آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی که با اصلاحاتی در جلسه مورخ نوزدهم مردادماه یکهزار و سیصد و نود و سه به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی بر اساس اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۹ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- در ماده (۱۱۰)، اطلاق «عدم حضور یا امتناع از حضور»، در صورتی که تفتیش، ضروری و فوری نباشد، اشکال شرعی دارد.

۲- قسمت اول اشکال بند (۲۸) قبلی این شورا در خصوص مغایرت ماده (۱۲۷) با اصل (۸۵) قانون اساسی کماکان به قوت خود باقی است.

۳- در بند (ب) ماده (۱۳۰)، علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است.

۴- در ماده (۱۳۸)، متن ادغام‌شده ارسال تا اظهار نظر ممکن گردد. تذکرات:

۱- در تبصره (۴) ماده (۲۸)، واژه «ضابط آن» به «ضابطان» اصلاح شود.

۲- در بند (ح) ماده (۵۴)، واژه «شرار» به «اشرار» اصلاح گردد.

۳- در تبصره (۲) ماده (۸۸)، واژه‌های «کد پستی» و «کد ملی»، با توجه به اصل (۱۵) قانون اساسی باید اصلاح گردد.

۴- لازم است مفاد قسمت اول ماده (۱۳۹)، با اصلاحاتی که در اجرای اشکالات معموله در این نامه انجام می‌شود، اعمال و همزمان به این شورا ارسال گردد.»